

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_232007

UNIVERSAL
LIBRARY

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No. ۱۰۵۹ / ۱۰۵۹ Accession No. ۱۷۸۲۳

Author . کائن شراک فرمان

Title . ادبیات امریکا
۱۳۳۲

This book should be returned on or before the date
last marked below.

۱۰۰۰ جلد از این کتاب در چاپخانه فردوسی بطبع رسید

طهران ۱۳۳۴

حق چاپ محفوظ و مخصوص مترجم است

کشورهای پرستان دو عامل ظرافت و تقوی را که
برای سعادت انسان تربیت یافته ضروری است فاقدند
شارل بودلر ۱

فصل اول

قرن هفدهم و هیجدهم

مسئله پورتین ها ۲

تا پایان قرن هجدهم سراسر زندگی روحی و عقلی مستعمره نشینان
انگلستان جدید مملو از نصایح و مواظ کشیشان پورتن است و این نیز
موضوعی اساسی است چه این « کشیشان الهی » در جامعه امریکائی عادات
و افکار و رفتاری را رسوخ داده اند که این جامعه هنوز نتوانسته است خود

۱- شاعر فرانسوی متولد درباریس مؤلف کتاب Charles bau
dlaire « گلهای بدبختی » که علی رغم احساسات غم انگیز و محزون وی
در این کتاب از نظر ابتکاو موسیقی صوتی و فراوانی تشبیهات و قدرت بیان
خود را از شعرای درجه اول فرانسه نشان میدهد

۲- Puritains. فرقه مذهبی انگلستان و اسکاتلند که مدعی بودند
بیش از سایر فرق مذهبی بمعنی کتاب مقدس اعتقاد دارند. خشونت اخلاقی
این فرقه رفته رفته به سختگیری ترسناکی تبدیل یافت انقلاب ۱۶۸۴ تقریباً
بتمامی ساخته دست پورتن ها بود که در هنگام انقلاب با مجلسیان متحد
شدند، از طرفی بر اثر سختگیری استوارت ها عده زیادی از پورتن ها
ناگزیر شدند که بجایهای دوردست مهاجرت کنند و نقش این مهاجرت های
متوالی در تاریخ استعمار انگلستان مخصوصاً در امریکا بسیار مهم است

را ازبند آنها کاملاً رهائی دهد با آنکه عادات و رسوم نو عکس العمل‌هایی شدید و غالباً افراطی در مقابل این افکار مغایر با طبیعت از خود نشان داده‌اند ، از این روی یکی از جریان‌های مهم ادبیات امریکا از هوت هورن ۱ تا « کالدول » ۲ که « ادیت وارتن » ۳ و « پ ا مور » ۴ نیز در این میانه قرار گرفته‌اند ، با مباحثه عظیم له و علیه مسلک پورترین‌ها مشخص میشود و ای آثار و تالیفات کشیشان پورترین در دوره استعماری ، بغیر از این تأثیر روحی ، از نظر ادبی ارزشی نداشته‌اند و دیرزمانی است که جز مورخین کسی این آثار را نمی‌خواند .

مواعظ و نوشته‌های این کشیشان مانند زدن کی خود آنان خشک و خشونت‌ی بی سابقه دارد و در آنها جز ازبند و زنجیر و آهن گداخته و دار و بریدن گوش و زبان و به چهار میخ کشیدن بحثی بمیان نمی‌آید . چه این کشیشان نه تنها برای توصیف دوزخ که منتظر گناهکاران یعنی تمام بشر است ، تصورات و تمثیل‌هایی می‌یابند که زبان نا هموار آنان ، آنها را ترسناک تر میکند بلکه در همین زندگی خاکی نیز ، امر و نهی میکنند و گناهکاران را به کیفرهایی خونین می‌رسانند و دانه گناه هم چندان وسیع است که کلامی را که کفر آمیز شناخته شود تا سرود ساده را شامل میشود بامحکوم کردن يك جاسوس شیطان ، یعنی يك مخالف مسلکی ، کشیش باری مقدس انجام می‌دهد و با افشای حرکت یا حرف مذموم ، شخص به استقرا و ملکوت خداوند در زمین مدد میکند .

ولی مردم مستعمره جز با کوشش و ترقی نمیتوانند بزندگی ادامه دهند و از همین روی و اعظان پورترین در مورد جلب منفعت و اقدامات اقتصادی، بناچار مهر خاموشی بر لب می نهند رقص و قمار و لبخند عاشقانه و افکار مستقل و آزاد، محکوم به توییخ و تکفیر است و لسی دادوستد و سفته بازی و احتکار غاصبانه در باطن ترویج میشود و بر اثر همین امر ملتی بمیان می آید رنجبر و دلاور و لجوج و خشن، بی اعتنا به لذات، و بدگو، حسود، دارای اخلاقی خشك و محدود که فقط ترقیات اقتصادی را دوست دارد و توانگری و پول را می ستاید.

نام دو یاسه تن از این هیون ترسناك، قابل ذکر است، «توماس هوکر» ۱- ۱۶۴۷ - ۱۵۸۶ یکی از موسسین ایالت «کنکتکوس» ۲ و جان وینترپ» ۳- ۱۹۴۹ - ۱۵۸۸ فرماندار ماساچوست و «جان کوتن» ۴- ۱۵۶۲ - ۱۵۷۴ اهل بستان این سه تن از نظر صفات فنی و عظم و خطابه و هم چنین از نظر مبدأ و مولد مقامی در ادبیات امریکا ندارند چه در اروپا بدینیا آمده اند فقط اهمیت آنان از آنروست که تمایلات و افکاری یکنواخت و نوعی در امریکا رواج دادند.

در میان نسل بعد « روجر ویلیام» ۵- ۱۶۸۳ - ۱۶۰۴ نغمه ای نو ساز میکند مخالف با آهنگهای دیگر، ولی کاملاً امریکائی است و آن نغمه آزادی است و نخستین کسی است که آزادی عقاید مذهبی و حکومت مردم را خواستار میشود و همین علت هم متعصبان ناحیه ماساچوست او را از دیار خود می رانند و وی نیز «رودس» ۶- ایلند را تاسیس میکند و این

- | | |
|-------------------|-------------------|
| Connecticut - ۲ | Thomas Hooker - ۱ |
| John cotton - ۴ | John winthrop - ۳ |
| rhodes Island - ۶ | roger william - ۵ |

منطقه را تاملتی پناهگاه دزدان و شیادان می‌پنداشتند در خاطرات و حافظه محقق ادبیات امریکا این مرد احترامی خاص باید داشته باشد چه او نخستین فرد و پیشرو يك نسل انقلابی و نخستین نغمه سرای آزادی ملتی بود که پس از وی ابراز کینه به استبداد سیاسی و اشتیاق به قدرت و حکومت را شعار خود قرار می‌دهد.

راندن ویلیام و محکوم کردن عقاید وی به بیدینی دردی از پورترین‌ها را درمان نمی‌کند و این عقاید، رفته رفته رواج می‌یابد روح استبدادی و خود کام عهد عتیق که جانشینان «هوکر» و «کوتن» نماینده آن هستند در همه جا با روح انقلابی و آزادیخواهی شاگردان مکتب ویلیام روبرو می‌شود از آن گذشته بر اثر توسعه مناطق مستعمره نشین از يك سوی فشار اقتصادی و از سوی دیگر امکانات چشیدن لذات، عدم کفایت الیهون پورترین را در رهبری زندگی دنیوی مردم آشکار می‌کند در قرن بعد آنکه رانده می‌شود شورشی و کافر نیست بلکه خود کشیش مذهب پورترین باید در برابرشورش اتباع خویش شهرود یار راترك کند و آن کشیش «جانتن ادوارد» ۱ است ۱۷۵۸-۱۷۰۳، ولی بالاینهمه وی نخستین کسی است که از نظر سبك و صفات ممتاز آن، در ادبیات حق توطن دارد، آشنابه مفهوم لطف الهی وی بنحوی تناقض آمیز، در آثار خود می‌گوید که مطابق سنت و عادات باترس و وحشت این مفهوم لطف را در دلها استوار کند، و همین مفهوم در کتاب «خاطرات» وی ملایمتی صوفیانه بدو الهام می‌کند که به بعضی از صفحات این کتاب صورت شاهکارهای کوچک غنائی می‌دهد قوت تشبیه و هم چنین قدرت منطقی رساله او را درباره آزادی اراده ستوده‌اند.

۲ - بینامن ۱ فرانکلن ۱۷۹۰-۱۷۰۶

برای آنکه ادبیاتی امریکائی بوجود آید امریکائیان باید بدون شك با ادبیات دیگران آشنا شوند و اینکار راهم فرانکلن بعده میگردد با آنکه وی دردانشگاهی درس نخوانده بود کتابخانه‌ای بزرگ داشت و قدما و متاخرین را بخوبی می‌شناخت مانند رفقای ادبی، فرانسه و انگلستان خودوی با آنان فاضلانه و ادیبانه مکاتبه میکنند و به علم و سیاست و ادبیات بیک اندازه عشق می‌ورزد و به علوم ماورالطیبه و الهیات بی‌اعتناست و مانند بسیاری از رفقای قرن ۱۹ و ۲۰ امریکائی خود ورود خود را در ادبیات از دوازده سالگی در چاپخانه آغاز میکند و چند سال بعد روزنامه نگار میشود و سرانجام بامسافرتی در اروپا تحصیل خود را پایان می‌رساند، وصف پیشرفت‌های سیاسی وی کار تاریخ است ولی بیان محبوبیت وی در انجمن‌های ادبی باریس با ادبیات است اگر بپذیریم که استقبال پرهیجان مردم فرانسه در آغاز بیشتر به نماینده دشمنان انگلستان و کشور وحشیان نیکو توجه داشت تا به خودوی، مسلم است که اگر مردم ظریف و ادیب، فرانکلن را نظیر خود نمی‌یافتند و در مکالمه و کتاب «لاطائفات» وی چون ستاره‌ای درخشان تاییدن نگرفته بود، این هیجان بزودی خاموش میشد کتاب «لاطائفات» کتابی است کوچک که با ظرافت و روانی نوشته شده.

از آنجا که فرانکلن مردی اجتماعی و مهربان و خوشخو بود هیچیک از صفات او زنده و تند نبود واقع بین و مقید به آداب و رسوم، به کلیسا می‌رفت و معتقد بودن بخدارا بریدنی ترجیح میداد، اپیکوری مسلک و

هنر دوست، بی سوز و گذار عاشقانه معشوقه هائی میگرفت و با صداقتی مسخره آمیز و بدون شرم و حیا این امر را اعتراف میکرد بر اثر علاقه و شوق به ظرافت و طنز با اعتقاد راسخ بحث یا جدل میکرد ولی در شنیدن عقاید دیگران بر بار بود و در بحث خود حرارت متعصبان را آشکار نمیکرد، امریکائی سنت و رسوم اروپائیان پذیرفته یا اروپائی امریکائی شده، در هر حال وی نمونه کامل انسان مودب و صدیق قرن ۱۸ بود مکاتبات و کارنامه وی ۱۷۷۱ اورا بهمین نحو بمامعرفی میکند، قرائت این مکاتبات و کارنامه از نظر نکات تاریخی جالب است و از نظر نقل داستانها و روانی سبک و روش های ملایم فلسفه ظریف و جذاب

پیدایش يك ملت

در طی بیست و پنج سال اخیر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ تفوق بر مشکلات و حفظ استقلال، و ایجاد تاسیسات تازه و بکار انداختن آنها، مسأله‌ای بود که امریکائیان را از اشتغال به امری غیر از سیاست و اقتصاد باز میداشت از همین روی تنها مظهر ادبی مردم این دوره اعلامیه استقلال و نطق و اعلانات و ۸۵ خطابه هامیلتن ۱ و مادیزن ۲ و جی ۳ است که به اسم جمع . اتحادیه شناخته شده، از آن گذشته این مدارك از آن رोजء ادبیات بشمار آمده اند که به بهتر از آنها دسترس نبود.

نوماس پن ۴ متوفی بسال ۱۸۰۹ و هکتور سنت ژان د کرو کور ۵ متوفی بسال ۱۸۱۳ را میتوان از این میانه استناده کرد ولی یکی از این دو

۲ - madison

۱ - Hamilton

۴ - Thomas paine

۳ - Joy

۵ - Hector saint-jean de créve cœur

انگلیسی بود و دیگری فرانسوی خطابه‌های سیاسی و مذهبی بن از نظر قدرت مشاجره و شور و شعفی که سبك فصیح آنرا زنده و جاندار میکند جالب توجه است و اما کروکر با آنکه وی انگلیسی را درسزده سالگی آموخته بود آنرا چون هنرمندی حقیقی بکار می برد و در نامه‌های يك بزرگ امریکائی (که اساساً يك تالیف زراعتی است) شعر روستائی را بنحوی جالب پیروی میکند این دو در ادبیات شاگرد مکتب اصالت تصور بودند و امید اصلاح مشوق آندو به آمدن به امریکا بود. بن شدت و سختگیری را می پسندید و کروکر دوستار آشتی و بردباری بود ولی هر دو تا پایان عمر به ییدایش مشی تازه بشریت معتقد بودند.

فصل دوم مشاجرات

واشنگتن ایورینگ ۱۸۵۹-۱۷۸۲

اگر فرانکلن را نخستین مرد متمدن امریکا نامیده اند ایورینگ را نیز میتوان نخستین ادیب امریکا بشمار آورد از آن گذشته اصالت حقیقی و یگانه اینکار وی در این زمینه است سبکش که روانی و سادگی دلفریبی دارد، تقلیدی ماهرانه از سبك دلداسمیت ۲ است تصاویر منظره ها و اشخاص معاصر، در کتابهای سالما گوندی ۳ و تاریخ نیویورک ۱۸۰۹

۱- Washington Irving

۲- goldsmith ادیب انگلیسی متولد پالاس (ایرلند) دارای نبوغی

ساده و طبیعی و مؤلف کتاب خلیفه (ویک فیلد)

۳- Salamagundi

مطابق تصاویر کتابهای آدیزن ۱ نقاشی شده است و افسانه‌های وی درباره هورسن و ریبدان و میکال ۲ و گودال سرایشب از سبک آلمان مایه گرفته غرض ازدگر این منابع آن نیست که ارزش و لطف غیر قابل انکار این کتابها را ناچیز و حقیر بگیریم بلکه برای اثبات این امر است که از نظر تاریخ نخستین نویسنده امریکا به اروپائیش از کشور خود مدیون بوده است از آن گذشته در سال ۱۸۰۲ کتاب تصاویر وی بحمايت و مساعدت والتر اسکات ۳ درلندن بچاپ رسید و مردم انگلستان بیش از همشهریان خود نویسنده از این کتاب استقبال کردند و علت آن بود که امریکائیان نویسنده را از اینکه در حمایت مردم انگلستان راه افراط را پیموده سرزنش میکردند ولی بالینهمه وی از انگلستان برای نوشتن این کتاب بسیار مختصر مایه و موضوع گرفته بود و بدون شك برای تلافی این سرزنش بود که پس از بازگشت از مسافرت طولانی خود به اسپانیا که در آنجا وقت خود را بنگارش چندین داستان عاشقانه آن دیار وقف کرده بود سفری به دشت‌های جنوب غربی رفت و کتاب سفری در

۱- addison نویسنده انگلیسی متولد «آمسبری» مقالات وی در مجله «اسپیکتاتور» سبب شد که ادبیات انگلستان وقار و مقامات بیشتری بدست آورد ضمناً «کوتن» وی موفقیتی بسیار بزرگ کسب کرد (۱۷۱۹- ۱۶۷۲)

۲- Rivp van winkle

۳- Scott (walter) داستان نویس اسکاتلندی متولد ادیمبورک آثار مهم وی عبارتند از «ویورلی» «زندان ادیمبورک» «پورنین‌ها» «ایوان هوتد» «رب ردی» «نامزد لامر مور» «کهنه فروش» داستان‌های که غالباً باشتاب نوشته شده یادآوری بسیار هیجان انگیز و نسبتاً صحیح از گذشته است

چمن هارامنتشر کرد ۱۸۳۵ و پس از اینکار ۲۵ سال آخر عمر خود را به نوشتن کتاب زندگی و آشنیگتن ۱ بسر آورد و این کتاب در همان سال مرگ وی بچاپ رسید .

۲- چگونه میتوان ادبیاتی ملی آفرید

این سوالیست که همیشه بحث‌های ادبی معاصران «ایورینگ» از آن مایه میگیرد اگر شور و شغف پاره از میهن پرستان افراطی را کنار گذاریم که از همان فردای انقلاب میخواستند زبان انگلیسی را از امریکا برانند و زبان دیگر را که ساخته خود آنان باشد جانشین آن کنند چهار فکر اصلی در اینمورد بایکدیگر روبرو میشد

۱- «سامونل ۲ کناپ» در سخنرانی‌های خود در باره ادبیات امریکا ۱۸۳۹۰ معتقد بود که این ادبیات تنها بعزت اینکه در امریکا نویسنده و ناشر هست، وجود دارد، هوا داران این فرضیه خوش بین آناری از قبیل «فتح کنعان» تألیف «دوایت» ۳ ۱۷۸۵ و «کلمیاد»

۱- washington یکی از مؤسسين جمهوری امریکا که خود او

نخستین رئیس آن گردید از ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۷ متولد در ویرژین ۱۷۹۹ - ۱۷۳۲ در آغاز جنگ استقلال سربازان جوان خود را بامهارت تمام مطیع انضباط نظامی کرد و بیاری لافایت و روشامبو انگلیسیان را در ترانتون شکست داد ۱۷۸۱ پس از آزادی کشور خود قانون کشورهای متحده را از مجلس گذرانید و این قانون اساسی تا امروز هم مجراست و خود او نیز دوبار بریاست جمهوری انتخاب شد و بعد با سادگی مردم روزگاز کهن به «مونت ورنن» رفت و بکار کشاورزی پرداخت، اراده‌ای آرام و متین فعالیتی ثابت صداقت و صفای نیت اینها خصائص اساسی آزادکننده

امریکاست . ۲- Samuel L. Knapp ۳- dwight

بارلو ۱۸۰۷ را که از آن پس تقریباً بطور کامل گرد فراموشی بر آنها نشسته، نظیر بهشت ۲ گمشده «میلتن» ۳ و «اندئید» ۴ ویرژیل ۵ معرفی می کردند.

۲ - چارلز جی ۶ ینجرسل در سخنرانی خود در انجمن فلسفی فیلادلفی درباره «تأثیر امریکا در روح» ۱۸۲۳ بر عکس صاحبان عقیده

۱- Barlow

۲- lost pardisi داستان حماسی مشهور عیسوی دردوازه آواز که باشعر بی قافیه توسط میلتن ساخته شده است و موضوع آن هبوط آدم است و این کتاب یکی از ارکان شعر انگلیس است ۱۶۷۴-۱۶۶۷

۳- milton شاعر انگلیسی متولد در لندن پس از مرگ کرمول که وی منشی او بود از زندگی دولتی کناره گرفت، تهیدست و فراموش شده، نابینا، وی بزنی و دختر خود شعر جاودانی خویش (بهشت گمشده) را املاء کرد ۱۶۷۴-۱۶۰۸ میلتن در سنت چهلر مدفون است:

۴- Eneïde شعر مشهور رزمی ویرژیل دردوازه آواز و درباره موضوعی که ملی فرض شده است این شعر تقلیدی بسیار ماهرانه از ایلیاد و اودیسه همر است کمال سبک و ظرافت اشعار و نحوه بیان احساسات در این اشعار قابل ستایش است، هنری که برای انجام این آواها بکار رفته بر نقائص واقعی طرح شعر و نقاشی احساسات پرده می افکند

۵- Virgile مشهور ترین شاعر لاتین متولد در مانتو مؤلف کتاب «ووستانی» و «ژنوزریک» و «آئینه» او کتاو و مسن از او حمایت می کردند و پیش از آن که «آئید» را تمام کند در گذشت و قصد داشت که در حیات خود «آئید» را نابود کند. ذوق و روح ملامت و حساس وی حرارت و شور عالی (لوکرس) را ندارد ویرژیل بنحوی طبیعی به آنچه موزون و ظریف است دست می یابد مقلد دائم ولی بسیار ماهر یونانیان و مخصوصاً تئوکریت و همروی بواسطه عشق وادراکش نسبت بطبیعت و کمال مطلق سبک و وزن اشعارش مبتکری اصیل است

۶- Charles samuel Ingersoll

فوق معتقد بود که امریکا نه تنها نویسنده و ادیب اصیل ندارد بلکه نباید هم داشته باشد چه روح ملت نو دوستار فایده و عمل است و باید این روح در کارهایی که نفع واقعی دارد تجلی کند نه در ادبیات.

۳ - در مقابل این عقیده «رفس و گریس ولد» ۱ در مقدمه کتاب نویسندگان امریکا «۱۸۵۷ به کسانی که اصالت و ابتکار هم میهنان او را ریشخند میکنند چنان پاسخ میدهد.

« ادبیاتی منحصرأ ملی نه هیچگاه بوده است و نه میتواند باشد کلیه ملل یکدیگر و به قرون گذشته مدیونید بعضی از منتقدین از ما که به همان زبان گفتگو میکنیم و همان «بیکن» ۲ و «اسپنسر» ۳ و «شکسپیر» ۴ و «میلتن» را در آسمان ادب خود داریم انتظار دارند که از آنان (انگلیسان)

۱ - Rufus W. Griswold

bacon Roger کشیش انگلیسی ملفب به مجتهد ستوده، متولد در ایلچستر یکی از بزرگترین علمای قرون وسطی وی یکی از کسانیست که بخطا اختراع باروت توپرا باونسبت میدهند ۱۹۱۴-۱۲۱۴

۲ - Francis Bacon وزیر دادگستری در زمان جاك اول و فیلسوف مشهور انگلیسی متولد در لندن و با نگارش (ارغنون جدید) در زمره مؤسسين روش تجربی در علوم در آمد وی تحقیقات علمی را از روش قیاس، تقلید و دین جدا میکند شهرت وی بر اثر اتهام رشوه گیری که سبب سلب درجات کشوری وی توسط مجلس انگلستان گردید لکه دار شده است (۱۶۲۶-۱۵۶۱)

۳ - Spencer edmond شاعر انگلیسی متولد در لندن مؤلف

« پادشاه پریان» ۱۵۹۹-۱۵۵۲

۴ - Spencer (Herbert) فیلسوف انگلیسی متولد (در بای)

موسس فلسفه تکامل (۱۹۰۴-۱۸۲۰)

بیش از اندازه‌ای تفاوت داشته باشیم که خود آنان آن تفاوت را بایونانیان و رومیان ندارند و مسئله ما و سایر ملل آن نیست که کدامیک بهتر میتوانیم کاملاً گذشته را بدور افکنیم بلکه مسئله آنست کدامیک بهتر میتوانیم از آن بهره‌بریم.

همچنین «لانگ فلو»^۱ می‌اندیشید که ادبیات امریکا جز ادامه‌ادیات انگلستان نمیتواند باشد

۴- «ویلیام» «چانینگ» ۲ درسال ۱۸۳۰ : باهم آوازی با این عقیده «سن‌ژان کروکر» که میگوید

« امریکائی چون انسانی نواست و مطابق قواعدی نو کار میکند باید از افکاری نومایه بگیرد و عقایدی تازه ببار آورد »
چنین مینویسد

« ما این عقیده را که این کشور باید جهان‌کهنه را تقلید کند و

۱- shakespeare (William) بزرگترین شاعر تأثیری انگلستان

متولد در استرات‌فورد مولف شماره بسیاری غنما و نمایشنامه که غالباً شاهکار شناخته شده‌اند «رؤبا در نیمه شب تابستان» ، «رومئو و جولیت» «ریچارد ۳» «تاجر و مینی» «زنان و نیدمور» «ژول سزار» «هاملت» «اتللو» «ماکبث» «پادشاه لیر» «آنتوان و کلمنپاتر» و غیره ... شکسپیر توانسته است با صداقتی جالب و گیرا و حرارتی ستودنی تمام احساسات و عواطف شورانگیز را نقاشی کند بنوبت ساده دل ، ترسناک ، لطیف ، پرهیجان ، مقلد ، غمناک ، عمیق مضحك سپرده بخیالی دل‌انگیز با آزادی توانای نبوغ (۱۶۱۶-۱۵۶۴)

۲- long fellow

۳- William E channing

تکرار او باشد نمیتوانیم بپذیریم و اگر کشور ما در شرایطی بدین ویژگی، که اجازه آفریدن و ابتکار را بماندهد، به تکرار طوطی و ارعقاید بیگانگان اکتفا کند، مآثر مندمه میشود»

اگر این بحث هم به سر نوشت بحث‌های دیگر گرفتار آمده است یعنی از دایره نظر و فرض بیرون نرفته و در جریان اموری که در قرن ۲۰ «گریس ولد» و «لانگ فلو» را کاملاً اشتباه کار نشان میدهد تأثیری ناچیز داشته است تنها وجود همین بحث ثابت میکند که ادبیات امریکائی بنحوی ناگهانی و بی سابقه در عرصه وجود جلوه گر نشده و اگر «امرسن» ۱ آن افتخار را دارد که ندای حقیقی استقلال عقلی را در میدهد این نداء در دل‌های مردمی مؤثر می افتد که از پیش برای پذیرفتن آن آماده بوده اند.

۳- شعر در آغاز قرن ۱۹

در این مرحله شعرای امریکائی به قافیه سازی اکتفا میکنند «ویلیام کالن برنیانت» ۲ ۱۸۷۸ - ۱۷۹۴ تخیلی داشت خلاق ولی ضعیف و تصوراتی ابتدائی و مذهبی، از این قبیل. خداوند آفریننده اعمال نیک است، برتری عدالت، حقیقت در اخلاق، آزادی سیاسی و در ماوراء الطبیعه کلیه افراد بشر را صاحب روحی فنا ناپذیر میدانست و معتقد بود که به دیدار عزیزان در جهان دیگر نائل خواهد شد همه این تصورات باتشبیهاتی مقتبس از طبیعت که آنرا بخوبی میشناسد، بیان شده است اینگونه احساسات رایج، که طبیعت در بشر تأثیری هلایم و آرامی بخش دارد،

و افکار وی که ادراك آنها برای هر کس آسان بوده و همچنین مطابقت عقاید وی با عادات و رسوم مردم معاصر، شهرتی برای وی بدست آوردند که زود آمد و دیگر اورا ترك نکرد « بریان » بافکری بیشتر استدلالی و محاسبه گر تاعالی و با عظمت، هنرمندی دقیق و دل آگاه و روشن بین و منظم است ولی شاعری بزرگ نیست و با اینهمه مسلماً بر معاصران خود از همین نسل از قبیل « پرسیوال » ۱ و « دریک » ۲ و « هالک » ۳ و غیره، برتری دارد

۴- نخستین داستان نویسان

امروز داستان نویسی به صورت هنر عالی امریکائیان جلوه گری میکند و بعبارت دیگر رشته تخصصی واقعی ایشان است ولی باید گفت که داستان نویسی در امریکا در قرن اخیر آغاز شده است آثار «فیلدینگ» ۴ «ریچاردسن» ۵ «استرن» ۶ «اسمولت» ۷ را مستعمره نشینان میخواندند ولی درنهایی، چه بازرسان دینی این آثار را «گستاخ و شهوی و هرزه و مخرب

Drake - ۲

Percival - ۱

Halleck - ۳

Fielding - ۴ داستان نویس انگلیسی متولد در گلاستن بری

۱۷۰۷-۱۷۵۴

Richardson - ۵ موسس داستان نویسی جدید انگلیس مولف

«گرانیش» و غیره ۱۷۶۱-۱۸۶۹

Sterne - ۶ نویسنده انگلیسی تولد در کلومل مولف کتاب «سفر

احساساتی وی نویسنده ای صاحب نظر و شوخ و ملایم است (۱۷۶۸-۱۷۱۳)

Smolett - ۷ داستان نویس اسکاتلندی مولف کتاب «سرگذشت

و دریک» ۱۷۷۱-۱۷۲۱

اخلاق» می‌پنداشتند «ج ادواردز» ۱ پس از انقلاب تقریباً مانند روسیه جدید، میهن پرستان معتقد شدند که داستان‌های انگلیسی با نقاشی اخلاق فاسد دنیای قدیم دل‌جووانان جمهور یخواه را گمراه میکند از همین روی نخستین داستان نویسان دودلیل را دستاویز خود نمایی خویش کردند یکی آنکه حوادث داستان‌های آنان فایده اخلاقی دارد و دیگر آنکه امریکا عرصه وقوع این حوادث است.

به استثناء تزیینات و صحنه‌ها، این نویسندگان از انگلستان و مخصوصاً «ریچاردسن» تقلید میکنند.

هنوز «چالزبر کدن» ۲ بر او «۱۸۱۵-۱۷۷۱ افکار اصلاحی اجتماعی خود را از یک انگلیسی از «گدوین» ۳ اقتباس میکند و این افکار را در روایاتی مملو از شور و شعف و وقایع غیر محتمل، و آکنده به حوادث ترسناک بیان میکند کتاب‌های («ویلاند» ۴، ۱۷۹۸)، «ارموند» ۵، ۱۷۹۹، کتاب «ویلاند» که بیش از یک قرن بر «درایزر» ۶ و «فلکنر» ۷ سبقت گرفته نخستین داستان امریکائی است که در آن روح يك تبه کار تحت مطالعه و تحقیق درآمده است ولی از واقع بینی در اینجا اثری نیست اینگونه تبه کاران جز در تخیل اذهان آشفته وجود ندارند.

۱- J Edwards

۲- Charles Broc Kden Brown

۳- Godwin ادیب انگلیسی متولد در (واسیبیچ) ۱۸۳۶-۱۷۵۶

۵- ormond

۴- wieland

۷- Faulkner

۶- dreiser

همچنین قدرت تخیل صفت ممتاز «جیمس فنی مور کوپر» ۱۸۵۱
 ۱۷۸۹ بشمار می رود در عصر خود، وی امتیازی دیگر نیز داشت و آن
 ابتکار و اصالت رای بود وی از هیچکس تقلید نمی کرد میگویند که نخستین
 داستان وی «احتیاط» ۱۸۲۰ نتیجه یک شرط بندی بود در هر حال اگر
 شماره کتابهایی را مآخذ قضاوت قرار دهیم که وی بنحوی خستگی ناپذیر
 در طی بیست سال با سرعتی روزافزون باید بنویسد می توانیم گفت که ذوق
 وی در همین ابتکار بوده است، چون از نخستین کتاب خود که از نظر
 حوادث و صحنه سازی و آداب و رسوم آنرا زیاد انگلیسی میدانست شرمنده
 بود سوگند خورد کتابی بنویسد که «کاملاً امریکائی باشد و عشق همین
 موضوع آن باشد» پس از این سوگند بزودی بکار آغاز کرد و سال بعد
 «جاسوس» را که ماجرائی از جنگ استقلال است چاپ کرد و بعد در
 ۱۸۲۳ نخستین کتاب وی درباره مرز بنام «پیشروان» و در ۱۸۲۴ نخستین
 داستان دریائی وی بنام «دریانورد» منتشر شد باین دو موضوع یعنی جنگ
 بین سفیدپوستان و هندیان و ماجراهای دریائی به آسانی میتوان آثار وی
 را به دو دسته مشخص تقسیم کرد آخرین موهی ۲ کلان «چمن» و «پی
 جویان» به دسته اول تعلق دارند و «راهزن سرخ پوست» (در بین سالهای
 ۱۸۳۱ و ۱۸۳۳ وی برای اثبات برتری حکومت عامه بر حکومت اشرافی
 سه کتاب سیاسی نوشته بود که هر سه با شکست مواجه شده بود و دیگر
 در این زمینه اصرار نکرد و در موضوع مورد علاقه خود از نو شروع بنوشتن
 کرد (به دسته دوم).

آرزوی «کوپر» آن بود که با «والتر اسکات» که در سراسر جهان بلندآوازه بود از در رقابت درآید و اگر مقیاس را شهرت خود کوپر قرار دهیم وی کاملاً به آرزوی خود رسیده است و واقعاً نیز وی میتواند بخوبی و ماهرانه رشته حادثه‌ای را بدست گیرد و شرائط وقوع آن حادثه را بیافریند و منظره‌ای را زنده و جاندار جلوه دهد (حتی؟ چمنی را که ندیده است) و داستان‌های کشف و تعقیب وی وقتی که خواننده بدانها می‌رسد، بسیار گرم و دلچسب است ولی چه بحث‌های بیهوده و خستگی آور و چه طول کلامی،! باید اعتراف کرد که امروز تنها کودکانند که داستان‌های کوپر را می‌خوانند و کوپر برای آنان می‌نوشت و هنوز مسلم نیست که باتشویق کودکان به خواندن این داستانها خدمتی به آنان شده باشد باستثنای جنگل کوپر آنچه را که با آن وفور و کثرت وصف میکرد، بخوبی نمی‌شناخت. هندیان پرهیزکار وی که در نیل به هدفهای عالی و مشروع مهارتی موفقیت-آمیز دارند و هم‌چنین پیشروان وی که سادگی آنان باید سرمشق باشد، صرفاً زاده تخیل اند و فرضیه‌های موروئی وی از رویای قرن ۱۸ در باره حالت طبیعی و آزادی کامل و وارستگی زندگی مردم مرزنشین، بیش از ابداعاتی نیست و از آن گذشته داستان‌های وی آبی‌ش از يك سلسله آدم‌کشی و کشتار نیست که این کارها همگی بنحوی اسفناك موجه و لازم شناخته شده‌اند چه بالاخره، نیکان در این داستانها بیش از بدان آدم میکشند.

ولی تاثیر وی عظیم بود نوع داستان، موفقیتی چنان بزرگ بدست

آورد که تقریباً در حدود ۵۰ سال وی و مقلدان وی مطمئن بودند که با تقلید از یکدیگر از این راه ثروتی بدست می آورند ، صحنه ها و نام ها را عوض میکردند ولی پیشروان دلیر یکی بود ، و مردم نیز از خواندن آنها خسته نمیشدند .

از این روی « ست جانز » ۱ یا « زندانی مرز » ۱۸۶۰ تألیف (اس ایس) ۲ از حدنصاب ۶ هزار نسخه متجاوز میکند « اوایکن » ۳ میتواند هفته ای یک داستان چاپ کند و « اینگرام پرنسیس » ۴ : بیش از هفتصد داستان « جان استن کوک » ۵ با وفاترین مقلد کوپر نخستین کسی بود که با (جان برنت) ۶ (۱۸۶۲) داستانی شایسته این نام ، درباره « باختر دور » نوشت و « تئودور ونثرب » ۷ نخستین کسی بود که در کتاب « ویرژینی ، تاریخی از ملت » و « بازیگران ویرژینی » ۱۸۵۴ به جنوب قهرمان پیش از جنگ انفصال جنبه خیالی داد و جنوب قهرمان ، موضوع داستانهای پر خریدار گردید آیا این امر یکی از علل شهرت و موفقیت کتاب « بر باد رفته مارکارت میچل ۸ نبود ؟ ولی حالا که اینرا گفتیم با وجود ارزش آنها از نظر کتابفروش این آثار ارزش ادبی ندارند ، کوپر لااقل قدرت ابداع و اختراع داشت ولی دیگران هیچ ، و بالنتیجه « فرانک نوریس » ۹ بحق متأسف است که حماسه

-
- | | |
|----------------------|---------------------|
| ۲- E. S. Ellis | ۱- seth johnes |
| ۴- ingran Prentiss | ۳- A. W. Aiken |
| ۶- john Brent | ۵- john esten cooke |
| ۸- Margaret mitchell | ۷- Theodor winthrop |
| | ۹- Frank norris |

باختری هنوز «همر» ۱۰ خود را نیافته است .

۵ - ، گوشه گیر . ادگار ارن ۲ پوئه ۱۸۴۹-۱۸۰۹

در کشور «بودلر» و «پول والری» ۳ شهرت پوئه نیازی به اثبات ندارد چه این یکی اورا روستترین فرضیه دان هنر نوشتن میدانست و آن دیگری اورا سرمشق خود قرارداد ، ولی پوئه چنین دلباختگانی در میان مردم معاصر خود نیافت ، در عصر وی ، یعنی عصر «لانگ فلو» اشعار و فرضیه های وی چنان ابتکاری و اصیل بود که نمیتوانست عامه مردم و یا استادان ادب را شیفته خود کند و چون هیچ از امریکا سخنی نمیگفت ، نمیتوانست پسند نظر میهن پرستان شود کمی بعد ادبیات امریکا در جهت مکتب واقع بینی و طبیعت پردازی پیشرفت خود را آغاز کرد و چنانکه خواهیم دید عقاید هنری پوئه از پیش ابن نهضت ها را به فنا محکوم میکند از آن گذشته وی هیچ در بند اجتماع نیست و پیام وی صرفاً هنری است در آثار وی نه تنها از اخلاق چیزی یافته نمیشود بلکه وی اخلاق را به بیگانگی و حتی به مخالف بودن با هنر محکوم میکند و حال آنکه در آن عهد ، امریکاییان که چندان

۱ - Homère شاعر یونانی مولف «ایلیاد» و «ادریسه» هفت

شهر یونان در باره اینسکه کدامیک زادگاه هم بوده اند اختلاف دارند افسانه ها و را پیر و نابینا معرفی میکنند که از شهری به شهر دیگر می رود و اشعار خود را میخواند بر اثر بحث هایی که بمیان آمده ناچار شده اند که منکر وجود هم شوند یا لااقل تصدیق کنند که شاعر ایلیاد و اودیسه مختلفست

۲ - Edgar-allen poe

۳ - Paul valéry شاعر فرانسوی متولد درست مولف «گورستان

دریائی» (متنوعات) تألیف دی از نظرفنی و سبک کنایه ممتاز است ۱۹۴۵
- ۱۸۷۱ عضو فرهنگستان فرانسه

به فرضیه هنر برای هنر توجهی نداشتند دربارهٔ يك نویسنده تنها از نظر ارزش پیام اخلاقی او داوری میکردند.

منتقد - قسمت عمده انتقادات وی جنبه مقاله نویسی و تصادفی دارد ولی از میان آنها میتوان فرضیه‌ای ثابت و منظم بدست آورد. اندیشه ابتدائی هنرمند باید نه نمایش موضوعی باشد و نه توضیح و شرح عقیده‌ای بلکه ایجاد يك اثر مجموعی، و از این جالزوم تألیفات كوچك بر میخزد، يك شعر طویل «تناقضی بنفسه» است و نویسنده داستان و حکایت كوچك را برتری خواهد داد داستان یا شعر کامل برای این اثر مجموعی و کلی و مطابق با آن ساخته خواهد شد این اثر مجموعی باید با کمال خونسردی «از پیش ادراك شده» باشد و حوادث یا اشعار موزون پس از ادراك این اثر برای اثبات و تحقق آن، اختراع شود.

خلاصه، انشاء ادبی ساختمانی است نظیر ساختمان معماری آهنگ های استاد موسیقی، پوئه شعر را «ایجاد موزون زیبایی» تعریف میکند و هنرمند برای رسیدن بدین هدف باید روشنی ذهن و آزادی اداره را از دست ندهد «شعر و سوز و گذار» با هم سازگار نیستند شور شعف و الری در اینجا فهمیده میشود! حقیقت فرع است و مزاح «با آنچه روح شعر است مغایرت مطلق» دارد بیان امریکائیان جدید نیز در اینجا فهمیده میشود یکی از بزرگان انتقاد امریکا «لودیگ لیوسن» ۱ این فرضیه ها را «یاوه» می‌شمرد و میگوید که پوئه عدم امکانات خود را قانون هنر قرار داده است

ولی باید استقلال دلیرانه فکری را که این فرضیه‌ها را در حدود بیست سال پیش ادراک کرده، یادآور شویم و اگر این فرضیه‌ها برای يك فرانسوی قرن بیستم چندان تازه بنظر نیاید دلیل آنست که ادبیات کشور فرانسه از آثار شاگردان مستقیم پوئه یعنی بودلر و «مال آرمه» ۱ متأثر شده است

شاعر - از قضاوت بودلر در باره پوئه این جمله‌ها را نگه میداریم «ادیب عالی قدر بمعنی وسیع و دقیق کلمه» و «صاحب سبکی اصیل و کاملاً صحیح» ولی عبارات «بنوغ بزرگ» و عمیق مانند آسمان و دوزخ و «فلسفه عالی» را بحساب، شیفتگی بودلر بکشف شخصی خود و حمایت از شر يك بدبختی و تنهایی می‌گذاریم در واقع موسیقی و هم آهنگی اوزان و وزانی پوئه غالباً میان تهی است و این موضوع را آن جوانانی در یافته‌اند که با حرص و ولع به خواندن «کلاع» یا «آنا بل لی» ۲ پرداخته و به اعتماد عقیده استادان بزرگ امیدوار بوده‌اند در این آثار اعماقی آشوبگر و الهام بخش بیابند

ولی چون برای ادراک تاثیر يك موسیقی انگلیسی کاملاً آماده نبوده‌اند، از خواندن خود جز احساس، اغفال یا این احساس دردانگیز که مطلب را بخوبی نفهمیده‌اند، به‌مراه نیاورده‌اند و حال آنکه بسادگی باید گفت مطلب فهمیدن در این خواندن هیچ نبوده است از آنجا که پوئه

۱- Mallarmé شاعر فرانسوی متولد در پاریس ۱۸۹۸ - ۱۸۴۲

دی با «پول ورلن» موسس سبک کنایه است کتاب «بعد از ظهر حیوان»

۲- Annabl lee

از اوست.

درست فرضیه خود را بکار میبرد اگر محدودیت موضوع را براو خرده گیرند چنانکه بسیاری از منتقدین انگلیس کرده اند مانند آنست که بر «پیسارو»^۱ خرده گیرند که چرا جز منظره نقاشی نکرده است و اگر موضوع غالباً متداول آثار پوئه، مرگ است، و مخصوصاً مرگ جوانان زیبا برای پیروی از فرضیه غم خود پوئه، اینکار را کرده است وی در کتاب «فلسفه انشاء» این فرضیه را چنین باز مینماید

«از موضوعات غم انگیز، کدامیک مطابق عقیده عمومی بشریت غم انگیز تر است؟ مرگ جواب مسلم بدین پرسش است، و چه وقت گفتم که این غم انگیز ترین موضوع شاعرانه ترین موضوع هاست؟ وقتی باز یبائی توأم باشد پس مرگ يك زن زیبا مسلماً شاعرانه ترین موضوعی است که در جهان یافته میشود»

در منطق قوی این استدلال و قیاس، نکته ای است که بنحوی بچگانه به لجاحت آمیخته است و علت آنهم اینست که پوئه خود بیمار و ناتوان و گوشه گیر بود مانند يك فراری، به تنهایی میاندیشید ولی برای قضاوت درباره ارزش وی، نمیتوان براو سخت گرفت که چرا چیزی را که هرگز آرزوی انجام آنرا نداشته، انجام نداده است.

آرزوی وی آفریدن زیبایی بود و در دوازده شعر که آهنگی بی نظیر دارد بدین آرزوی خود کاملاً دست یافته است در این اشعار وی چون استادی هنرمند جلو می کند (کلاغ، انابل لی، کاخ پریان، زنگها و غیره ...)

۱- Pissaro منظره نکار فرانسوی متولد در جریره سن توماس

با تجزیه و تحلیل جاذبه عجیب و توانای این اشعار به وجود، موازنه و ترجیعات و تکرار و التزام حروف و تقلید اصوات و بیکنوع رمز مبهم پی میبریم (آنچه خود او نامعین مینامد) ولی بنظر نمیرسد که تنها بکار بردن این عناصر برای ساختن زیبایی دستوری لازم و حتمی باشد چه از میان مقلدان پوئه یک نفر توفیق یافته است، یعنی بودلر، از آن گذشته اگر خود وی در عصر لانگفلو و هوگو ۱ و تنیسن ۲ بدین کمی شعر سرود علت آن است که مانند همه هنرمندان حسود به هنر خود، وی مشکل پسند بود و پیوسته اشعارش را اصلاح میکرد تنها از قطعه (کلاغ) بیش از دوازده نسخه اصلاح شده هست

داستانسرا - پوئه بر اثر نگارش داستان و افسانه های خیالی موفقیت و نفوذی بزرگ در کشور خود بدست آورد وی در آنجا قهرمان داستان های کوچک بود و نخستین کسی است که قواعد این گونه داستانها را تدوین کرده وی آنچه را به حوائج مردم امریکای معاصر وی جواب می

۱- Hugo - مشهورترین شاعر قرن ۱۹ فرانسه متولد در بزانشن ۱۸۸۵-۱۸۰۲ وی کودک خود را در اسپانیا و ایتالیا و بعداً در پاریس گذرانید و در سال ۱۸۲۲ کتاب «قصائد» در سال ۱۸۲۷ کتاب «کرمول» و در سال ۱۸۲۸ کتاب «شرقی ها» را چاپ کرد نمایش (هرنانی) ۱۸۳۰ مایه شهرت وی گردید اشعار وی بزودی او را بر اثر عظمت تشبیهات و استواری قافیه و وسعت احساسات در راس شعرای غنائی قرار داد آثار مشهور وی عبارتند از «آواز باطن»، «کینوها»، «مراقبه»، «افسانه های قرن»، «بینوایان»، «کارگران دریا»

تشیع جنازه وی بسیار باشکوه بود و در پانتئون بخاک سپرده شد

۲- Tennyson شاعر انگلیسی متولد در سامر بای ۱۸۹۲-۱۸۰۹ مولف، «درغزلهایی برای شاه»، شاعر ملی، سبک وی از نظر هم آهنگی وزن و صورت ممتاز است.

داده بخوبی دریافته است لزوم «مختصر، فشرده، وروش روزنامه نویسی بجای مباحثه واستدلال» از آن گذشته وی مبتکر نوع داستان های «پلیسی» است که ذوق استدلال منطقی و قیاس های ضروری وی وهم چنین فرضیه های وی درباره روابط ایجاد اثر مجموعی و حوادثی که باید بسختی تابع این اثر باشد، اورا به این نوع داستان رهبری میکرده است بدیهی است که وی از عهده ساختن يك واقعه بخوبی برمی آید و میتواند ماه-رانه به حادثه های رنگهای تند وشدید بزند مخصوصا در رنگهای تیره و ترسناك سیاه آمیخته به سرخی خون، بخوبی توفیق می یابد ولی در این زمینه وی شاگردانی بسیار عالی داشته است که توانسته اند به وقایع تنوعی بیشتر بدهند و مکان و وضع را محتمل تر و اشخاص داستان را با وضع روحی حقیقی تر نشان دهند و از حزن و نوای مرك اثر کلی داستان اندکی بکاهند پوئه افزار فرسوده وحشت را که بیش از همه رایج است بما نشان میدهد یعنی شب تاریك، رنگ پریده مرده، مردگانی که بجهان باز میگرددند و آوازه های ترسناك، طوفان وغیره با بیانی که تقلیدی مسخره آمیز از سبك غنائی است آقای «لیالومینه» بخوبی نشان داده است که ترجمه بودلر غالباً، غنی تر و هنری تر و مجازی تر و یا غالباً شدیدتر و پرمعنی تر از اصل است که تقریباً به سبکی معمولی نوشته شده.

۶ - مکتب برتری فرد

پوئه، هیچ چیزی که نماینده کلی مردم امریکا باشد نداشت وی را چنین پنداشته اند که در مه های رودخانه تایمز به پرورش نبوغ خود پرداخته و شاید هم هرگز روزی را ندیده بود که ادبیات کشورش بر اثر تأثیر افکاروی تغییر کند، شاید تنها شعر فرانسه تغییر جهت داده باشد

وی معاصر خود، رالف والدو امر (۱) سن (۱۸۸۲-۱۸۰۳) را کاملاً برعکس خود دیده است، چه اهمیت وی در توسعه ادبیات امریکا نظیر اهمیت «پلیاد ۲» در فرانسه و یا مقدمه «اشعار غنائی ۳» در انگلستان است. از امرسن، مقالاتی فلسفی و یک روزنامه و شعر و نطق‌هایی بجای مانده است در اروپا رساله‌وی را درباره «خصائص انگلستان» تا امروز هم می‌شناسند، با آنکه این تالیف منشور، از نظر انشاء ادبی، کاملاً منظم و مرتب است فکر نویسنده صفات امریکائی را کمتر نشان میدهد این تالیف را فقط از آنرو برگزیده بودند که در آن از انگلستان سخن می‌رود و اینهم یکنوع نحوه آشنائی با ادبیات امریکا بود. از آن گذشته از ۱۸۵۶ به بعد باز اندازه‌ای تغییرات اقتصادی و سیاسی در جهان و کشورهای منضمه روی داده است که غالب قضاوت‌های امرسن فقط از نظر تاریخ دارای ارزش

۱ - Ralph Waldo Emerson

۲ - Lyrical Ballade تألیف شاعر انگلیسی - Samuel

taylor collridge یکی از پیشروان بایرن و سبک غنائی مشهور بود

که وی ظرفترین سخنگوی زمان خود بوده است ۱۸۳۴-۱۷۷۲

۳ - Iliade، شعر هم در ۲۴ آواز و شاهکار شعر رزمی این شعر

شرح مبارزه یونانیان پس از بازگشت آشیل بخیمه خود است مرک باتر کل

که بدست هکتور کشته میشود بیداری آشیل که اسلحه اش را از جسد دوست

باتر کل برداشته اند، تودیع هکتور و اندرماک، برخورد هکتور و آشیل

که بر آخرین حامی تروآ پیروز میشود و جسد او را در پیرامون تروآ

میگرداند و سرانجام به پیام پیر پدر هکتور میدهد که آن را با جلال و

شکوه بخاک سپرد اینها وقایع اساسی این اشعار است که قدرت بیان و قدرت

احساسات و بیانات شدید قهرمانان ستودنی است.

۳ - مجمع هفت شاعر فرانسوی

میشوند و توضیحات و استدلال وی که جنبه پیشگویی دارد، خنده آور است.

رساله‌وی درباره طبیعت (۱۸۲۸) و دو جلد کتاب «مقالات» ۱۸۴۴
 ۱۸۴۱ بنحو غیر قابل مقایسه از کتاب فوق، مهم‌ترند در این رسائل،
 فرضیه‌های مشهوری درباره، فرد، اعتماد بنفس، پاداش، روح، بیان
 شده و نطق‌وی دردانشگاه کامبریج در ۱۸۳۷ که بحق تحت عنوان (ندائی
 به دانشجویان امریکا) معروف شده است از نظر اهمیت در زمره این
 رسائل بشمارمی آید این نطق که شایسته عنوان (اعلامیه استقلال عقلی
 امریکا) شناخته شده بمنزله یکی از عالی‌ترین آهنگ‌های شیپور در هر
 عصر و در هر کشور است که افکار يك ملت را به شورش و بیداری و بکار
 انداختن قوای فردی فرا میخواند از آنجا که این ندا تأثیری شگرف در
 نویسندگان نسل بعد امریکا داشته است باید در تاریخ ادبیات مکانی رفیع
 برای آن برگزید، ولی این ندا از کار کلی امرسن جدا نیست و در آنجا فقط
 باطرحی عملی، تولید عقلی را جانشین فرضیه‌های فلسفی اومیکند.

متفکر - از آنجا که فلسفه امرسن فلسفه اصالت تصور است،
 استخراج نتایج عملی و قابل انطباق با وقایع خارجی، از این فلسفه کاری
 است اساسا امریکائی تا این تاریخ آرزوی ایجاد ادبیاتی تازه و ویژه امریکا
 مبهم بود و مخصوصا از نوعی میهن پرستی افراطی یا تحقیر خود سرانه
 جهان قدیم سرچشمه میگرفت و تمایل ناپسندیده، به ستایش کور کورانه
 مصنوعات و حوادث امریکا نقشی عمده را به عهد داشت هنر امرسن آنست
 که این آرزو و تمایل را بر پایه عقل و استدلال قرارداد.

وی به برتری عقل توانا اعتقاد دارد (ما همیشه فکر خود را ادراک

میکنیم)، که روح هر يك پاره‌ای از روح کلی است که جهان خارجی، تجلی نشانه، یا کتاب خواندنی، آنست (وحی - یا الهام - روح)

در این فرضیه عقیده‌ای تازه و ابتکاری دیده نمیشود و امر سن به حل مسائل ازلی فلسفه از فکر خود مددی نمیکند. قدرت و نیروی وی کاملاً در آن شجاعت عقلی است که در مقابل نتایج عملی فرضیه‌های خود از خویش نشان میدهد هنگامیکه میگوید:

« من - این جهانی که من نامیده میشود - قالبی است که جهان مانند موم در آن ریخته میشود »

چنین نتیجه میگیرد که هر من، هر بشر، از نظر فلسفه ماوراء الطبیعه مدرکی است آفریننده، نه يك بازیگر سیاسی و اخلاقی و از همین جا فلسفه اصالت فرد کلیه عقاید وی ناشی می‌شود این فلسفه جنبه انقلابی دارد.

رساله وی درباره «طبیعت» نیز «اعلامیه استقلال دینی و اخلاقی امریکا» نامیده شده است کاملاً آمیخته به مسلك پوریتن پدران وی، از این مسلك جدا نمی‌شود مگر برای آنکه فرضیه پرستان هارا به آخرین نتیجه منطقی خود برساند که دین امری است مربوط به آزمایش فردی و باطنی از این روی، آداب و رسوم دینی پایه‌ای ندارد و نخستین جلوه عملی شرف و تقوی امر سن آنست که چون دین فردی و باطنی را ترویج میکرد، کلیسا را ترك گفت.

نتیجه دوم: حالا که هر فرد با تماس مستقیم یا باطنی با روح کلی، خلاق جهان است، اقتدار و تفوق فردی بر فرد دیگر غاصبانه است امر سن در صف هواداران مخالف بردگی جامیگیرد.

پیام ادبی وی - بالاخره در ادبیات مرجعیت و سنن و رسوم شرعی دلیلی که موید وجود آنها باشد همراه ندارند ، فرد باید با انتخاب صور و کلماتی که فقط بنظر او مناسب آید : بدون اطاعت از بندوقیدی جز الهام خود آنچه می پسندد بنویسد در اینجا باید توجه کرد ، امر سن مانند موسسین مکتب ادبی ، قواعد نورا جانشین قواعد کهن نمیکند و يك نحوه چیز نویسی را بر نحوه دیگر برتری نمیدهد وی استقلال و اصالت مطلق فرد را اعلام میدارد و از همین جاست که پیام خارج از زمان وی رنگ کهنگی بخود نمیگیرد و برای هر نسلی تمام نیروی خود را نگه میدارد و در هر روز آنرا میتوان گفت چه بنظر امر سن تنها مهم آن نیست که فرد خود را از بند گذشته تاریخی برهاند بلکه رهاندن از گذشته فردی نیز اهمیت دارد .

« يك روح بزرگ با ارتباط و بستگی کاری ندارد هر چه امروز می اندیشی با کلماتی سخت بگو و فردا نیز اندیشه خود را بگو آنرا هم با کلماتی سخت اگر چه ، با گفتار امروز متناقض باشد آری در این صورت کسی مقصود شما را نمی فهمد ، بزرگ بودن هم آنست که مقصود شما را دیگران هیچ در نیابند . »

« تقلید انتحار است »

« کسی که میخواهد انسان باشد باید قید مطابقت و اطاعت را از گردن بردارد »

و این جواب را به « برویر (۱) » میدهد

۱ - La Bruyère عالم اخلاق فرانسوی متولد پاریس وی در آغاز بعنوان مربی و بعد بعنوان منشی مدتی از زندگی خود در خدمت نوه کنده بزرگ بسر آورد کتاب « اخلاق » خود را بر ترجمه تئوفر است افزود در سال ۱۶۹۳ بعضویت فرهنگستان درآمد در امثال و تصاویر کتاب اخلاقش وی صفات و اخلاق معاصران را وصف کرده است (۱۶۹۶-۱۶۴۵)

« بهتر آنست که بگوئید هر ادبیاتی هنوز بکمال نرسیده است ،
 بشر تازه به اولین سرودهای خود رسیده ، جهان تازه و نو است و آنرا
 کهنه و گذشته مپندار امروز جهان چون دختری نو خواسته است »
 و مخصوصاً این عباراتی که خطاب بدان دانشجویان امریکائی است
 « هر عصری باید کتابهای خود را بنویسد یا بعبارت بهتر هر نسلی برای
 نسل دیگر کتب دوره گذشته بکار این دوره نمی آید ، چه راهنما ، خود
 سر و مستبد است ، من جز آنچه دیده ام و بر من گذشته است نمی شناسم ،
 عقل در نهاد شما خفته است و شما باید همه را بشناسید و به هر کاری دست یا
 زید ، بیش از اندازه به الهه های صیقلی شده اروپا گوش فراداده ایم »

پیدا است که این عبارات در اذهان جویای اظهار عقاید و احساسات شخصی
 چه تاثیری میتواند داشته باشد و از همین جا اهمیت امر سن در تاریخ ادبیات
 امریکا آشکار میشود ، هموست که واقعا اصول و قواعد ادبیات امریکا را
 پدید آورده اصولی که نه تنها نویسندگان این کشور را در کوشش خود
 برای رهایی از نفوذهای بیگانه رهایی داده بلکه نفرت و بیزاری آنانرا
 از هر دسته و جمعیتی بیان میکند و بهمین دلیل هم در این تاریخ مکتبی
 ادبی یافته نمیشود و دسته بندی نویسندگان دشوار است .

نویسنده - آنچه بجامانده تعیین ارزش امر سن از نظر نویسندگی
 است سبک انشاء امر سن ، بعلت تحقیر نویسنده به مکتب ادبی و ارتباط و
 دلبستگی مضطرب است ، اگر وی در فلسفه ماورالطیبه خود معتقد است
 که جهان رشته ای پیوسته و چون زنجیر بیکدیگر مربوط است (اتفاق
 و هرج و مرج در جهان نیست هر چه هست منظومه طبیعی یا فلسفی و درجه
 بندی است) دیدیم که بنام آزادی کامل حتی وفاداری منطقی به عقاید

خود را نیز ناپسندیده میدانند و چون واقعا نخستین شاگرد مکتب خود است، افکارش ناپیوسته است عبارات و جملات و فصل‌های کتابش بدنبال یکدیگر می‌آید ولی بهم پیوسته نیست وی داستان‌هایی اخلاقی مینویسد که بنحوی ماهرانه باوقایع صدق میکند ولی غالباً متناقض یکدیگرند از آثار هیچ نویسنده‌ای بهتر از آثار او نمیتوان قطعات منتخبه، بدست آورد، چه این قطعات سبب میشود که خواننده به عدم تناسب و تناقض آنها پی نبرد نوشته‌های وی بمثابه گوهرهایی است درخشان و گرانبها ولی بیشتر نظیر گردن بندهایی است که در آن مروارید و الماس به تعداد مختلف بهم می‌پیوندند نه آن گردن‌بندی که اگر الماسی کوچک از آن بیفتد هم آهنگی مجموع را برهم زند هنراین نویسنده آنست که جملات کوتاه را با قدرتی نظیر قدرت سبک مدرسی (Classique) اداء میکند و متابعت از قواعد دستور و لغات و بکار بردن کلمات کهنه و نادر بیشتر نوشته‌هایش را به این سبک نزدیک میکند و این هم قاعده و زبان دوره جملات پیوسته و بزرگ است که او آنرا در جملات مجزا و بریده بکار می‌برد، پیرو فرضیه «رمانتیک» در مورد الهام روش انشاء وی آنست که از صفحه خاطر افکاری را که مناسب با تالیفش باشد برمیکزند و آنها را در این تالیف کنار یکدیگر میگذارد، کوششی که برای بهم پیوستن این افکار بر گزیده بکار می‌رود خسته‌کننده است ولی چون هر فکر به تنهایی داستانی اخلاقی است غالب جملات وی از نظر صحت و قدرت بیان ماهرانه است.

شاعر - همین خصائص، صراحت و زیبایی، همین فکر گستاخ و سختگیر، ولی فشرده‌تر، و بدون تکرار و ترجیع، و برعکس با قدرتی بیشتر در انشاء و معنایی بیشتر، و آن متمم نیروئی که وزن و بحر

میدهد ، در اشعار وی یافته میشود که در زمره روان ترین بر معنی ترین ،
و خواندنی ترین و هم چنین «مدرسی» ترین ، اشعار ادبیات امریکا قرار
گرفته است تمام اشعار وی چنان می نماید که از «هراس ۱» الهام یافته است
بالطف لاتن و تقطیع آنها .

اگر وی جوانان را به بی اعتنائی به آثار قدما و امیدوارد خود او کاملاً
به این آثار آشنائی دارد و از نفوذ آنها لذت می برد وی به هم میهنان خود
اندرز میداد که «به الهای صیقلی شده اروپا بیش از اندازه گوش فرا
داده اند» ولی سبکی که کمتر از سبک او امریکائی و بیشتر صیقلی شده باشد
نمی توان یافت وی نخستین کسی بود که از رواج يك «تقدینه لفظی» در
ادبیات غمگین بود و بعنوان پیشرو حقیقی قرن بیستم توانست بنویسد
«چه اندازه اسفناك است که نمیتوان در يك مجمع دوستانه بیکدیگر دشنام
داد ! این کلمات مذموم ، یگانه کلمات پسندیده است ، این دشنام های
هرزه و ممنوع و این شوخی های میکده گرمی و نمك دارند ...»

ولی هیچکس بیش از او مؤدب و خوش بوش نبود و هیچگاه وی به
«گستاخی» که ترویج میکرد تن در نمیداد و همیشه مانند آن قسمت از
اجتماع محترم ماند که وی برای «کسیکه بخواهد در تماس با عضلات و
استخوان های جامعه خود را شاد و خرم کند ،» اجتناب از آنرا تجویز
میکرد .



بیشتر امریکائی از لحاظ نزدیکی به افکار عمومی و در نتیجه آثارش
از آثار امرسن خواننده دارتر ، رفیق و شاگرد و مقلد امرسن ، «داوید
هنری ۲ تورو» است (۱۸۶۲-۱۸۱۷) که آنرا امرسن کوچک نامیده اند

در حالیکه یکی میکوشید اصالت فرد را در فلسفه و عقل بوجود آورد ، دیگری باتلاش فوق بشری میخواست در عرصه سیاست نیز این فلسفه را ، راه دهد ، امر سن در جایگاهی مستحکم قرار دارد که در آن اندیشه بنحوی مستحکم میتواند قواعدی بسازد ولی با «تورو» اندیشه در مرداب های وهم و پندار می افتد در همین مرداب هاست که فکر و شعور عامه میتواند اندیشه را پیروی کند عقایدی درباره «شورش مدنی» و زندگی ساده، که یاد گاری از ساده دلی قرن ۱۸ است احساسات موروثی استقلال طلبی هر امریکائی حقیقی را به جنبش و هیجان در می آورد ، زیبایی سبک روان وی، آکنده به کلمات حکیمانه معقول و بموقع، مقتبس از افکار استادوی، وهم و پندار را قوت میدهد با اینهمه تورو خود برای کتاب فروشان مالیات ده مبتکر و فیلسوفی است .

شجاع تر و صدیق تر و شریف تر از وی نمیتوان تصور کرد با ایمانی راسخ ازدادن مالیات سربیند و بزندان رفت ، دفاع محکوم بمرگی را بعهده گرفت که عالم اعماد اقوانین کشورش را در مورد بردگی نقض کرده بود با اعتقاد به اینکه زندگی عاقلانه تر یعنی خوشبخت تر ، ساده تر از همه است و انسان متمدن در راه معاش لذات زندگی را تباه میکند و برای آسایش روح و آرامش و امنیت ، مالیات میدهد ، معامله ای که در خور ابلهان است ، حسن نیت را تا آنجا رسانید که بجای آنکه به گردآوری اثاث خانه و ماشین و دمو دست نگاه پردازد ، چنانکه معمولاً اشخاص پس از انتشار چنین نصایح عاقلانه میکنند ، در کنار استخری رفت و دو سال در کلبه ای که خود با قطع اشجار جنگل مجاور ساخت ، بسربرد و از شکار و حاصل کشاورزی خود گذران کرد و همین ماجرا است که در کتاب «والدن

یا زندگی در جنگل « ۱۸۵۴ نقل کرده است این کتاب مایه شهرت او گردیده هدف تجربه وی آنست که انسان بی منت دولت و محاکم و بازار و پست و پاسبان و حتی بدون وسائل و مخصوصا بدون پول که غالبا فقدان آنرا ایراد میکردند، میتواند آنچه دوست دارد فراهم آورد ولی در آغاز چه مخارجی لازم دارد! ازین روست که کتاب « والدن » برای اثبات اینکه این آزادی، تجملی برای توانگران نیست پراز محاسبه و تخمین است .

بعالت تشابه وضع دو قهرمان، این کتاب را با کتاب « روبنسن (۱) کروزوئه » مقایسه کرده اند ولی با این مقایسه فقط میتوان فاصله نابغه را با خیال با فاندازه گرفت « دوفوه (۲) » در جزیره ای لم یزرع زندگی نکرده بود و با این حال داستانش زنده و جاندار است و در صورتیکه « تورو » ی پرگو وقایع نادری را هم که ممکن است جالب باشد در گرداب موعظه و پند غرقه میکند آنچه در يك جلد گفته میشود « مثل ، جامه مایه خوشبختی و نشانه انسانیت نیست، وی پنج یا شش صفحه سیاه میکند تا بیهودگی تن پوش و وسائل آسایش و تلگراف (چه اخبار بد را بزودی می شنوند) و روزنامه (خنده آور است که بدانند فلان شاهزاده خانم انگلیسی سر

۱ - Robinson crusoe قهرمان اساسی کتاب دانیل دوفوه این

کتاب شرح سرگذشت مردی است که در يك جزیره دور افتاده میتواند وسائل زندگی و حتی سعادت خود را فراهم آورد و این سعادت بوسیله ورود بشری دیگر « واندردی » سیاه که روبنس او را از چنگال وحشیان میر باید تکمیل میشود .

۲ - Daniel defoe روزنامه نگار و داستان نویس انگلیسی متولد

در لندن (۱۷۳۱-۱۶۶۰)

ما خورد) و راه آهن (اگر محاسبه زمانی که برای تهیه بول بلیط لازم است بشود انسان با پا زودتر میرود) را ثابت کند و هر بار نیز بهمین اندازه یا بیشتر برای اثبات سایر مطالب خود لازم دارد راست است که این مطالب به سبکی بر حرارت و بخوبی ادا شده ولی پایان آنها پیدا نیست، مانند آن بازیگران (اپرا) که در مقابل نرده پلکان دقایقی طولانی بیحرکت ایستاده اند و میخوانند « تند بدویم ، تند بدویم » « تورو » پس از سی و شش صفحه نطق و خطابه چنین نتیجه میگیرد « ولی اکنون برای رسیدن به تجربه من باید بشتایم » که بمجرد رسیدن آنرا رها کنیم .

بدترین قضاوتها را درباره کتاب « والدن » هزاران ستایشگرایین کتاب کرده اند که آنرا در صندلی راحتی در روشنائی چراغ برق در اطاق گرم شده با وسایل برقی ، میخوانند این کتاب يك خیال پرست است که مسلما پایش روی زمین بوده ولی نگاهش در ابرها سیر میکرده، نطق وی درباره « شورش مدنی » دلیل دیگر این ادعاست

« پسندیده نیست که احترام قانون را باندازه احترام حق ترویج کنند ، یگانه تعهدی که حق دارم بخود نسبت دهم، آنست که هر دم آنچه را « من » حق طلق خود میدانم انجام دهم »

در این مورد تنها کسانی شاگرد وی هستند که آثارش را نخوانده اند یا پس از اعمال این دستور آثارش را برای تبرئه خود خوانده اند از قبیل نوکیسگان بی باک ، و توانگر ارق نابکار و کارمندان فاسد، موفقیت تورو در کشور خود ، بر بسیاری از مناظر حیرت انگیز رویه های آزادیخواهی امریکا پرتوی درخشان تر می افکند و این رویه ها نتایج تاثیر « میراث

کالون (۱) « در افکار کوتاه بوده است .

تناقضی شوم در پایان است ، این دوستار زندگی سالم و هوای آزاد در ۴ سالگی بمرض سل در گذشت .

« تورو » کتاب (هفته ای در کنار رودخانه کنکور وموی ماک)

۱۸۴۹ را نوشته که مخلوطی نامنظم است از حقایق اخلاقی و توصیفات شاعرانه که در آنها ، گردش باقیات بهانه ای برای معرفی مقالات امرسن است درباره دوستی و تقوی و غیره .. ولی سبک و زبان وی روان و روشن است .

« فلسفه برتر (۲) » - « باشگاه فلسفه برتر » مرکب از گروهی آزاد

از عقلا بود که در سال ۱۸۳۶ برای مبادله افکار درباره « عقاید تازه » در فلسفه و ادبیات و الهیات ، پیرامون امرسن گرد آمدند فرضیه های

۱ - Jean calvin مبلغ اصلاح مذهب در فرانسه و سوئیس متوفی در

ژنو در جائیکه جمهوری پروتستان را تشکیل داده بود (۱۵۶۴ - ۱۵۰۹)

منظومه مذهبی کالون با مذاهب دیگر پروتستان این اختلافات را

دارد تساوی افراد که این تساوی را کالون بقدرت مذهبی نسبت میدهد

حذف کامل آداب و رسوم ، انکار مطلق سنت و تقلید ، و معین

بودن سر نوشت

۲ - Transcendentalisme در فلسفه کانت آنچه را بعقل محض قبل

از اشتغال آن بتجربه تعلق دارد برتریا تر انساندانتال مینامند ،

کانت مثلاً معتقد بود که زمان و مکان دو مفهوم برتر است یعنی عقل بدون

استعانت تجربه بالذات این دو مفهوم را داراست . فلسفه برتر مکتب فلسفی

امریکائی است که از فلسفه کانت ناشی شده که امر سن نماینده آنست

و مشخص این فلسفه نوعی عرفان وحدت وجودی است .

«کانت (۱)» که این گروه نام خود را از آنها گرفته، از انگلستان مخصوصاً بوسیله «کالریج (۲)» تازه به امریکا رسیده بود اصحاب فلسفه برتر که فیلسوف ماوراءالطبیعه نبودند، از این فرضیه ها عقایدی مبهم که بکار هم میهنان خود آید، استخراج کردند عقاید این قوم که بطور کلی نامعین است منظمه ای فلسفی را تشکیل نمیدهد، یگانه بیان فلسفی این عقاید که تاحدی روشن و صریح است در آثار امرسن دیده میشود، یگانه بیانی که «برتر» بمعنی اخص بود. که تازه آنرا هم امرسن بنام خود نوشته نه بنام رئیس يك مکتب یا انجمن، این گروه هیچگاه اساسنامه ای نداشت اعضایش باندازه ای به آزادی فردی علاقه داشتند که مفهوم يك انجمن رسمی را نمی پذیرفتند ولی میتوان گفت که این گروه لااقل درباره وحدت اساسی کلیه مذاهب و اصالت فرد، و ماهیت منفی شر عقایدی مشترك داشتند و روح تحمل و بردباری کامل و خوش بینی آنان و هم چنین بی اعتنائی آنان به کلیه سنن و آداب و مرجعیت و تقلید، از همین جا سرچشمه میگرفت.

«خوش بینی این گروه با انجمن «بروک فارم ۳» متعلق به «جرج (۴)» ریبلی» که نوعی صومعه برای ادبا بود آشکار گردید در این صومعه علل سوء تفاهم باید با استدلال عقلی از میان برخیزد و مباحثات عقلی و مطالعه را

۱ - Kant فیلسوف آلمانی متولد در «کونیگسبرگ» مواف «انتقاد عقل محض» «انتقاد عقل عملی» «انتقاد حکم» بعقیده وی زمان و مکان صورت احساس است و اشیاء در این صورت مانند جلوه و نمود در دسترس حواس ما قرار نمیگیرد و شناختن اشیاء بنفسه برای حواس ما میسر نیست ولی قانون اخلاق مستلزم آزادی و بقای روح و وجود خداوند است

Brook Farm - ۳

Coleridge - ۲

George Ripley - ۴

در درجه اول قرار دادند تا زندگی اجتماعی بهتری بوجود آید و حوائج مادی را که در رفع آن همه باید شرکت کنند، در درجه دوم، با وجود علاقه و اشتیاق این گروه به تجربه عقاید خود، هیچیک از رؤسای این سلسله، نه امرسن، نه «الکت (۱)» نه «مارگارت (۲) فولر» به این انجمن پیوستند و این انجمن با آزادی فردی و بی اعتنائی آنان به هر دسته و گروهی، مغایر بود، انجمن «تورو» در کتاب «والدن» سازگار تر از همه بود.

«این انجمن نشریه‌ای نیز داشت در «دائل (۳)» که مدتش کوتاه بود ولی نویسندگانش برجسته بود مانند امرسن، آلکت «لوول (۴)» «والری (۵) چانینگ» و «مارگارت فولر» پس از خاموشی هنر که ناشی از فلسفه پورنین‌ها و اطاعت از سنن و آداب بود، فلسفه برتر، مخصوصاً تجدید حیات ادبی را با خود به همراه می‌آورد.

باید یاد آور شد که فلسفه برتر لااقل با مکتب‌های فلسفی سایر دوره‌ها و مخصوصاً مکتب «اصالت وجود» (۶) دو جهت مشترك داشت اشخاص بسیار مختلف بدون اینکه دسته‌بندی و تقسیم شوند پیرو این مکتب بودند ۶ عامه مردم که پیروان این مکتب را جز اسماً نمی‌شناخت

Alcott - ۱

The dial - ۳

Margaret fuller - ۲

W. Ellery channing - ۵

Lowell - ۴

Existentialism - ۶ عقیده ایست فلسفی که مطابق آن بشر که

قبلاً نوعی وجود فلسفی و ماوراء لطیفه دارد با فعالیت وجود و ماهیت خود را انتخاب میکند برای توضیح بیشتر رجوع شود بکتاب (اگر نسناسنا لیسیم) تألیف فولکیه

و هیچ‌هم در بند آن نبود که عقاید آنانرا در یابد این مکتب را مجمع خارجیان می‌پنداشت و نام « برتر » را معادل گیج و شیدا می‌گرفت اگر در نظر آوریم که عامه مردم بر اثر سنن و رویه‌های پروتین‌ها عادت کرده بود که همه را از دریچه چشم گناه بنگرد این طرز فکر طبیعی و عادی بنظر می‌آید و حال آنکه اصحاب فلسفه برتر که امر سن در رأس آنان بود با انکار وجود شر معتقد بودند که فقط طرز فکر غلط و عادات ناپسند بافته می‌شود که آنهم مولود تبلی و کاهلی عقلی است و بابکار انداختن صحیح عقل سلیم و باشهامت و الهام روحانی، میتوان آن‌را از میان برداشت.

۷- دو داستان نویسی « هوت هرن ۱ و ملویل ۲ »

یکی از آنان در این خوش بینی سپیم نبود و او هم نویسنده قوم « فاتاینل هوت هرن » (۱۸۶۴ - ۱۸۰۴) بود وی با دوستان خود در این فکر موافق است که قانون استبداد و زور در جامعه فرماندهی می‌کنند ولی این قانون ضروری و حتمی است و همیشه از نو آغاز میشود ، يك یوغ بردگی را تکان میدهند و بر میدارند تا دیگری را جانشین آن کنند که شاید هم بدتر باشد « هوت هرن » ۱۸۴۱ بانجمن براك فارم پیوست تا در تجربه و آزمایش آن شرکت کند و از این شرکت فقط خاطره‌ای ییاد او ماند که از سفری که لحظه‌ای انسان را از بار غم آزاد میکند . همراه می‌آورند ، چه وی غمگین و بدبین بود ، شك او نسبت به اصلاح طلبان بحد کمال بود ، و از همین روست که داستانی مانند « دختر را پاسینی ۳ »

بدبختی‌هایی را نشان می‌دهد که تغییر دهندگان جریان طبیعی امور بدان گرفتار میشوند، و داستانی مانند «عشق بلیدال ۱» ۱۸۵۲ خطرات دست زدن بنظم اجتماعی را یاد آور میشود تنها جنایت آزادی بخش است قهرمان کتاب «حیوان مرمری ۲» ۱۸۶۰، حیوان آدم شده، با ارتکاب جنایتی روح و عشق زنی را تصرف میکند و «هستر پرن ۳» قهرمان داستان «نامه سرخ ۴» ۱۸۵۰ بر اثر زنا و فسق توانسته است آزادتر و تواناتر شود و ناله مستمندان را بهتر بگوش دلسوزی بشنود.

نك ناامیدی، تنهایی، اینها استادان او بودند و او را توانا کرده بودند.

این داستان، را بحق شاهکار «هوت هورن» دانسته‌اند و واقعاً نیز این داستان با آنکه غالباً توصیفات خسته کننده رشته کلام را قطع کرده ماهرانه نوشته شده است «این کتاب ماجرای زنی است که در دوره قدرت علمای دین از جامعه پوریتن؛ بعزت زنا رانده شده، حکایت کتاب کمتر از سایر آثار «هوت هورن» به رمز و سحر و جادو آمیخته و کنایه و اشاره در آن فراوان است از قبیل: قدرت آزادی بخش هیجانان درونی ولی لزوم و ضرورت قیود، نیرو و لزوم شر، فائده رنج و عذاب، از آنجا که مسئله گناه همیشه در فکر اوست «هوت هورن» دانستانسرای غمگین و افسرده است چنانکه پنداری با کابوسی همراه است. آثار وی نیز مانند فکرش غم انگیز است وی نخستین فرد این سلسله بدبینی است که در قرن

بیستم به ادبیات سیاه منتهی خواهد شد .

و بهمین دلیل «هوت هورن» بیشتر به رفیق خود «هرمان ملویل» ۱۸۹۱ - ۱۸۱۹ از لحاظ فکر نزدیک میشود تا بدسته اصحاب فلسفه برتر . دو وجه مشترك در این دو نویسنده هست که آن‌دورا از نویسندگان امریکا متمایز میکند نخست بوسیله سبك : این رو معنی و مفهوم بودن را فدای تشبیه و استعاره و کنایه و وزن و جمله بندی های نا-موزون میکنند، مفهوم بودن ، اندیشه اساسی نویسندگان امریکا به «استثناء جیمز و «فلکتر» است ، «این دو با بیانی مهذب و آراسته مطالب خود را می نویسند بدون اینکه بتوانند سبکی «حقیقتاً مشخص و تازه بوجود آورند . فقط قواعد کهنه و لغات ادبی نویسندگان قرن ۱۷ و ۱۸ انگلیسی را غالباً ماهرانه بکار می برند و هم چنین وجه متمایز این دو این نیز هست که داستان نویسی امریکایی (دیدیم که پوئه چنین نیست) تصویری خیالی یا نزدیک به واقعیت میکشد و بر جامعه ای که در آن بسر می برد خرده میگیرد و حال آنکه «هوت هورن» و «ملویل» از اینکار جداً خودداری میکنند «هوت هورن» در دامن تخیل مسحور خود پناه می برد ، افسانه های خیالی ، افسانه های تاریخی و داستان های جادوگری ، زاده این تخیل است و «هرمان ملویل» دریا و جزیره و دیوهای خود را پناهگاه خویش میکند .

با آنکه وی این جزائر و دریا هارا با تجربه شخصی می شناسد چه وی در هفده سالگی بر اثر شکست در زندگی خانوادگی ، به کشتی نشست و در جزیره «مارکیز ۱» زندانی قباول «تی پی ۲» گردید و در ۱۸۴۴

بعد از آزاد شدن بخمدت يك كشتی جنگی در آمد ، برای نگارش این داستان از تخیل و خاطرات خود بيك اندازه مدد ميگيرد ، و در واقع ماجراهای شخصی خود اوست ، که زيور یافته و آراسته و افزوده شده موضوع نخستين آثار او قرار ميگيرند «تی پی وامو» ۱۸۴۷ « سیاه و سفید جامه » ۱۸۴۹ پس از این نگارش داستانها ، زن ميگيرد و با «هوت هرن» پیوند دوستی را استوار ميکند و در همین وقت است که کتاب «موبی ویک» ۲ یا نهنگ سفید را می نویسد این کتاب را معمولاً شاهکاری دانسته اند . گفته اند که منظور وی در این کتاب بیان رمز و تمثیلی است ، این دیو تجسم شر جهانی است که بشر با کوششی خستگی ناپذیر ، آنرا دنبال ميکند و ناوبان « اهاب ۳ » نماینده بشر است ، این بشر بدان دیو می رسد ولی مغلوب دیو ميشود ، یعنی پیروزی نصیب شر ميگردد .

هرچه باشد « موبی ویک » از معایبی که دامنگیر کلیه کتابهای « ملویل » است برکنار نیست این کتاب عباراتی فصیح و مناظری عظیم و چند داستان گیرا و جذاب دارد ولی همه اینها در میان چه لاطائفاتی غرقه شده اند! وی در افکار خود ، بی پروا و نامنظم و پرهیجان است ، ماجرای داستان وی با فصولی کامل از تاریخ طبیعی و جغرافی ، حیوان شناسی و علم الاشتقاق قطع گردیده ، که خواننده را دلسرد و بیزار ميکند هیچ چیز بیش از کوشش مداوم نویسنده برای اثبات این که ماجرای او حقیقی است در حالیکه مسلماً چنین نیست ، نمیتواند اشتیاق و توهّم واقعیت را در خواننده نابود کند و اما در سبك با وجود قدرت شگفت انگیز و عظمت آهنگ و وزن که غالباً بدان

دست مییابد سبکش را تقلیدی مضحك دانسته اند سبك وی پیچیده و مبهم و بنحوی ترس آورفاضلانه است، در آن کسی «نمی میرد» «جان می سپارد» رنگ سرخ وجود ندارد فقط «ارغوانی» و «نارنجی» است، خانه نیست «ساختمان هائی است که» «شبکه» دارند روز در این سبك پایان نمی رسد «فقط سبجاف جامه زرین وی میگرد» و غیره

۸ - سازگار ان گلستان جدید

کلیه کشورها در هر قرن سهمی از ادبیات مدرسی و مبتذل داشته اند ولی بدین شك هیچ کشوری باندازه آمریکا این ادبیات را جدی و واقعی نپنداشته است و نتوانسته است مدتی بدین درازی موجدین این ادبیات را بدین بزرگی و شکوه معرفی کند تا تقریباً سی و پنج سال پیش «لانگ فلو» ۱ «و یته» ۲ و دیگران معمولاً بزرگترین اسامی ادبیات امریکا شناخته میشدند و بجز پوئه، فقط این عده کسانی بودند که نامشان در کتب درس نوشته میشد. هنوز هم آن زمان نرسیده است که هیچ یادی از آنان نشود چنانکه در تاریخ ادبیات فرانسه درباره «ویلمن» ۳ و «پونسار» ۴ و «دلاوینی» ۵ کرده اند، چه زمانی که مردم بحثی جز نام این ادبا نداشته اند بسیار نزدیک است. ولی لااقل کسانی که در سر کلاس در مقابل کتاب اشعار «لانگ فلو» و «و یته» به خمیازه افتاده اند مطمئن باشند که ذوق آنان بد نبوده است

۲ - Whittier

۱ - Longfellow

۳ - Villemain منتقد فرانسوی متولد پاریس استاد دانشکده سوربن

(۱۷۸۰-۱۷۹۰)

۴ - Ponsard (۱۸۱۴-۱۸۶۷) شاعر فرانسوی وی با افراط

مکتب غنائی مخالف بود.

۵ - Delavigne شاعر غنائی و تائری فرانسه ۱۸۴۳-۱۷۹۳

این دو شاعر كوچك فقط از نظر شماره و حجم كتاب‌های خود بزرگ‌ند
 مسلماً «هنری ورت لانگ‌فلو ۱» (۸۲-۱۸۰۷) شعر را باروانی و آهنگی
 ملایم و منظم می‌سرود و اگر غیر از این بود آیا می‌توانست ده‌ها هزار شعر
 بسراید؟ ولی فکر و تشبیهی از تشبیهات و افکار او پست‌تر و حقیرتر نمیتوان
 یافت وی شعر روایتی را رشته تخصص خود کرده بود و محبوب‌ترین آثار او
 که همه محبوب بودند تاریخ اخلاقی «او انجلین ۲» ۱۸۴۷ است، که در آن
 دختر ك بینوا او پرهیز کار آکاری بجهتجوی عاشق خود برمیخیزد معلوم
 نیست چه چیز این داستان معاصران وی را بیشتر دل‌باخته خود کرده،
 احساسات ابلهانه، یا دستورهای اخلاقی تقلیدی که در جای جای این
 داستان بسیار طولانی و خسته کننده، آمده است و داستانهای كوچك وی
 نیز از قبیل «آواز شب» ۱۸۳۹ بهمین اندازه از این دستورهای اخلاقی دارد
 در مجموعه «قصائد و اشعار دیگر» و «افسانه‌های مهمانخانه کنار راه»
 ۱۸۶۳ و «هیواتا» (۳) ۱۸۵۵ و «مایلز استاندیش ۴» ۱۸۵۸ و «افسانه‌های
 زرین» وی علاقه‌ای خاص به قرون وسطی نشان میدهد و اینهم از يك
 امریکائی معاصروی بعید و استثنائی است، اگر وی برتری و هنری داشت آن
 مهارت در تقلید بود این استاد ادبیات دانشگاه «هاروارد» کتب یونانی و
 لاتین و ایتالیائی و فرانسه و انگلیسی را بخوبی می‌شناخت و از هیچ جای
 دیگر الهام نمی‌گرفت حتی وقتی که صحنه‌ها و مناظر داستانها و اشعار خود
 را از همین خویش اقتباس میکرد.

معاصر وی، شاعر صوفی «جان گر نیلیف ویت» ۱۸۹۲ - ۱۹۰۷ بیش از نیم قرن اشعاری از همه نوع از کارخانه طبع خود بیرون ریخت از قبیل، قصیده، قطعات اتفاقی، هجونا مه، شعر غنائی، شعر روایتی و غیره... مشهور ترین این اشعار عبارتند از «آوازه های آزادی» ۴۵ - ۱۸۳۷ «مودمولر» (۲) ۱۸۵۶ «گلوله برف» ۱۸۶۶ «چادر ساحل» ۱۸۶۷ وی با سادگی عامیانه سبک خود که فهم آن نیازی به تعقل عمیق ندارد و با نصایح اخلاقی خود که با قالب افکار پورتن ها کاملاً مناسب است و بالاخره چون این شاعر روزنامه نگاری ماهر بود میدانست یک فرد متوسط جامعه به چه موضوعی علاقه دارد، محبت و علاقه معاصرانش را بخود جلب کرد یک قسمت عمده آثار او، اشعار اتفاقی است که در آنها بسادگی احساساتی را که فهم آن برای همه میسر است، درباره وقایع روز، بیان میکند وی بزودی با عشقی پر شور بابرده فرشان به مخالفت می پردازد و بدیده منتقدین امریکا این امر هنر بزرگ و همچنین برتری او بر «لانگ فلو» است که به مسائل که کشور او را تکان دادند و بعد بخاک و خون کشیدند، بسیار بی اعتنا ماند اگر «ویت» واقعاً از رنج ضعیف بدرد آمده باشد و اگر شجاعت و جوانمردی وی، از لحاظ اینکه وی بشر بود، او را محبوب و صمیمی نشان دهد، این ها حقایق مسلم است ولی باشخصیت و ارزش ادبی کاری ندارند.

هم چنین اگر هزارها شعری که از کانون خانگی «پوشیده از برف» توصیفی دقیق میکند برای مورخ، مدرکی مهم از زندگی داخلی پورتنها

باشد، این اشعار برای خواننده مشتاق هیجان و تشویه یا زیبایی، چندان اهمیتی ندارد، و با این همه در پایان زندگی (وی ده سال پس از لانگ-فلو زنده ماند) معاصرانش عموماً او را بزرگترین شاعر امریکائی میدانستند، باستثناء «ویت من» و شاید او بزرگترین شاعر بود.

«جیمس روسل لوئل» James Russel Lowell (۱۸۱۹-۹۱) جانشین «لانگ فلو» در کرسی ادبیات و هنرهای زیبای «هاروارد» نیز در صف مخالفان برده فروشی در آمد ولی فکرش بسیار مدرسی بود و از لحاظ نزدیکی به احساسات عامه پیاپی «ویته» نمی رسید اشعار مهاجاتی وی چون «بچلوی پرز» Bigelow papers (۱۸۴۸) شهرتی عظیم در زندگی شاعر بدست آوردند.

اگر بخواهیم از نظر شعر و شاعری درباره او داوری کنیم باید بگوئیم که فاقد اصالت رای و ابتکار بود و از قوه انتقاد چندان بهره ای نداشت با آنکه شهرت خود را نخست در این زمینه بدست آورد فضایی امریکا او را «سنت بو ۱» امریکا شناختند پیش از جنگهای انفصال وی در کتاب «داستانی برای انتقاد» توانسته بود پاره ای از هم میپنان خود را

۱ - Charles-augustin sainte-Beuve منتقد فرانسوی متولد

در «بونونی سورمر» وی نخست بر اثر اشعاری چون «قصائد» «زندگی» «شعر و افکار یوسف دلرم» و داستان هائی مانند «شهو» در آسمان ادب درخشیدن گرفت و سپس کتابهائی بسیار درباره انتقاد و تاریخ نوشت که از آن جمله «تساویر ادبی» «پورروبال»، «مصاحبه دوشنبه» «دوشنبه های جدید» را میتوان نام برد وی انتقاد ادبی را ادراک نبوغ هر نویسنده میدانست و در این زمینه صفاتی ممتاز از ذوق و ظرافت و دقت و صحت ار خود بمرصه ظهور رسانید (۱۸۶۹-۱۸۰۴)

بنحوی جالب و هیجان انگیز وصف کند ولی کمی بعد که مقامی در ادب حاصل کرد همت خود را به تنبع در آثار نویسندگان « کلاسیک » مقصور گردانید و به نهضت های ابتکاری که در ادبیات جوان کشور وی بوجود می آمد بی اعتناء گردید و حتی از بودن این نهضت ها نیز افسوس می خورد « لوئل » استادی دل آگاه بود ولی فکری وامانده داشت و فقط به مطالعه و تحقیق درباره گذشته و جهان قدیم می پرداخت و تحقیقات وی چنان بود که حتی نظریه یا فکری تازه را درباره « اسپنسر » و « میلتن » و « دانته ۱ » و « چاسر ۲ » chacer و غیره... دربر نداشت عنوان « کتاب های وی » پنجره های اطلاق کارمن « ، « در میان کتابهای خود » اشاراتی

۱- Dante Aligrieri بزرگترین شاعر ایتالی متولد در فلورانس وی در شهر ولادی خود اهمیتی سیاسی داشت و از طرف زمامداران شهر مأموریت های سیاسی مختلفی یافت دانته یکی از شش رئیس صومعه شهر خود بود ولی چون به حزب « سفیدان » تعلق داشت از طرف حزب « سیاهان » تبعید گردید (۱۳۰۲) و چندی در « ورن » بسربرد . و بعد بشهر « راون » سفر کرد و در همانجا در گذشت وی در همان آغاز جوانی اشعاری عاشقانه و قصایدی سرود که در آنها عشق آسمانی و تقریباً عرفانی خود را نسبت به « به آنریکس » Béatrix دختر « فلکوپرنی ناری » اظهار داشت و کمی بعد بخاطر همین « به آنریکس » بود که کتاب « ویتانوآرا » تحت نظم در آورد ولی بیش از همه دانته بنام مولف « کمدی الهی » معروف است و از این لحاظ او را پدر شعر ایتالیا دانسته اند (۱۳۲۱-۱۲۶۵)

۲- Geoffrey chaucer شاعر انگلیسی متولد در لندن مؤلف کتاب « داستان های کنتر بوری » وی در ترجمه « داستان گل سرخ » « le roman de la rose » بانگلیسی از هنر ایدالی و هنر کلاسیک پیروی کرد - چاسر یکی از بنیاد گزاران ادبیات شاعرانه انگلستان است . (۱۴۰۰-۱۳۴۰)

حقیقی هستند که بی آنکه نویسنده پیش بینی کند بر کتاب خانه ای دلالت دارند که درهای آن بروی نسیم تازه بسته است.

«اولیویه وندل همز» olivier wendellholmes « ۱۸۹۴-۱۸۰۹ از سال ۱۸۵۷ یکی از نویسندگان مهم مجله «اتلانتیک ماهانه» بود که «لوئل» سردیر آن بود وی در این مجله با نثری ساده و صحیح فقط هجو نامه هائی جالب درباره مهمانان مهمانخانه خیالی یکی از خانواده های «بستان» نوشت، این مقالات، رفته رفته جمع شدند و کتابهائی بوجود آوردند بنام «مستبد هنگام صرف چاشت» (۱۸۵۸) «استاد هنگام صرف چاشت» (۱۸۶۰) «شاعر هنگام صرف چاشت» (۱۸۷۲) «همز» مخالف با پوریتن ها بود و این مخالفت در این عصر خود ابتکار واصلاتی بشمار میرفت ولی این ابتکار بر عکس ظاهر خود امری واحد نبود در باره ارزش ادبی تالیفات وی تنها میتوان گفت که این تالیفات خیلی جالب بودند.

فصل سوم

نخستین نویسندگان ملی

اکنون به نیمه دوم قرن ۱۹ رسیده ایم ولی ممکن است که خواننده بی خبر این چند نویسنده بزرگ را که در طی این رساله بر احوالشان آگاهی یافتیم انگلیسی بداند راست است که «امرسن» از صمیم قلب خواهان ادبیاتی ملی بود ولی حتی خود او نیز با ظرافتی انگلیسی افکاری فیلسوفانه داشت که عامه مردم از ادراك آنها نانوان بودند شاید بهمین جهت بود

که مردم به افکاری کوچک تر می پرداختند ولی در موضوعاتی بحث میکردند که با جریان طبیعی افکار او بسیار نزدیک می نمود .

راز محبوبیت داستان های « فریتر » نوشته « فنی مورکوپر » و

« کلبه عمو تم » نوشته خانم « هاریت بیچراستو » Beecher -- stowe

Mrs Harriet (۱۸۱۱-۹۶) در همین جا نهفته است کلبه عمو تم که

یکی از مشهور ترین داستان های جهان است در ۱۸۵۱ بچاپ رسید و

تعداد چاپش بزودی بريك ملیون بالغ شد و در سال بعد در تماشخانه

بمعرض نمایش درآمد و بکلیه زبان های متمدن جهان نقل گردید شیوائی

سبك و روانی و زیبایی انشاء و فصاحت جملات نیست که این کتاب تبلیغی

را که برای فاش کردن مصائب بردگان در دول جنوبی نگاشته شده بود

محبوب جهان گردانید علت استقبال مردم آن بود که این کتاب در موضوعی

بحث میکرد که همه در آن موقع بدان اشتیاق داشتند مطالب احساساتی

و اخلاقی در آن عصر زبانزد همگان بود و با آنکه خانم « استو » هنر

و طبع ظریف « دیکنز » را نداشت با عشق و صمیمیت از آرمانی بزرگ و

پسندیده هواداری میکرد مسئله برده فروشی به آتشی مانند بود که او

او آنرا با تابشی بیشتر برافروخت مباحثاتی که درباره مبانی جنگهای

۱- Charles Dickens داستان نویس انگلیسی متولد در « لاند

پورت » در داستان های بیشمار خود نقاب از چهره ریاکاری و خودپرستی

بر میدارد و از بدبختان و کودکان آواره دفاع میکند از میان آثار او

« سرگذشت آقای پیک ویک » « بیکل نیکلمی » و « داوید کوپرفیلد » و

« داستانهای نول » را میتوان نام برد که در آنها شوخی با تأثر آمیخته میشود

(۱۸۷۰-۱۸۱۲)

انفصال بمیان آمده هر چه باشد انكار پذير نيست كه «كلية عمومتم» را بايد يكي از علل آن دانست چرا كه در عقايد وافكار عمومي سخت كار-
گر آمده بود اين كتاب چون روغني جوشان بود كه بر آتشي نهفته در
زير خاكستر ريخته باشند آنچه مردم كمتر ميدانند اينست كه پس از
جنگ خانم «استر» بسيار كوشيد كه سر نوشت سياهان بدبختي را نكوتر
كند كه براي آزادي آنان بدينگونه فداكاري كرده بود اين آزادي براي
سياهان خطرناك شده و آنانرا بيچاره و پريشان احوال و آواره كرده بود و
و رهانندگان سياسي و نظامي آنان نيز غم درمان اين دردهارا نداشتند
ولي بايد گفت كه عظمت روح و پاكي قلب و حتي موفقيت براي پديد
آوردن اثرى كه شاهكار باشد كافى نيست و بحث در باره موضوعى كه خاص
امريكا باشد با ايجاد روشى كه امريكائى باشد دوتاست اين مرحله قطعى
را «والث وى تى من» Walt Whitman و «مارك تى وان» Mark Twain
مى پيمايند كه نخستين كسانى هستند كه در نظم و نثر توانسته اند روح و
دل امريكائى را با زباني بسخن و دارند كه از هيچ نظر مديون ادبيات
اروپائى نيست .

آيا اينكار بر اثر نفوذ امرسن بود ؟ ظاهر حال چنين نيست «توان»
شايد كتابهاى او را هم نخوانده بود و «وى تى من» تابع افكار و احساسات
خويش بود يا اگر بهتر بگوئيم از آشنا و بيگانه آنچه نكو مى ديد
بوام مى گرفت ! ولي شورى در دلهاى مردم بود كه راهنماى اين دو
نويسنده گرديد شرط لازم براي ايجاد ادبيات ملي آنست كه ملتي درميان
باشد «لانگ فلو» بدين موضوع پي برده بود ولي آنرا دليلي براي واهى بودن
آن ادبيات مى دانست .

« ادبیات ما نمیتواند صرفاً ملی باشد مگر تا اندازه‌ای که صفات و طرز فکر ما با صفات و طرز فکر ملل دیگر تفاوت دارد » و از همین مقدمه نتیجه می‌گرفت که امریکاییان فقط باید ادبیات انگلستان را « ادامه » دهند ولی حقیقت آن است که کشور بزرگ تازه، صفاتی خاص کسب می‌کرد که دیگر جنبه آرمان و آرزو نداشتند، عشق با آزادی فردی و حکومت عامه که در وجود « آبراهام لینکلن » ۱ مجسم شده بود و در نطق‌های ساده و مهیج و پر معنی او تجلی می‌کرد و هم‌چنین ذوق به هنر و وسائل جدید کار و بی‌اعتنائی به تمدن قدیم و احترام پیروزی و موفقیت، در دلها پدید می‌آمد

۱ - « والتر ویت من » walter whitman ۱۸۹۲ - ۱۸۱۹

خالی از اغراق نیست اگر بگوئیم که « والتر ویت من » نویسنده ای بوده است که عامه مردم به آثار او اشتیاقی نداشته‌اند بر عکس چون کسی او را نمی‌شناخت یا قدرتش مجهول بود در تمام زندگی خود می‌کوشید که هنر و استعداد خود را ب مردم بشناساند شاید تاریخ انتشار کتاب‌های او علت این بی‌اعتنائی مردم را بیان کند در ۱۸۵۵ هنگامی که کتاب « برگ‌های گیاه » خود را برای نخستین بار بچاپ رسانید هنوز بسیار زود بود که سبک و افکار وی از نظر صورت و معنی در ادبیاتی مؤثر افتد که « لانگ فلو » و « لوئل » استاد آن بوده اند از آن گذشته

۱ - Abraham Lincoln رئیس‌جمهور کشورهای متحد امریکا

متولد در « پارون » انتخاب او بریاست جمهوری از طرف هواخواهان الغاء برده‌فروشی (۱۸۵۹) نشانه جنگ انفصال بود وی چون دوبار در ۱۸۶۴ بر رقیب انتخاباتی خود « ماک کلان » پیروز شد بدست یکی از طرفداران متعصب برده‌فروشی بنام « ج. و. بوت » پس از پیروزی دول شمالی کشته گردید (۱۸۶۵ - ۱۸۰۹)

ایمان او به حکومت ملی و خوش بینی ساده‌اش بر اثر تغییراتی که زاده انقلاب صنعتی و نتایج جنگ‌های انفصال بود، بسیار کودکانه می نمود. در این غوغای مشغله و کارهای فنی و صنعتی شعر در پس پرده فراموشی جا گرفت و جای خود را به داستان و رمان سپرد با اینهمه درباره وی درست است که بگوئیم اگر «امرسن» عالم نظری، ارسطو ۱ یا «بوالو ۲» ادبیات تازه امریکا بود «ویت من» نیز «چاسر» یا «ویون» (۳) آن بشمار

۱- Aristote فیلسوف شهیر یونانی متولد در «استاژیر» مقدونی وی مربی و دوست اسکندر کبیر و مؤسس نحله مشائی بود منظومه فلسفی او طبیعت را بما چون صحنه‌های بزرگ نشان میدهد که در آن ماده بیجان میکوشد که بفعل معض یعنی بعقل و ذکاء تبدیل گردد عقل ارسطو بزرگترین عقلی است که تا کنون در افراد بشر تجلی یافته وی مصنف مؤلفات بسیاری است از منطق و از سیاست و از تاریخ طبیعی و از سماع طبیعی که ترقیات علوم جدید ارزش آنها را ثابت کرده‌اند «تاریخ حیوانات» و «معانی و بیان» و علم الجو و سایر آثارش پر است از نظریات اصیل و ابتکاری در سراسر قرون وسطی وی استاد فلسفه بود ولی فیلسوفان قرون وسطی آثار او را خوب نمی‌فهمیدند و آنها را بد تعبیر میکردند وی در «کالسیس» واقع در «آدی» در گذشت (۳۲۲-۳۸۴ قبل از میلاد)

۲- «Nicolas boileau Despreaux» منتقد و شاعر فرانسوی متولد در پاریس مؤلف «مهاجرات» «نامه‌ها» و «فن شعر» و «تورن» و غیره خطای او آن بود که از ادبیات قدیم و ملی فرانسه بی‌خبر بود و ارزش ادبی شاعران مقدم بر «مالزرب» را انکار میکرد ولی ظریف ترین نکات عقل و ذکاء خود را بکار برد تا با احساسات ساختگی و تکلف و تصنع و فضل فروشی خلاصه با آنچه از عقل و طبیعت بدور است مبارزه کند وی دوست مهربان و پایدار «کورنی» و «مولیر» و «راسین» و «لافتن» بود (۱۶۳۶-۱۷۱۱)

۳- Francois Villon شاعر فرانسوی متولد در پاریس در سال ۱۴۳۱ وی عمر خود را با آشفتگی و پریشانی بسر برد و چندین بار نزدیک

می آمد چه وی نخستین شاعر ملی بود .

آثار وی نسبت به آثار فراوان شاعران معاصرش ناچیز است و رویه مرفته سراینده يك جلد كتاب شعر بنام « برگهای گیاه » است که در تمام عمر اشعاری بر آن افزوده است هنگامیکه در سال ۱۸۵۵ برای نخستین بار بسرمایه خود این کتاب را بقطع و زیری بچاپ رسانید صفحات این کتاب بیش از ۹۵ نبود ولی هر طبع مجدد اشعاری تازه داشت و طبع آخری که در سال ۱۸۸۲ انجام گرفت کتابی قطور از کار در آمد که با حق تألیفی که بوی رسید توانست خانه ای بخرد سی سال طول کشید تا بالاخره موفقیت با آغوش باز به استقبال این شاعر شتافت ، چاپ های نخستین این کتاب را مردم نادیده گرفته یا مسخره کرده بودند علت آن چه بود ؟ غالباً این عدم موفقیت و ناسپاسی توده را نسبت به « ویت من » معلول شخصیت و اخلاق خود شاعر دانسته اند چه او بچه باز و لافزن بود و هم میهنانش از این عیب مخالف طبیعت سخت متنفر بودند ولی این عیب و نظایر آن از چیز هائیکه مردم معاصر بطور کلی از آنها غافلند نه بچه بازی مانع محبوبیت « ورن ۱ » گردیده است و نه زنای بامحارم از شهرت « بایرن ۲ »

→ بود که بدار آویخته شود، ویلن سراینده « وصیت نامه کوچک » و « وصیت نامه بزرگ » است که در آنها از نظر زمان اولین شاعر غنائی فرانسه بنظر می آید (متوفی بسال ۱۴۸۹)

۱- Paul Verlaine شاعر فرانسوی متولد در « متز » مؤلف « جشن های دلبری » و « عقل » و غیره . شعروی ساده و غنائی است و باموسیقی هم آهنگی دارد (۱۸۹۶-۱۸۴۴)

۲- Gorgegordon lordbyron شاعر مشهور انگلیسی متولد در لندن مؤلف « چانلد هارلد » « دن ژوان » و غیره شعر این شاعر مانند طبع و خویش ، آتشین و هجو آمیز و هیجان انگیز است هنگام شورش یونان بایرن بمشرق رفت و در « نی سولن قی » در گذشت (۱۸۲۴-۱۷۸۸)

byron کاسته . علت تمسخر مردم را به آثار او باید در خود همین آثار جستجو کرد وی شاعری بود که بجای آنکه مانند شاعران زبردست دیگر از عشق و غم و بلبل و زیبایی زن و دلاوری و مرگ دم زند هوادار حکومت ملی و صلح و برادری و ترقی بود بدبختانه اینها کلماتی بودند که امروز هم اظهار ساده آنها مردم را بخنده میآورد ولی «ویت من» بدین کلمات ایمانی راسخ داشت و برای اثبات آنها از عقل روشن و قلب مشتاق خود مدد می گرفت : شعله امید در دلش افروخته بود و این امید از وهم و پندار بهره ای نداشت درست است که وی فیلسوفی تصویری بود ولی فکرش در آسمانها سیر نمیکرد و از خطرات و مشکلات حکومت ملی بخوبی آگاه بود از آن گذشته شهوت پرستی و نحوه ادراک وی از طبیعت چنان بود که او را از راز اشیاء ساده آگاه میکرد و آن احساس را از زیبایی در دلش پدید می آورد که مایه امتیاز شاعران بزرگ میگردد یگانه عیب او آن بود که خود پرستی اش حجاب دیده انتقاد میشد و غالباً سبک وی آمیخته به احساسات تند میگردد و یا چنان پرتکلف بود که از ذوق و ابتکار بهره ای نداشت .

صورت عروض شعر نیز موضوعی بود که مایه بی اعتنائی مردم باشعار او میگردد چه «ویت من» نه تنها قاعده هنر خود را «اجتناب از استعارات شاعرانه» میدانست بلکه وزن و قافیه را نیز منکر بود و قوانین عروض و بحر شعر را ناچیز میگرفت مسلم است که وی همیشه متیوانست از خود وزن و آهنگی بسازد وزن و آهنگی ملایم و دلکش که «چون پرواز پرند در هوا بود و یا چون شنای ماهی در آب» ولی معلوم بود که روشی بدین تازگی که زاده فکر شاعر بود با فکر معاصرانش موافق نمی افتاد

با آنکه همین معاصران این روش را بمنت‌های سادگی رساندند با اینهمه وی شاعری اصیل و صاحب نظر است و خصائص مردم امریکارا در خود جمع آورده « ویت‌من » چنانکه خود را تعریف کرده است نمونه‌ای کامل از آرمان اصحاب مکتب اصالت فرد امریکائی است.

« درباره حیات و تولد بحث کرده‌ام و به افکار خود جامه‌ای از منظره‌ها و ایام و کارهای زمان خود پوشانده‌ام تا اینکه جائی خاص خود داشته باشند و بدرستی شناخته گردند و گاهی نیز این افکار را با غرور و تهور آزادی آمیخته‌ام تا روح امریکائی را که در حال تکوین است از اوهام و خرافات و نفوذ خفه‌کننده افکار گذشته اروپائی و آسیائی ضد حکومت ملی برهاند مقصد نهائی من آن است قواعد لفظ و شعر را برهم زنم و بدون یآوری الفاظ پرتصنع صفت ازلی و شهوی نفس خود را بیان کنم »

۲ - دسته جدید نویسندگان

مارک‌توان (۱۸۳۵-۱۹۱۰) Mark Twain

مارک‌توان، نه‌پیر و فرضیه‌های بزرگ بود نه قدرت و تهوری خاص داشت به سادگی افکار خود را باز میگفت و چندان در بندا بتکار و تقلید نبود بر اثر ذوق نویسندگی و علاقه بزندگی و هم چنین دریافت مزد چیز مینوشت و این صفات او را به یک امریکائی متوسط قرن ۱۹ بیشتر نزدیک میکرد: وی زن و مخصوصاً زن خود را بسیار محترم میداشت و دوستار اشیاء وقایع و نحوه رفتار و رفقای جوانی پر آشوب خود بود به افتادگان و فروتنان ترحم میکرد و پول را می‌پرستید و شیفته حوادث هیجان انگیز بود مشاغل وی در دوران زندگی عبار بودند از، شاگردی مطبعه، ناوبانی کشتی

بخار در رود «می سی سی پی» کشفی طلا، روزنامه نگاری، انتشار کتاب و سخنرانی توان باین مشاغل ثروت هائی ازدست داد و ثروتهائی نیز بدست آورد «بی آنکه افزایش کردن دامهای ثروت چشم پیوشد» ظرافت و مهارت هنرمندانه زنان فضل فروش را مسخره میکرد و با منطق ساده از محبوبیت خود به ارزش آثارش می پی برد وی برای توده کار میکرد و میدانست چه کند که محبوب او گردد هیچگاه درغم آن نبود که منتقدان روزنامه ها را باخود همدست کند از هر انجمنی کناره میگرفت و در نویسندگی روشی را می پسندید که مایه موفقیت او گردد، و آن روش نگارش موضوع های جالب با سبکی روشن بود.

دو هنر خاص که پس از وی همه نویسندگان امریکا در کسب آن دو کوشیده اند او را از نویسندگان سبک جدید کرده اند تائیش از وی ادبیات امتیاز امریکای شرقی و خاص طبقه ای بود کسی ادیب بشمار می آید که به جهان ادبی خاص و استثنائی «بستان» و «نیویورک» تعلق داشته باشد یا اگر هم در جامی دیگر بدنمایی آمد بایستی به امریکای شرقی سفر کرده باشد.

با آنکه مرز امریکا از مغرب به «کالیفرنیا» رسیده بود و نام امریکا بر سراسر این قاره اطلاق میشد ولی شهرهای «انگلستان جدید» انحصار زندگی عقلی را در دست گرفته بودند «امرسن» «تورو»، «هوت هرن» و حتی «ویت من» از اهالی مشرق امریکا بودند و اگر «کوپر» و «پوئه» در زیر آسمانی دیگر چشم بجهان گشوده باشند، زندگی ادبی آنان در مشرق امریکا آغاز گردیده است و در انجاست که خود را بر مردم شناسانده اند این واقعه در تاریخ امریکا مهم است که توان که در «می سی سی پی» بدنیا آمده است هنگامیکه ناشران توانگر و توانای «بستان» و «نیویورک»

می‌توانند توجه‌ها را بخود جلب کنند، وی مایه سرافرازی و مباهات مردم شهر «سانفرانسیسکو» می‌گردد و واقعه مهم دیگر آنست که وی از میان توده برخاسته است با ظهور «توان» نه تنها برای نخستین بار مغرب امریکا بر مشرق آن تسلط می‌یابد بلکه بجای آنکه مشرق شکوفه های دانش و ادب خود را برسم ارمغان به غرب فرستد، دیگر ادبیات مقام خود را که عبارت از تعلیم و تربیت توده باشد از دست می‌دهد و توده در ادبیات جائی برای خود باز می‌کند «ساموئل کلمنز» Lamual Clemens وقتی هم که به «مارک توان» ملقب می‌شود باز از توده جدا نمی‌شود همین توده و افتخاری که این توده در حق او قائل شده شد او را در زمره علما بشمار آورده اند و حتی هنگامیکه موی سر و صورتش سفید می‌شود و دانشگاه‌های امریکا درباره افتخار اعطاء تاج «استاد هنر» بوی بایکدیگر نزاع می‌کنند و «اکسفورد» آری «اکسفورد»! او را دکترا ادبیات می‌شناسد، مارک توان، از نظر سبک و ذوق و افکار همان خبرنگار کوچک است که اهالی کالیفرنیا با اشتیاق و حرارت آثار او را خوانده اند.

هنگامیکه وی به اوج افتخار می‌رسد منتقدان همه سر تعظیم در برابر او فرود می‌آوردند و به استادی او اقرار می‌کنند و او را دیکتوری تازه یا بزرگترین بدله گوی زمان حاضر می‌شناسند ولی در حکایات بدله سرائی او بندرت از شوخی های آوازه خوان مهمانخانه ها بهتر و گرانمایه تر می‌شود فهرمانان داستانهای او اشخاص خشن و زننده اند که ظرافت طبع و روح و حقیقت قهرمانان «دیکنز» را ندارند و افکاری خنده آور دارد ولی اندازه ای برای آنها قائل نیست و یک فکر را تا حد اشباع تکرار می‌کند

چون این نویسنده خوش بین در پایان زندگی سختی ها و نا کامی هایی دیده و آنها را بزبان قلم جاری ساخته است برخی بدین علت او را متفکر و فیلسوف دانسته اند و این صفت بدین و بذله گو از ملاحظاتی آمیخته به تناقض عاری نیست خود او نیز فریفته این موضوع گردیده است مکالمه ای «فلسفی» از او بجامانده که پس از مَرَك بچاپ رسیده بنام «بشر چیست».

اگر درباره این کتاب ناچیز و ابتدائی بحث کنیم شاید از اهمیت وی بکاهد ولی نه چنین نیست آثار توان همگی دلاویز و دلرباست چه او آسان می نویسد و میداند چگونه خواننده را شیفته خود کند ، کتاب های او را مردم امریکا دوست دارند بخاطر آنکه وی عالم اخلاقی و واقع بین است ولی سخنی خشن و زننده نمیگوید ، و باز بخاطر آنکه وی از اخلاق و آداب معاشرت يك امریکائی متوسط بخوبی آگاه است بی آنکه فکری انقلابی و مخرب داشته باشد. «توان» کتابهایی مهم درباره مسافرت هایی نوشته است که تقریباً در کلیه قسمت های جهان کرده . بر اثر ایمان به برتری خود و تمایلش به ادراك مناظر زیبا از نظر بهداشت و آسایش از شوری و كيك ها و بو های بد باندازه زیبایی و یا خاطرات تاریخی صحنه های مشهور ، متاثر میگردد چنانکه در کتاب « بیگناهان در خارجه » (۱۸۶۸) دیده میشود ، در این کتاب بهمان اندازه خود را امریکائی نشان میدهد که در کتابهایی دیگر که باغور و اشتیاق از میهن خود بحث میکند مانند کتاب « به سختی » (۱۸۷۲) و کتاب « زندگی در سواحل می سی سی پی » ۱۸۸۳ وی به مرز جنبه ای آسمانی میدید و قهرمانان آن را مردمی شجاع و بی باک می شناسد و رود (می سی سی پی) را از همه رودخانه ها مهمتر میداند

«چه هستند رودخانه‌های دمشق در برابر پدر آنها؟» مسافرت‌های او را در مکان می‌توان به سیاحت‌هایش در زمان نزدیک کرد در کتابهایی مانند «شهریاروبی‌نوا» (۱۸۸۱) یا امریکایی در دربار «آرتور پادشاه» (۱۸۸۹) همین ترحم تمسخر آمیز نسبت به کلیه آثار و اشیاء غیر امریکایی و همان تحقیر و بی‌اعتنائی نسبت به حکومت‌هایی، از خلال آنها خودنمایی میکند، که بر اثر اراده ملت میان نیامده اند ولی «توان» دلی حساس دارد و این فیلسوف تحقیقی که پیرو مسلک پروتستان است ده سال از عمر خود را برای تألیف تاریخی از زندگی «ژان دارک» (۱۸۹۶) می‌گذرانند این کتاب از احساسات غم‌انگیز و سوزناک پر است و بنظر نویسنده دل‌آویزترین کتاب اوست ولی نه نسل‌های بعد بر این عقیده‌اند و نه هیچیک از کتابهای او که اکنون کهنه بنظر می‌آیند.

عبارات کتاب «زندگی در سواحل می‌سی‌سی‌پی» افتخاری حقیقی و مسلم برای او کسب میکنند چه در این کتاب وی تجربیاتی را می‌نویسد که از ناوبانی کشتی بخار بدست آورده، سبک نگارش و هم‌چنین ماجرایی این داستان باندازه وقایع زندگی «راینسن» در جزیره خود، هیجان‌انگیز و گیراست و دو کتاب دیگر که وی خاطرات جوانی خود را در آنها نقل میکنند همین لطف و جذابیت را دارند این دو کتاب عبارتند از «تام‌اره‌کش» Tom Sawyer (۱۸۷۶) و مخصوصاً متمم آن «حوادث زندگی هکل بری‌فینا» Huckleberry finna (۱۸۸۴) که شاهکاری از ادبیات توده‌بشه‌ارمی‌آید «همینگوی» Hemingway نویسنده مشهور آمریکایی بخواندن این کتاب رغبتی فراوان دارد در آنجا «توان» شوخی

های مبتذل را کنار میگذارد و بشوخی حقیقی که آمیخته به ترحم و واقع بینی است دست می یابد اشخاصی که وی در صحنه داستان می آورد همگی شوخ و بذله گو هستند ولی این بذله گوئی آنان تصنعی نیست و خواننده احساس میکند که این اشخاص طبعاً شوخ و بذله گو هستند و به همین علت آنانرا با معایب و جنون ها و افکاری باطل که دارند دوست دارد حوادث این کتاب غیر مترقب یا خارق العاده اند ولی وقوع آنها محتمل بنظر می آید و مجموعاً پرده ای بدیع و باروح از « غرب میانه » میسازند که متن آن مناظر عظیم و شاعرانه « می سی سی پی » است برخی گفته اند که « فینا » کتابی است که میتوان آنرا هم سنك « رابین سن کروزر » و « تام جانس » Tom Janes دانست چه « فینا » « آئینه ای تمام نما از کلیه مظاهر يك تمدن است »

برخی « توان » رافاقد ذوق ادبی دانسته اند بیگمان وی خوش دارد که با طرزی زنده و زشت نویسندگانی بزرگ را چون « جان آستن » Jane austen و « جرج ایلو » George Eliot و « هوت وهرن » خوار و ناچیز بشمرد ولی خوبست فقدان ذوق ادبی او را به فقدان بی طرفی تعبیر کنم آنچه او را زشت و ناپسند می نماید ادبیات لفاظ و پر تکلف امریکا است که پیروی از آن برای نویسندگان و مردم عامه اجباری است « درباره اهالی بستان باید گفت که من خوشتر دارم در آسمان « جان بینان » John Bunyan در زمره دوزخیان بشمار آیم و ورقی از این ادبیات نخوانم » حقیقت امر آنست که وضع ادبیات امریکا در سالهای ۱۸۷۰ و ۱۸۹۰ بسیار رقت انگیز بوده است در وقتی که سبك واقع بینی در فرانسه باوج کمال می رسد امریکا هنوز بیش از انگلستان پابند « آداب » دوره ملکه

ویکتوریاست «توان» نخستین کسی است که این قیود را در هم می شکند و از همین روست که با وجود معایبش، در ادبیات امریکا بعنوان مبتکر آئینی تازه، و هم چنین بعزت نفوذ ادبی، مقامی شامخ دارد سبک اوساده و دقیق و پر معنی و روان است و از تکلف و صنائع لفظی بهره ای ندارد وی بانظری صائب و معقول لغات محلی و اصطلاحات عامیانه و لگزدان کوچه و بازار را بکار می برد در کتاب «هک فین» Huck finn این اصطلاحات چنانند که گوئی قهرمان کتاب خودسر گذشت خویش را به از میگوید مانند همیشه که برای مردم حرف میزند، منتها با ذوقی ادبی و طبعی خداداد که وزن و آهنگ جملات را مراعات میکند در پایان میتوان گفت که «مارک توان» دروازه واقع بینی را بروی مردم امریکا گشوده است یعنی دروازه ای که بزرگترین قسمت های کالای ادبی امریکاتا پنجاه سال بعد، از آن وارد خواهد شد.

۳- «صبغه محلی»

«برت هارت» Bret Harte با آنکه از نظر ذوق و استعداد از «مارک توان» پائین تر است ولی باز میتوان او را با توان مقایسه کردنه از آنرو که دوست او بوده و در فن نگارش تاریخ تا اندازه را هنما و استاد وی بشمار میآمده است بلکه مانند توان وی دوستدار موقفیت و محبوبیت است و در مغرب امریکا بوسیله اهالی مغرب به آرزوی خود می رسد وی مبتکر آئینی است که آنرا «مکتب صبغه محلی» نام نهاده اند. وارد کردن زبان و رفتار مردم کارگر و بازاری در ادبیات عکس العملی است در برابر سبک ساختگی و پرتکلف سالهای ۱۸۷۰ و ۱۸۹۰ ولی با اینهمه «برت هارت» و شاگردانش باندازه پیروان این سبک پرتکلف منفور اصحاب مکتب «طبیعت پردازی» Naturalisme

می باشند با آنکه تهیه کنندگان فیلم بسیاری از فیلمهای خود را از روی کتابهای آنان برداشته اند. علت این امر آنست که این مکتب مناظر غم- انگیز و تاریک را نقاشی نمیکند آنچه می نگارد کودکانه است ولی در پرده نقاشی اش نکته ای دیده نمی شود که بیننده را ناخوش آید. هیچگاه در بند توصیف کیفیات نفسانی و روانشناسی نیست و به انتقاد از اوضاع اجتماعی کاری ندارد آنچه می پسندد توصیف مناظر زیبا و محاورات منطقی و آدابی است که با آداب محافل ادبی تفاوت می کنند ولی کاملاً دقیق است که آرامش سیاسی خواننده را با گفتار خود مشوش نکند.

« ربرت هارت » با نخستین دسته جویندگان زر به « کالیفرنیا »

میرود و اگر زری نمیابد در عوض از توشه ای که از شهرهای زیبای تازه و منظره زندگی مردمان نیمه طبیعی به همراه می آورد ثروتی فراهم میکند کتاب (ثروت صحرای غرنده) (۱۸۶۸) که حکایاتی در باره زندگی جویندگان زر را در بر دارد مایه بزرگترین ترقی برای کتابفروشان امریکائی میگردد ولی نکته قابل ذکر آنست که (هارت) با عزمی راسخ حقیقت را فدای نتیجه و اثر کتاب خویش میکند وی نویسنده ای حساس و غمگین است و سخنانش از تناقض عاری نیست چون در بادی امر برای روزنامه چیز مینویسد فقط در بند آنست که وقایعی سرسری و هیجان انگیز بدست آورد حکایات چهار یا پنج صفحه ای او ناگهان توسعه ای غیر مترقب مییابد و احتمال وقوع آنها نیز کمتر میگردد : گدا توانگر- میشود و سفاک و فضیلت و تقوی پیشه میکند وزن خشن و ستیزه جو محبتی مادرانه مییابد و غیره. قهرمانان کتابهای وی که همه تصنعی هستند بازبانی مانوس و نمکین سخن میگویند ولی خود نویسنده برای بیان داستان سبکی

(ادبی) بکار میبرد که غالباً بر اثر فقدان سادگی مغشوش و نا درست میگردد .

نفوذ وی بسیار بزرگ بوده است به پیروی از او تا ده سال زندگی مردم امریکا را در حکایاتی کوچک نقاشی کرده اند و از این لحاظ «مارک تاون» و «جاك لندن» London و «اوهنری» O . Henry را باید از شاگردان وی دانست .



«اوهنری» (ویلیام سیدنی پرت - ۱۹۱۰ - ۱۸۶۲) - William

sydney Porter است که بیش از همه بوی شباهت دارد و از نظر نقل حکایات و وقایع حیرت انگیز گوی سبقت از او میر باید داستانهای او که پایان آنها همیشه غیر مترقب است معنائی عمیق ندارند ولی شاهکار داستان نویسی بشمار میآیند نویسنده نیز در نقل و توصیف مناظر بدیع افراط نمیکند وی حکایات و عباراتی دارد که در آنها زندگی روزانه يك امریکائی متوسط در نظر گرفته شده و با دقت و صحت نقل گردیده است ولی چون میخواهد با احساسات و تخیلاتی شور انگیز آنها را بیش از آنچه طبیعی است زیبا و دلایز کند نقاشی هائی که از جنوب و مغرب نیویورک کرده است واقعیت خود را از دست میدهند و از نقاشیهای «برت هارت» از کالیفرنیا حقیقتی تر بنظر نمی رسند قهرمانان کتابهای او نمونه و مظهری از انسان واقعی یا تقلیدی تمسخر آمیز از اوست چون نخست او را استادی بزرگ و حتی نابغه دانسته اند باید گفت که وی نویسنده شوخ و بذله گو ولی هنرمندی توانا بوده است.

فصل چهارم

آغاز دوره جدید

تنها در کشور متحده امریکا نیست که داستان نویسی در طی عمر چندین نسل مقامی شامخ بدست آورده است و حتی جنبش داستان نویسی نیز از این کشور آغاز نگردیده .

« بالزاك » و « دیکنز » و « تاكـری ۲ » و « داستایووسکی ۳ »

۱- (Honoré de) Balzac داستان نویس ماهر و پرتألیف فرانسه متولد در تور نویسنده « مضحکه بشری » سلسله ای از داستان های جالب که با وجود نقایص مربوط به سبک و اطاله پاره ای از توصیفات ، از نظر قدرت مشاهده و احساس واقعیت و باروری تخیل بسیار دلکش است مهمترین این داستانها عبارتند از « اوژنی گراند » « باباگوویو » « جستجوی مطلق » « توهمات گم شده » « درخانه پسر » « سوسن در دره » « عظمت و بدبختی فواش » « سزار بیروتو » « پسر عموین » « دختر عمویت » و غیره (۱۷۹۹-۱۸۵۰)

۲- (William) Thackeray داستان نویس انگلیسی متولد در کلکته نویسنده « بازار لاف » « هنری اسمند » و غیره .. داستان هایی که قدرت مشاهده و تمسخر در آنها بهم آمیخته است و نویسنده بسختی معایب اجتماع را ریشخند میکند (۱۸۱۱-۱۸۶۳)

۳- (Fedor) Dostoïevski داستان نویس روس متولد در مسکو نویسنده داستانها یست که از نظر روانشناسی و تأثیر بسیار جالب است کتاب های مهم او عبارتند از « بز و کیفر » « درخانه اموات » (۱۸۲۱-۱۸۸۱)

۴- در تاریخ ادب و سیاست روسیه سه تن بنام « تولستوی » مشهور شده اند یکی Leon comte Tolstoï سائس روسی مشاور پطر کبیر بوده است (۱۷۲۹-۱۶۴۵) و دیگری Lon comte Tolstoï داستان نویس روسی است متولد در « یاسنایا - پولی یانا » (۱۸۲۸-۱۹۱۰) آثار مهم او عبارتند از « صلح و جنگ » « اناکار تین » « رستاخیز » و غیره ...

و «تولستوی» سالها بود که روی در نقاب خاک نهفته بودند و نویسندگان امریکا میکوشیدند که داستانهای امریکائی را در جهان رائج کنند ولی اکنون که داستانهای فرانسه و روسیه و انگلستان از شهرت مردگان، زنده و جاوید مانده اند کشور امریکا مقام اول را در داستان نویسی بدست آورده است و اگر علوم طبیعی را کنار گذاریم میتوان گفت که کشور امریکا با داستان نویسان کنونی خود در آسمان ادب جهان درخشیدن آغاز کرده، همین نویسندگانند که بآرزوی ادبیات ملی جامه هستی پوشانیده اند این ادبیات از ادبیات بیگانه الهام نگرفته ولی از آن تقلید کرده است از این رود دوره ای که آغاز و انجام آن تقریباً از ۱۸۸۰ تا نخستین جنگ جهانی طول میکشد داستان (رمان) امریکائی شیوه و روشی خاص یافته و نوعی مشخص پدید آورده است.

دگرگونی قرن

نزاع اصحاب مکتب خوش بینی و نخستین واقع بینان این ادبیات که ترجمان احساسات و افکار ملی است از روزی پدید آمده که نویسندگان امریکائی خواندن کتابها را کنار گذاشته و با امریکا و مظاهر آن پرداخته اند «توان» و مکتب صبغه محلی (بهمن کار کمر بسته و برخاسته) اند.

→ تولستوی در نقاشی زندگی و اخلاق و آداب و رسوم مردم روسیه بسیار مهارت دارد و چون عالم الهیات و اخلاق است میکوشد که عقاید خود را به مسیحیت ابتدائی نزدیک کند سومی «الکسی نیکلایویچ تولستوی» Alexis nikoloevitch Tolstoi نویسنده روسی است متولد در «بیکلایوسک» (۱۸۲۲-۱۹۱۰) مولف کتابهای «در طوفان» «بطر کبیر» «ایوان مخوف» احتمال قوی می رود که منظور نویسنده از تولستوی، نویسنده «آناکار نین» باشد.

بدنبال آنان نویسنده‌گان و سپس شاعران امریکا از فکر ازلیت و کلیت بازآمده و همه را دربند شناختن جزئی و فردی درزمان و مکان گردیده‌اند. بشر دیگر مایه سرگرمی آنان نیست آنچه آنان را به اندیشه و تفکر و بحث و امیدارد امریکائی معاصر است از این نهضت بیشتر از آنرو پشتیبانی میشود که بسیاری از نویسندگان جدید بجای آنکه دردانشگاهها یا در کتابخانه‌های خود بسر برند جز روزنامه نگاری کاری ندارند و همه را دربند آنند که برای روزنامه خود اخباری بدست آورند با ظهور (هنری جیمس) Henry James و (ادیت وارتن) آغاز قرن بیستم با آخرین نویسندگان ادیب و دانشمند آشنا میشود برای آنکه ادبیات امریکا بمقام حقیقی خود رسد باید نویسندگانی از باختر امریکا برخیزند یا نویسندگانی پدید آیند که روزگار مردم باختر و سرزمین آنرا بخوبی بشناسند چرا که انگلستان جدید تقریباً جزئی از جهان قدیم است که در کرانه غربی اقیانوس اطلس قرار گرفته و امریکا از آنروی شکفت انگیز است که چمن‌هایی پهناور دارد و شهرهای کوچک و بزرگ.

ولی از دو جهت نویسنده میتواند بشهر و کشور خویش نظر افکند یکی بخاطر آنکه چون شهری بدین زیبایی دارد بخود ببالد و دیگر آنکه زشتی و بدیهای آنرا باز گوید، نهضت نخستین که عبارت از ستایش شهر و دیار باشد از دیرباز در امریکا معمول گردیده است از زمان (سن ژان کروکر) و (واشنگتن) تا زمان (ویت من) و (مارک توان) و (تودر روزولت ۱)

۱- Theodore Roosevelt سائنس امریکائی متولد در نیویورک

نائب رئیس جمهوری امریکا در ۱۹۰۰ و سپس رئیس جمهور در ۱۹۰۱ بر اثر مرگ «ماک کین لی» وی در ۱۹۰۴ دوباره انتخاب شد ۱۸۵۹-۱۹۱۹

و (کوپر) و (امرسن) و (لینکلن) این نهضت نه تنها به ادیبان بلکه به فعالیت اجتماعی و سیاست ملت نیز روح و حرارت بخشیده است ولی آنچه تازه است نهضت دومی یا انتقاد از کشور خویش است این نهضت که از خلال آثار (هوت هورن) به سختی دیده میشود در آثار (سنیکر لوئیس) Sinclair Lewis و (دس پاسس) Dos passos کاملاً هویداست و در سال ۱۹۰۰ با ظهور (هاولز) Howells و نویسندگانی طبیعت پرداز (N-atURAListe) چون (نوریس) Norris (آپ تن سینکلر) Upton و (درایزر) Dreiser رفته رفته صورت و شدتی بخود میگیرد

این نهضت انتقادی با ظهور (ادیت وارتن) و (تودردرایز) theodor و (لوئیس) و (دس پاسس) و (فیتز رالد) Fitzgerald بزرگانی در ادبیات آمریکا پدید میآورد و از این روست که خوانندگان این ادیبان آن را تجلی حقیقی روح کشورهای متحد آمریکا میدانند ولی نهضت دیگر را که ستایش آثار امریکا باشد نباید فراموش کرد از آغاز قرن بیستم و حتی تا امروز (رمان) های احساساتی آمریکا از آنها هستند که بیش از همه مایه گرمی بازار کتاب فروشان می گردند و حال آنکه طبیعت پردازان انگیز و بدبین عیب جوی اجتماع که بعالت هنر و استعداد شخصی یا نفوذی که در تحول ادبی داشته اند بسیاری از صفحات آتی را بیحس در احوال و آثار آنان اختصاص خواهیم داده معمولاً معروف نظر هم میهنان معاصر خود نگردیده اند و یا بخوبی مقاصد آنان فهمیده نشده است و رویهم رفته آثار آنان خیلی کمتر از آثاری خواننده شده است که در تاریخ ادبیات ناچار است اندکی درباره آنها بحث کند.

دوره آشفته ادبی جدید را نویسندگانی چون « ای . و . هاو »

E. w. Howe «هاملن گارلند» Hamlin garland و «آراج، داویس»
 R. H. Davis و «دی، جی، فیلیپس» D. G. Phillips و «ربرت هریک»
 Robert Herrick بوجود آورده‌اند در صورتیکه محبوبیت عامه نصیب
 «بوت تارکینگتن» Booth tarkington و «درتنی کان فیلدفیشر»
 Allen white و «ویلیام آلن وایت» Dorotuy Can field fisher
 William میگردیده است راست است که نویسندگان اخیر بهتر و دل‌اوز
 ترمی نوشته‌اند و مهارت و استعداد آنان از نویسندگان نخست بیشتر بوده
 است ولی این نکته به تنهایی علت محبوبیت و شهرت آنان نیست نویسندگان
 اخیر بیش از همه زندگی سالم و باتقوای روستاها و مزارع را می‌ستوده‌اند
 و حال آنکه، غریزه انتقام‌جوی «ای، و، هاو» و نگاه‌های غم‌انگیز «هاملن
 گارلند» به جهات خنده‌آور و زشت این زندگی توجه کرده است ولی با
 اینهمه «ربرت هریک» فساد اخلاق طبقه متوسط را بر اثر بازرگانی و سود
 پرستی، نقاشی میکند.

داستان نویسنده آمریکایی امروز بدیده ما آدمی بی‌شرم و گستاخ‌می
 آید و اگر نیک‌بنگریم می‌بینیم که آثار «دس باسس» و «فارل» Farrel و
 «کالدول» و از جهتی «همینگوی» همین احساس را در ما بوجود می‌آورند
 ولی غلو در احساسات و ستایش تقوی معمولاً معرف ادبیات آمریکا نیست
 در برابر ادبیات مستهجن و رکیک «کالدول» و «هنری میلر» Henry Miller
 انجمن‌هایی را نباید فراموش کرد که برای دفاع از سنجایی پسندیده و
 تحریم زشتی‌ها و ناپاکی‌هایی بوجود آمده‌اند که سراسر داستان‌های
 «فیتزاولد» و «همینگوی» را فرا گرفته است سینما نیز برای آن ساخته شده است
 که تاحدی از شدت و زندگی «ادبیات سیاه» بکاهد فیلم آمریکایی با تشویق

احساسات « نیکو » میهن پرستی و نمودن پیروزی قهرمان جوان پرهیز کار و تصور شاعرانه از زندگی روستاها و پشیمانی کارفرمای انحصار طلب که در پایان فیلم دست دوستی بسوی کارگران خود دراز میکند، و یا بانسان دادن صحنه های بزرگ تاریخی گذشته ، وارث و ادامه دهنده رمان عامیانه امریکایی است آن زمانی که بشیوه و روش « بوت تار کینگتن » نوشته شده است مبارزه مکتب واقع بینی با این تمایل آمیخته به خوش بینی و احساساتی و با مکعب رمانتیک « Romantisme دو صفت برجسته مکتب واقع بینی را نشان میدهد که یکی توجه روزافزون و غالباً انحصاری این مکتب است به نواقص و معایب تمدن امریکایی و دیگری مخالفت آنست با هر مکتبی که از نظر صورت یا ماهیت در احساسات غلو کند خلاصه با هر چه در آن شائبه وهم و عاطفه شدید و احساسات تند و آتشین باشد سر مخالفت دارد نا گفته نگذیریم که این مبارزه و مخالفت از زمان « اگلستن » Eggleston تا عصر « درایزر » بسیار طولانی و سحت بوده است

در ۱۸۶۱ « رزتری کوک » Rose Terry Cooke یکی از حکایات خود را با اعلامیه ای منتشر کرده بود که میتوان آنرا بیانیه مکتب جدید دانست « داستانی غم انگیز از زندگی پاک و ساده یا تاریخی از اجتماع مردم رعنا و توانگر بشما تقدیم نمیکم بلکه آنچه در دسترس شما میگذارم حکایتی کوچک است درباره زنی که نمیتوانست فدا کار و جانباز باشد. »

ولی وی پایز دائره فکر و نظریه رن نهاده بود هم چنین در عریزه اجتماعی و عیب جوی خانم « بیچراستو » تمایلاتی از مکتب واقع بینی یافته میشود در نهاد « ادوار اگلستن » Edwavrd که در دل دارد نهضی از « واقع بینی » پدید آورد اراده ایست که میخواهد مشکلات راه را از میان

بردارد و سرزمین انگلستان جدید و زندگی مردم آنرا موضوع داستانهای خود کند. در واقع «رمان» های نامی وی که از میان آنها «هوزیه آموزگار دبستان» در ۱۸۷۲ محبوبیتی بزرگ یافته است صحنه هایی حقیقی از شهرهای «اندیانا» Indiana و «اوهیو» Ohio و «ایلی نوا» Illinois و «می نه سوتا» Minnesota را نشان میدهند. با آنکه به احساسات تند و وقایع غم انگیز آمیخته اند. با اینهمه بخاطر واقع بینی عاری از تصنعی که در پاره ای وقایع یافته میشود «اگلستن» را نویسندگان جدید محترم داشته اند (۱).

ولی ادبیات در کشورهای متحد امریکا تنها معلول انقلاب و تحولی عقلی نیست بلکه پیدایش آن بیش از سایر نقاط به انقلاب صنعتی بستگی دارد که باید بعنوان صفتی که مشخص آمریکاست، جنگ های انفصال و جلوگیری از نهضتی که بمنظور اطلاع از سرزمین باختر امریکا و زندگی مردم آن آغاز کرده است بر علت آن بیفزائیم بر اثر بسته شدن مرز این نهضت از میان می رود.

توسعه صنعت بزرگ که مصادف است با دوره مرمت آسیب های جنگ ۱۸۶۵-۱۸۶۰ شوری برای صنعت و کاردردل های امریکاییان پدید آورده که نه سابقه داشته و نه تاریخ از آن پس نظیر آنرا نشان داده است مردم امریکا در طی چند سال شهرهایی میسازند و ترعه هایی میکنند

(۱) از میان داستان هایی که بسبک رئالیسم نوشته شده است داستان «دلایز» زن کوچک» (دختران دکتر مارش ۱۸۶۸) نوشته «لویزامی آلکت» Louisamay Alcott را میتوان نام برد که مسلماً داستانی سیاه و حتی غم انگیز نیست ولی نماینده ترقی و پیشرفتی است که در مطالعه صفات حقیقی از نظر روانشناسی روی داده است.

راه آهن سراسر قاره امریکارا فرا می‌گیرد و مردم ثروت‌هایی هنگفت بدست می‌آورند سفته بازی پادشاه دلها میشود و بساط رشوه گیری و فساد مانند نوعی دستگاه دولتی گسترده میگردد در طی پانزده سال کشور تازه و دمکرات کشور میلیونرها میشود ولی در همین زمان مرز امریکابه کالیفرنیا میرسد و سراسر قاره بتصرف شمال می‌آید از این پس دیگر از مهاجرت بسوی باختر امریکا سخنی بمیان نمی‌آید مهاجرتی که تاکنون صفت مشخص اجتماع امریکائی بوده است و به هر کس که در خود یارای بخت آزمائی را میدیده آن نیرو را می‌بخشیده است که دل، بدریازند و راه سفر بیش گیرد و با کار و کوشش و تهور ثروتی کسب کند از این پس هیچکس جز با پول توانگر نمیشود زمین های باختر طالع و سر نوشت همه را از جهت کسب ثروت یکسان میکرد و همینکه این زمینها به عده منحصر گردید امریکا ننگین ترین و انقلابی ترین کشوری شد که در آن ثروت ها بنحوی نامساوی تقسیم شده بودند و این همان موضوعی است که پاره‌ای نویسندگان که از آن جمله اند (وری. هاولز) و «اج. آدامس» H. Adams (در یگانه داستان خود «حکومت ملی») و «ف نوریس» و «آر. هر یاک» و غیره نخستین امریکائیهایی بوده اند که بدان توجه کرده اند و در اجتماعی که بر اثر احادیث و سنن ملی از سر نوشت خود راضی است این نویسندگان نخستین کسانی بوده اند که معایب و مفساد آنرا بدیگران باز گفته اند.

۲- «ویلیام دین هاولز» William Dean Howells (۱۸۳۷-۱۹۲۰) نیز مانند «توان» در باختر بدنیا آمده و علم را در مدرسه نیاموخته بود، طابع کتاب و روزنامه نگار بود ولی در همان وقتی که «توان» با نیروی ظرافت طبع و قدرت استعداد و هنر خویش محبوبیتی در دلها می

یافت «هاولز» در دو مجله مشهور ادبی، از مکتب واقع بینی دفاع می‌کرد این دو مجله یکی «اتلانتيك» The Atlantipue بود و دیگری «هارپرز» Harpers که از ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۱ وی در اولی که در شهر «بستان» منتشر میشد بعنوان منشی سردبیر کار می‌کرد و در دومی که در نیویورک انتشار می‌یافت بعنوان سردبیر در مجله اخیر است که بر اثر مطالعات ماهانه و وانتقاد از کتابهای رائج نفوذی در ادبیات دست آورده وی از نظر مکتب واقع بینی درباره این کتابها بحث می‌کرد

«هاولز» همیشه پرستنده حقیقت عریان و سادگی بود و در همان داستان نخست خود چنین نوشت .

«آه! حقیقت ناتوان! آیا می‌توانم از لذتی که چهره زشت و زننده تو در من ایجاد می‌کند بدیگران نصیبی دهم؟»

بر اثر نفوذ «تولستوی» که استاد و راهنمای او در نویسندگی بود مکتب واقع بینی را شعار خود قرارداد .

اگر از حق نگذریم مکتب واقع بینی وی مکتبی معتدل بود نه از آن نظر که «هاولز» شهادت ادبی نداشت چه برای اثبات شهادت خود از دسته‌ای از «انارشیزست» ها دفاع کرد که بعقیده وی بناحق محکوم به مرگ شده بودند و هم چنین الحاق فیلیپین را به امریکا صلاح ندانست و از درون شهر ارتجاعی که تابعیت خود را به او داده بود افکار اشتراکی و ایمان خود را به آینده‌ای که در آن تساوی اقتصادی حکم روا باشد می‌محاسبه اظهار داشت ولی او را طبعی احتیاط پیشه و طبیعتی عفیف بود و افکار و

عقاید «زولا» را نمی‌پسندید صحنه‌های معمولی داستانهایش، تالارها و مهمانخانه‌ها و عرشه کشتی‌هاست و هیچگاه بوقایعی نمی‌پردازد که در خوابگاه‌ها و زیرزمین‌ها و انبارهای تاریک و آلوده کشتی‌ها روی می‌دهد قهرمانان داستانهای وی بمحیط نویسنده تعلق دارند بمحیطیکه با تواضع و ادب و آرامش آمیخته است.

امروز آثار او را کم می‌خوانند شماره این آثار اعم از داستان و وقایع سفر و مقالات انتقادی و خاطرات تقریباً بالغ بر ۸۰ میشود و علت آن این است که با وجود ظرافت سبک «هاولز دقیق و هنری می‌نوشت» این آثار کمی مبهم بنظر می‌آیند و اگر وی نخستین کسی است که صحنه‌هایی واقعی از زندگی مردم امریکارا نقاشی کرده است باید گفت که این صحنه‌ها دیگر زندگی جدید امریکارا مجسم نمیکند شاگردان و پیروان وی نه

۱- (Emile) Zola داستان نویس فرانسوی متولد در پاریس، رئیس مکتب طبیعت پردازی، مؤلف سلسله انتشارات «روگن ماکار» افکار علمی وی غالباً راه جدل و بحث را باز می‌گذارد ولی انشاء او دلکش و سبکش پر استعاره و غالباً غنائی است و استعدادی عجیب در نقاشی وقایع و اوضاع اجتماعی دارد (۱۸۶۰-۱۹۰۲)

«روگن ماکار» «تاریخ طبیعی و اجتماعی یک خانواده است در زمان امپراتوری دوم» «بلن وال» در تاریخ ادبیات فرانسه درباره «زولا» چنین می‌نویسد «هنر زولا آنست که به بهترین وجه ممکن اما کن عمومی و مردمان آنها را نقاشی میکند وی هوای مست کننده محافل، جشن‌ها و عیاشی‌ها و ترس‌ها و خونخواری‌ها و فریادهای جماعات و فجایع باده‌خواری و معایب رامی‌نویسد و چنانکه ویکتور هوگو در کتاب «نتردام دوپاری» کرده. بخواننده احساس فعالیت تب‌آور و کار خسته کننده و لذت مستی یا لطفی را منتقل میکند که از زندگی در کارخانه بایک مغازه بزرگ یا بیک معدن یا بازار پاریس یا از یک میگده یا از یک باغ و... ناشی میشود.»

تنها از نظر پیروی از مکتب واقع بینی و نقاشی حقیقی مناظر از او جلو افتاده اند بلکه آثار و احوال اجتماعی را می نویسند که به اجتماع ما بسیار شباهت و نزدیکی دارد. از این رو عظمت و غم انگیزی «هاولز» بخاطر آنست که شاهد دقیق و غمناک انقلابی بوده است که در زمان وی روی داده وی می بیند و می فهمد که همان امریکائی که جوانی خود را در آن گذرانده یعنی امریکای آرمان پرست و خیال پرور از آرزوهای شیرین خود دست برداشته و در زیر قدرت و تسلط پول قد خم کرده است در همان وقتی که معاصرانش از تشعشع زرین آفتاب سعادت و خوشگذرانی خیره شده اند وی آن شایستگی و استعداد را دارد که بیعدالتی ها و ظلم ها و شرمساری ها و آزمندهائی را پیش بینی کند که از این سعادت ناشی میشوند و هنوز وی نخستین کسی است که بر اجتماع صنعتی و پرمشغله جدید خرده می گیرد ولی دیگر پنجاه سال از عمرش میگذرد و نیمی از تالیفش نوشته شده است بر این فکر در این تالیف اختلافی عجیب روی میدهد

در قسمت اول که مشهورترین عناوین آن عبارتند از «آشنائی اتفاقی» ۱۸۷۳ «تقاضای جدید» (۱۸۸۲) «طلوع سیلاس لافام» (۱۸۸۴) وی خود را نویسنده حقیقی صفات و آداب و رسوم نشان می دهد این آثار و تألیفات همیشه زنده و بارور اند زیرا صفات حقیقی هیچگاه تغییر نمیکنند ولی آداب و رسوم از میان می روند و از آداب و رسوم يك اجتماع آرام و وثابت امروز دیگر اثری بجا نمانده است در آثاری که پس از ۱۸۹۰ منتشر میشوند «تصادف ثروت های جدید» «آنی کیلبرن» «جهان اتفاق» «مسافر آلتروریا» «از سوراخ سوزن» وی سر آن دارد که اجتماع جدید را نقاشی کند ولی اینکار از او ساخته نیست چه وی چون شاهدهی که

کنار ایستاده باشد به اجتماع می نگرد و خود از کشاکش و سختی های آن بهره ای ندارد و از همین روی داستان های اجتماعی او عاری از لطف و حقیقت است انتقاد فقط از طریق مکالمه و بحث انجام گرفته و آشکار است که قوت آن از انتقادی کمتر است که اعمال اشخاص را چنانکه هست نشان میدهد و وی بجای اینکه مانند «درایزر» زندگی قهرمانان داستان های خود را با معایب و محاسن نقاشی کند تنها در مکالمات آنان انتقادی از مفاسد اجتماع بمیان می آورد این قهرمانان معایب و زشتی ها و اجحافات را فاش میکنند ولی از طرز پیدایش و تغییر خلاصه از زندگی در آنها سخن نمیگویند «هاولز» در آثار خود به پیری دانا مانند است که وقایع جهان را با تجارب جوانی خود می سنجد یا بمسافری ماند که از تغییراتی بشگفتی فرو میرود که در غیاب وی در دهکده اش روی داده یا اگر بهتر بگوییم به فرستاده ای از کشوری خیالی شبیه است که از آنچه در جهان واقع می بینید تعجب میکند

۴ - عشق تاریخی

امریکائی که با قدرتی روزافزون در صف ملل بزرگ جامی گیرد احساسات ملی یا حس جهانگیری اش که بر اثر توسعه صنعتی و جنگ پیروزمندانه با اسپانیا و الحاق جزائر «فیلیپین» برانگیخته شده است او را وامیدارد که گذشته ای تاریخی برای خود بسازد، اگرچه این گذشته از دیگران باشد. در آخرین سالهای قرن ۱۹ تاریخ های افسانه آمیز در کشورهای متحد امریکا شهرتی عجیب بدست آورده اند اکنون که روزگار گذشته سپری شده و امیدی بیاز گشتن آن نیست نویسندگان خوش دارند که زیبایی و مزایای زندگی خانوادگی برزگران جنوب را

پیش از جنگهای انفصال (جی . و . کی بل) G. W. Cable (پی . ج)
 Page « جی . سی . هاریس » J. C. Haris و شیوه استعمار فرانسه
 را در دره « می سی سی پی » (لاپارکمن) Parkman « می . فی . وولسن »
 C. F. Woolson . « اچ . ام . کاترود » A M Catker Wood و
 اشراف دوره انقلاب « اس . و . می جل » S. W. Mitchell و کالیفرنیا
 و اسپانیا را « خانم . اچ . اچ . ژاکسن » H.H Jackson کتاب (رامنا)
 ۱۸۸۴ توصیف کنند این دوره به « بن هر » Ben Hur (۱۸۸۰) و ژنرال
 « لووالاس » Lew Wallace و « ام . بوکر » M. Beaucaire (۱۹۰۰)
 و « بوت تارکینگتن » تعلق دارد کلیه این تاریخهای افسانه آمیز بسبکی
 کهنه نوشته شده اند و سینما بانمایش داستانهای احساساتی « می . پی . روم »
 E. P.. Roe و « فرانسیس ماریون کروفرد » Francis marion Crow
 ford (۱۸۵۴-۱۹۰۹) نویسنده ای که آثارش را مردم بیش از همه میخوانند
 از محبوبیت عامه سهمی می برد موفقیت های این بازرگانان ادبیات که از
 راه آسان نویسی و توصیف مناظر نیکو و زیبای زندگی و جهان ، بدست
 آمده نشان میدهند که تاجه اندازه مردم برای ادراك و قبول عقاید پیروان
 مکتب طبیعت پردازی نامستعد و ناورزیده بوده اند « کروفرد » از مسائل
 اجتماعی یا مسائلی دیگر وحشت دارد و مکتب واقع بینی و حتی آن عقیده
 را مسخره میکند که کلیه آثار اماریکارا زیبا و پسندیده میدانند و ی صفحه
 های کتاب های خود را از کشور بوهام و انگلستان و آلمان و ایتالیا و کشور
 خود متساویاً بوا میگرد محبوبیت و موفقیت اش ناشی از همان علتی است
 که امروز غبار فراموشی براو و آثار او افشانده است و آن علت ، کهنه
 پرستی است .

۴- «استفن کرین» (۱۸۷۱-۱۹۰۰) Stephen Crane پیشرو حقیقی نویسندگان جدید «استفن کرین» است که دو داستان مهم خود را در سن بیست و دو و بیست و سه سالگی می نویسد و در سن ۲۹ به مرض سل میمرد و ی که ذکا و استعدادی حقیقی دارد بپنهانی بی آنکه نفوذ کسی را بپذیرد در همان وهله اول بایجاد روش و طرحی در سخن و نگارش موفق میشود که از آن پس متداول گردیده و عبارت است از : داستان واقعی و دقیق تمسخر خشک و پنهانی و پر از کنایات زهردار و آنچه جبر تقدیری یا ظاهر واقعیت نام دارد : از احساسات نویسنده در کتاب اثری دیده نمیشود و قهرمانان آن مانند قهرمانان «همینگوی» باشخصی شبیه هستند که به حوادثی گرفتار می آیند ،

سبک موجز و روشن شبیه به صورت حسابی ساده ، غالباً مزین به استعاراتی که هر چه غریب تر و صریح ترند لطف و زیبایی آنها بیشتر است خواننده را بفکر «استندالی» (۱) می اندازد که شاعر تر و غم انگیز تر باشد .

۱ - Henri Bayle stendhal نویسنده فرانسوی متولد در «گرابل» مؤلف «صومعه پارم» و «سرخ و سیاه» وی روانشناسی ماهر است و تخیلی قوی و پرهیجان دارد (۱۸۴۲-۱۷۸۳) در کتاب سرخ و سیاه خود روانشناسی جوانی حریص و بی شرم را مطالعه میکند که برای سرهنگ شدن در زمان ناپلئون آفریده شده است و بر اثر پیش آمد ناچار میشود از شغل نظامی چشم پوشد و در سلك اباء کنیسه در آید این جوان بی آنکه زهد و تقوی یا اخلاقی پسندیده داشته باشد بالای دار میمرد . «صومعه پارم» این نویسنده مطالعه ای در آداب و رسوم مردم ایتالی است «استندال» را که نویسنده ای کنجکاو و دقیق و متخصص شناسائی مشتهیات از «فعالیت» و «عشق» است «تن» و «پول بورژوا» ستوده اند

داستان «ماجی» Maggie دختر هرجائی، زندگی کوتاه و وحشتناک دختری از خانواده‌های کارگر نیویورک را نشان میدهد - برای نخستین بار بدبختی و پیاده‌رو، کلبه تاریک و چرکین در ادبیات با زبان خاص خود وارد میشوند. این کتاب از اظهار شفقت و رحیم عاری است و از آن درس اخلاقی فهمیده نمیشود و به شرح و تفسیر نیاز ندارد و - بر اثر همین امر، تلخ و غم انگیز است.

از نظر دقت و طرح داستان به نمایشنامه‌ای ماند که برای تماشاخانه نوشته باشند با ماعایی که این نوع نوشته‌ها دارند که صحنه‌هایی یکنواخت را نشان میدهند در خانه این مردم تنگدست و بی‌نواباندازه‌ای ظرف و کاسه می‌شکند که اگر باز طرفی برای شکستن باشد خواننده تعجب نمیکند ولی رویهمرفته این کتاب فاقد نکات روانشناسی نیست «هاولز» در همان وهله نخست شیفته آثار «کرین» میشود - اینهمه داستان وی چندان خواننده‌ای ندارد و چون خشک و عاری از احساسات نوشته شده است پسند دل مردمان عاشق و پیشه و خیال‌پرور و اشخاص برجسته و محافظه کار نیست ولی با کتاب «پیروزی شجاعت» «واقعهای از جنگ داخلی» «کرین» موقعیتی بدست می‌آورد و میتواند به اندازه گرسنگی غذا بخورد ولی افسوس که دیر شده است و سلامت او دیگر باز نمیگردد.

این کتاب (که انگلیسی آن «نشان سرخ شجاعت» است The Red Badge of courage) واقعاً از نظر تخیل بسیار دلربا و زیباست و نخستین کتاب و شاید واقعی‌ترین داستانی است که کیفیت جنگهای جدید را نقل میکند و حال آنکه «کرین» هیچگاه به نظام وظیفه نرفته و از صحنه‌های جنگ خبری نداشته است همچنین این کتاب از نظر روانشناسی

سیار دقیق و ماهرانه است. بسیاری از کسانی که در جنگهای انفصال یا در جنگ جهانی شرکت کرده اند درست مانند آن روستائی جوان بوده اند که برای جنگ آتش اشتیاق در دلش افروخته میشود و داستانهای خیالی میسازد که پس از بازگشت آنها را برای دیگران نقل کند. همینکه بمیدان جنگ و خط آتش می رسد ترس سرپای وجودش را فرامیگیرد و چون اشخاص پست و سست عنصر پا بفرار میگذارد ولی دوباره بمیدان باز میگردد تا از خونریزی و کشتار سرمست شود برای نخستین بار در ادبیات، جنگ از زیور و آرایش قهرمانی و افسانه ای خویش عاری میشود و از چهره حقیقی و وحشتناک خود پرده بزمیگیرد ۱ ولی بالینهمه «کرین» هوادار عقیده ای نیست قضا یا وقایع را بدرستی در نظر میگیرد و به معنی حقیقی دلاوری پی میبرد اگر قهرمان داستان وی نخست مردی ترسیده و بددل است که در میان اشخاصی چون خود قرار گرفته و پا بفرار میگذارد و اگر تمسخری زهر آلود در این واقعه نهفته است که وی بعزت آنکه در میان هرج و مرج و درهم ریختگی دسته ها از دست گریزنده ای دیگر رخمی برمیدارد شائسته تحسین میشود. سرانجام میتواند گروهان خود را بجنگ وادارد «کرین» درباره جنگ که خود هیچگاه در آن شرکت نداشته است. تخیلاتی واهی ندارد و بی آنکه به جنگ رفته باشد میدانند که در جنگ چگونه حس غرور و جانبازی بیدار میشود.

(۱) در آغاز قرن کنونی «آمبروز بیرس» Ambrose Bierce تخصصی در نگارش داستانهای وحشتناک در باره جنگهای انفصال بدست آورده بود. هنروی آن بود که میتواند محیطی از وحشت در برابر دیده خواننده مجسم کند ولی داستانهای او فقط ترسناک اند و هیچ فکری برجسته در آنها دیده نمیشود.

انشاء کتاب‌های وی غالباً اندکی آشفته و مغشوش است و صحنه‌ها چون صفحات البومی که ورق‌زنیم به سرعت جانشین یکدیگر میشوند و گاه‌گاه نیز یا خواننده نمیداند اکنون در کجاست و چه می‌بیند و یا چنین احساس میکند که منظره‌ای را که سابق دیده است اکنون از حتمی دیگر بدان می‌نگرد، مخالف با جهت اول، ولی اگر سن‌نویسنده وضع او را در نظر گیریم که خبر نگاری تحصیل نکرده ولی نابغه بوده است باز از لطف و جذابیت مجموعی داستان کاسته نمیشود

۵ - عیب جویان Muckrakers

چون هدف واقع‌بینی آنست که زندگی را چنانکه هست ادراک کند یعنی با سختی و تلخی یا با یکنواختی و ملال انگیزی، ممکن است شخص را به سه نظریه مختلف راهنما گردد، یکی واقع‌بینی دینی است که زشتی‌ها و ناپاکی‌ها را زاده علتی میداند و مصائب و بلایای بشری را به دلیلی نسبت میدهد و درباره سیر تاریخ نیز به مشیت‌ی الهی قائل است و دیگری خوش‌بینی انقلابی است که علل بدبختی و مصائب را نتیجه سازمان غلط اجتماع می‌پندارد و امیدوار است که تغییر اوضاع اجتماعی آن مصائب را از میان بردارد. سومی نومییدی صرف و رضا بقضاست. ادبیات امریکای جدید کاملاً از نظریه نخست بی‌خبر است چرا که دو مفهوم اساسی و حقیقی مذهب را از دست داده است که یکی مفهوم ماورالطبیعه باشد دیگری مفهوم گناه، دو نظریه دیگر بنحوی طبیعی و معمولی به تنأوب در ادبیات بمیان آمده‌اند نخست خوش‌بینی ظاهر گشته و سپس نومییدی جانشین آن گردیده است بهمین دلیل است که «استفن گرین» همان جوانی که روحش چون روح مردی پیر و جهان‌دیده و باتجربه از وهم و پندار عاری است به «فیزالد» و «پاسس»

از نظر فکر نزدیک تر است تا به معاصران خود که نمایندگان آنان «فرانک نوریس»، «جاک لندن» و «اپتن سینکلر» بوده و امید داشته اند که با نیروی کار و کوشش بشر را از بدبختی و سختی برهانند.

در واقع کشورهای متحد امریکا با شور و هیجان و امیدهای بزرگ وارد قرن بیستم میشوند پادشاهان پول از امثال «مرگان» Morgan و «راکفلر» Rockefeller و «کارنجی» Carnegie حسی برای توسعه ثروت و قدرت خود قائل نیستند زمامداران سیاسی نیز به سر نوشت ملتی جوان که به آسانی و آسودگی بر جهان غلبه می یابد اطمینان دارند جوانان و پیروان افکار نو با سرمایه داری و آزادی ناشی از این سرمایه داری مخالفند افکار جدید نیز برای هر یک از دو نظریه دلائلی متقن فراهم میکند مکتب داروین Darwinisme پیروزی قوی و نابودی ضعیف را قانونی طبیعی میداند و «امپریالیسم ۱» «کیپلینگ ۲» بشر سفید پوست را حامی و مبتکر تمدن می شناسند و رهبری و اداره نژادهای عقب افتاده را برعهده او میگذارد برعکس مکتب اجتماعی Socialisme ستمدیدگان را نوید میدهد که از سود ثروت ها و ماشین های که موقه بدست سرمایه داران

۱- Imperialisme - بمعنای خاص عقیده ای را گویند که موافق با امپراتوری باشد و بمعنای عام، فرضیه ای سیاسی است که میخواهد روابطی را محکم تر کند که انگلستان را به مستمرات خود می پیوندد و بر قدرت بریتانیای کبیر می افزاید، و همچنین میل به توسعه و جهانگیری را نیز میتوان «امپریالیسم» نامید اینجا لغتی فارسی که برای آن قابل پیشنهاد باشد «مکتب جهانگیری» است.

۲- Rudyard kipling نویسنده و شاعر انگلیسی متولد در بمبئی (۱۸۶۵-۱۹۳۶) اثر بدیع و پرهیجان وی (کتاب جنگل و غیره) تجلی حس جهانگیری (امپریالیسم) نژاد انگلوساکسن است.

افتاده است برخوردار خواهند شد پیروان هریک از این دو مکتب آرزوهای بزرگ در دل دارند و امروز عصری شده است که بزرگان علم و ادب طرفداری آرمانی بزرگ را دین و آئین خود شناخته اند و با کار و کوشش حتی بازور و تعدی می خواهند بدان جامه هستی پوشانند از این نظر «نوریس» و «لندن» و «سینکالر» و دیگران از «عیب جویان» به همان شاهان سرمایه که با آنان مبارزه می کنند شباهت دارند چرا که این نویسندگان نیز مانند دشمنان خود صاحب عظمت و احترام اند.

عیب جویان یا «مکریکرز» **Mckrakers** نویسندگان و خبرنگاران را گویند که شغل و وظیفه خود را افشاء معایب و مفاسدی دانسته اند که پس از پایان جنگهای انفصال در دستگاه اقتصادی امریکا راه یافته این معایب چنانست که معایب «پاناما» **Ranama** و سایر مفاسد افسانه های فرانسه در برابر آنها بسیار ناچیز است در کشورهای متحد امریکا، رشوه و اخذ وجه به تهدید و کلاه برداری چنان به سرعت و چالاکی پیش می رود که نویسندگان با آنکه بسختی باین قبیل کارها مخالفند باز بستایش کسانی لب می کشانید که بدین مهارت کلاه برداری و دزدی را پیشه خود کرده اند عنوان یکی از داستان های اجتماعی «درایزر» که او را نیز میتوان در جمع «عیب جویان» بشمار آورد «غول» است.

بعلت معاصر بودن، نویسندگان تاریخ ادب امریکا خواسته اند که «نوریس» و «کرین» را هم پایه و هم فکر داند ولی آنچه در این دو مشترک است همان معاصر بودن است حوادث مرگ این دو شاید بتواند علت اختلاف عمیق آنها را بیان کند «کرین» که از بیماری زار و ناتوان بوده هیچگاه روی خوشی و جوانی را ندیده است. «فرانک نوریس» (۱۸۷۹-۱۹۰۲)

که بر اثر ورم ضمیمه‌اعور (Apendicite) می‌میرد هیچگاه به ضعف و پیری نرسیده است از نظر نویسندگی « کرین » طبعاً از مکتب طبیعت پردازی پیروی میکند و از مکتب رمانتیک بیزار است اگر « هاولز » و « زلا » هم نمی‌بودند باز او در نویسندگی همین سبک را داشت، و شاید هم آثار ایندو را هرگز نخوانده باشد با ظهور « نوریس » مکتب طبیعت پردازی دنباله مکتب رمانتیک میشود و « زلا » آفریننده آن میگردد (کرین) هنروری است که مسائل سیاسی و اجتماعی را خارج از عرصه کار و هنر خود میداند (نوریس) مسائل هنری را مسخره میکند (که در بند سبک زیبایند ، در سال ۱۸۹۹ می‌نویسد ، مادیات نمی‌خواهیم ، طالب زندگی هستیم) و فکر او متوجه (بزرگ ، وحشتناک ، و مدهش) است .

میل به عظمت و طرح موضوع بزرگ او را به نگارش سه جلد داستان و میدارد که فقط قسمت اول آنرا (حیوان ناعمه) (۱۹۰۱) توانسته است پایان رساند این داستان میبایستی ماجرای گندم و کاشتن آن در مزارع پهناور « کالیفرنیا » و حمل و نقل آن در نواحی بزرگ امریکا و مصرف آن را بوسیله جمعیت های اروپا ، بیان کند « حیوان ناعمه » شبکه آهنین امریکائی است که بوسیله سرمایه داران آزمند و دیوسیرت ، عوارض گمرکی کمرشکنی بر بزرگان شجاع باختر تحمیل میکنند ، کتاب (حیوان ناعمه) کتابی است ، منسوخ و طولانی و خسته کننده که جزئیات را کاملاً شرح میدهد ولی نفوذ آن بسیار بزرگ بوده است « نوریس » حتی در فکر و روحیه قهرمانان کتاب های خود طریقه ای را پدید آورده است که در ادبیات آنرا بنام طریقه « سیاه » خواننده اند ، این طریقه را بسیاری در پیش گرفته اند ، قهرمانان مرد داستان های « نوریس » صفاتی

خشن و شهوی دارند و سخت لج بازند ولی قهرمانان زن نیز دخترانی
 فربه و گوشت آلودند که خوی حیوانی و عادات بشر اولیه را می پسندند
 بهترین کتاب او همان کتاب نخستین اوست بنام « مك تك » Mc Teague
 این کتاب ماجرای پرهیجان مردی است که رفته رفته صفات پسندیده انسانیت
 را از دست میدهد، سر نوشت این مرد شاهدی غم انگیز از خونخواری و
 پلیدی اجتماعی است که سودپرستی را پیشه خود کرده است این کتاب
 وقایع را حقیقی تر از کتاب «حیوان ناعمه» توصیف میکند و منطق نویسنده
 در آن قانع کننده تر است چرا که تنها به توصیف و تشریح مناظر و قضایا
 اکتفا میکند و از خود عقیده و رایی نمی آورد.

بهترین نمونه نویسندگان مکتب «خوش بینی انقلابی» اپتن
 سینکлер است اکنون مدت پنجاه سال است که وی پرده از روی زشتی ها
 و ناپاکی های اجتماع برمیدارد و توانگران و سرمایه داران را بتروییج
 فساد و عیب متهم و محکوم میکند و آنان را بدار می آویزد و به چهارمیخ
 میکشد و هنوز شجاعت خود را از دست نداده و امیدوار است که «بزودی»
 استقرار مرام اجتماعی (Socialisme) عصر طلایی را همراه خود بیاورد
 وی در ۱۹۰۶ شهرت خود را با کتاب « جنگل » بدست می آورد که در
 آن با شدت و شهادت به استثمار ننگین کارگران بوسیله شاهان گوشت
 «شیکاگو» Chicago حمله میکند و سپس در کتاب « صرافان » ۱۹۰۸
 از روی نیرنگ، و معایب بانک بزرگ پرده بر میگیرد و در کتاب « پادشاه
 زغال » ۱۹۱۷ مفاسد شرکت های استخراج زغال سنگ و در کتاب « نفت »
 ۱۹۲۷ قدرت شوم شاهان نفت را گوشزد میکند شماره این کتابها بسیار
 فراوانست که بناچار از ذکر همه چشم می پوشم خلاصه وی هیتلر Hitler

و « مونیخ » Munich و . . . را نیز از زخم زبان و خرده گری معاف نمیدارد هم اکنون نیز میدان مبارزه را ترك نکرده است و تبلیغات خود را دنبال میکند چرا که « سینکلر » اهل تبلیغات است و آثار وی نیز بصورت يك سلسله همچونامه است ، ذوق و استعداد او سرشار است و کتاب هایش نیز خالی از قدرت تاثیر نیست « روزولت » اول او را نزد خود میخواند و انجمنی برای تحقیق فراهم میکند و دستور میدهد برای حذف باره از نکات زننده کتاب های « سینکلر » قانونی بگذرانند با اینکار بحث در آثار « سینکلر » بهمه تاریخ واگذار می شود پیروان مرام اجتماعی کاملاً مطمئن نیستند که وی مانند آنان باشد و نویسندگان نیز متفق اند که وی چندان ادیب و نویسنده نیست چرا که داستانهایش اخباری مغرضانه و تحقیقاتی است که يك جانبه انجام گرفته و از ابداع و عظمت فکر دقیق عاری است .

« جاك لندن » (۱۹۱۶ - ۱۸۷۶) نیز خود را پیر و مکتب اجتماعی میدانند ولی مخصوصاً مروج زندگی ابتدائی حیوانی است و این امر با عقیده پیروان مکتب اجتماعی تناقض دارد چون جوانی را با سختی و ناکامی گذرانده است سوگند میخورد که از اجتماعی انتقام ستاند که او را بتحمل رنج و مشقت واداشته است . از آنجا که خود در تنگدستی و نداری بسر برده از زندگی فقیران بخوبی آگهی دارد از آن گذشته چون خبرنگاری صادق است آنچه نوشته بدرستی بدان پی برده و آنرا شناخته است : دریا و قایق ها ، کوچه ، رودخانه ، گرسنگی ، دشت های پوشیده از یخ آلاسکا Alaska ، مسافرت های روی سقف واگن ها ، باده خواری ، روزهای نوزده ساعت کار شدید ، همه اینها مناظر و مصائبی است که دیده یا بدانها گرفتار

آمده کتاب «مارتن ادن» Martin Eden (۱۹۰۹) که کوشش‌هایی ترسناک را نقل میکند که بیاری آنها ملاحی ساده‌درطی سه‌سال نویسنده‌ای شهیر میشود، سرگذشت خود نویسنده است کتاب «جان بارلی کرن» John Barleycorn داستانی واقعی و مؤثر از مجاهدات «لندن» با شراب خواری است ولی چون نویسنده‌ای نامدار میشود پی می‌برد که بهترین انتقامی که از جامعه باید بگردد آنست که جیب‌های خود را از پول پر کند از این رو با ذوقی که به نقل حوادث پر آشوب و ناگهانی دارد محبوبیتی بزرگ نزد معاصرانش که تشنه احساسات تند و آتشین اند بدست می‌آورد و ترجمان این احساسات میشود

«جاك لندن» که بر اثر خستگی و افراط در سن چهل سالگی می‌میرد آناری فراوان از داستان و حکایت از خود بجا می‌گذارد مشهورترین داستانهای او یکی «ندای جنگل» ۱۹۰۳ و دیگری «گرگ دریاهاست» ۱۹۰۴ کتاب اخیر خونخواری و بیرحمی شیطانی يك ناوبان را بیان میکند و کتاب اول سرگذشت سگی است بنام «بك» Buck که او را برای کشیدن سورتمه به آلاسکا آورده‌اند ولی از دست بشر می‌گریزد و سردهسته‌گرگان وحشی میشود، مانند کلیه سرگذشت‌های حیوانات، حکایت چنان است که احساسات و عواطف حیوانات را تا حدی نقاشی میکند ولی در تجسم صحرای یخ‌زده و رغبت به استقبال خطر و جستجوی حادانه کوشش بسیار بکاررفته است علاقه نویسنده و مردم معاصرش بدین زندگی ابتدایی تنها بصورت ظاهر باعلاقه بگذشته‌ای خیال‌انگیز و زیبا تناقض دارد، چرا که زندگی خانه‌بدوشی و جنگهای تن‌به‌تن و صحرای خشک و لم‌بزرع هنوز هم پناهگاه خیالی اجتماعی است که در آن ظاهرأ

بول یگانه مایه زندگی است ولی در نهاد (لندن) زور پرستی و بی خبری از راز تمدنی سرشته شده است که در برابر مناظر با عظمت خود و پادشاهان بول و صنعت سرفخر بر آسمان می ساید: قهرمانان داستان های وی همگی هوس باز و عاشق پیشه اند و چون حس خود پرستی یگانه محرك آنان است برای ارضاء تمایل خود بهر حيله که باشد راهی بدست می آورند بسی آنکه به شکنجه وجدان و پشیمانی گرفتار آیند، آنکه قوی تر از همه است شاهد پیروزی را در آغوش میکشد چه میتوان کرد: قانون چنین است فلسفه قهرمانان «درایزر» نیز جز این نیست خود خواهان او با «لجبازان» «جاك لندن» از نظر نژاد و تبار برادرند تنها اختلاف در اینست که برای احراز موفقیت عضلات خود را بکار میبرند و آنان رشوه (تاجر پول غول) یا آدم کشی (حادثه غم انگیز امریکائی) را وسیله نیل به مقصود قرار میدهند.

۶- هنری جیمس (Henry James) ۱۸۴۳ - ۱۹۲۰

«هنری جیمس» نویسنده ایست که از نظر فکر و عقیده خود فرداست آرزوها و تمایلات قرن در افکار و عقایدش یافته میشود ولی او بدانها جنبه ای بسیار عالی داده است.

«جیمس» چنان از زندگی امریکائی بیزار میشود که از وطن بطیب خاطر مهاجرت میکند و سپس در ۱۹۱۵ تابعیت انگلستان را می پذیرد ولی آنچه از آن گریزان است شرائط اقتصادی و اخلاقی نیست چرا که از همان آغاز جوانی از دستبرد احتیاج در پناه است و بخوبی میتواند زندگی خود را وقف عشقی کند که بهر دارد وی از بیعدالتیهای اجتماع گزندگی ندیده ولی چون هنرور است از فقدان هنر رنج برده و چون از نظر اخلاق و منش اشرافی است فقدان محیطی که مانند گذشته اشرافی باشد او را

بفرار و مهاجرت واداشته است جیمس در این باره مینویسد

(گل هنر جز در خاکی بر هم انباشته نشکفتد تاریخ بسیار لازم است تا کمی ادبیات بوجود آید)

فقط در انگلستان میتواند آن خاکی را بیابد که بر اثر گذشت قرون بر هم انباشته گردیده است فقط در آنجا است که رائجه انجمنهای ادبی و هنری بمشام میرسد و آن القاب قدیم یافته میشود که وی مشتاق آنها است.

ولی با این همه «جیمس» خود نیز واقع بین است مهاجرت وی از وطن برای فرار نیست و آنچه در کتاب خود نقاشی میکند قسمتی از اجتماع امریکائی است، آن قسمت از اجتماع که مردم آن توانگر و بیکار یا بعبارتی دیگر منحط و فاسداند و مدتها در اروپا میمانند (غالباً وی رفقای امریکائی خود را که در اروپا هستند برای موضوعهای کتاب خویش انتخاب میکند) ولی کاملاً امریکائی هستند و این قسمت را با علاقه ای که به درستی ودقت دارد، نقاشی میکند چرا که آرزوی او آنست که دامنه تحقیق را از صفات کلی و عمومی بالاتر برد و بکشف صفاتی دست یابد که اشخاص را با یکدیگر (متفاوت) میکند،

واقع بینی او از این هم دقیق تر است مانند (زلا) میخواهد داستان هائی علمی بنویسد ولی عقیده وی درباره علم با آنچه (زلا) می اندیشد تفاوت دارد بنظر (جیمس) (علم) برای نویسنده آن نیست که در ادبیات از علم پزشکی یا شیمی بحث کند بلکه باید تجزیه و تحلیل ادبی را به صورت علم در آورد، هر موضوعی که باشد مشکلی پیش میآورد که باید بحل آن همت گماشت مثلاً:

وضع یا منظره ای را در نظر میگیریم و میپرسیم عکس العمل قهرمانان داستان در برابر این وضع چیست؟ این عکس العمل ها باید بخودی خود فاش شوند بی آنکه نویسنده در این باره مطلبی اظهار کند خواننده از خلال تجزیه و تحلیل دقیق عواطف و احساسات و از پرسشهایی که قهرمانان از خود میکنند و همچنین از مطالعات و کنایات و اشارات آنان باید بکیفیت و ماهیت این عکس العمل ها پی برد قهرمانان کتابهای جیمس زیاد حرف میزنند و بدیهی است هر که حرفی میزند افکار و عقاید خود را میگوید قهرمانان تاریخ یا حادثه ای در زندگی خود ندارند و نمیتوان وقایع زندگی آنان را بصورت پرده نمایش در آورد از اینرو شکست (جیمس) و امثال وی در عرصه تماشخانه قطعی است چرا که همه لطف و زیبایی در تجزیه و تحلیل روحی قهرمانان داستان نهفته است جریان وقایع بطور منظم آغاز و انجामी ندارد بلکه بهم پیچیده است و به صدف حلقه حلقه حلزون شباهت دارد.

این قهرمانان مردمی دانا و تربیت یافته اند که چون فراغتی دارند میتوانند درباره تجزیه و تحلیل روحی به بحث و تحقیق پردازند و خواننده امروزی که از لحاظ فکر و علم متوسط باشد، بخاطر همین امر آنان را بزمائی دیگر و جهانی دیگر متعلق میداند. شگفت انگیز است که کسانی که نه شاعرند و نه فیلسوف بتوانند کاملاً لوح سینه و آئینه خیال را از افکار معمولی پردازند و همه وقت وجود خود را وقف حل مشکلاتی کنند که بنظر بشر معمولی بسیار آسان است چرا که هیچگاه ذهن و اندیشه وی قادر بطرح اینگونه مسائل نیست

بنظر جیمس احساس و عاطفه ساده و بسیط وجود ندارد و هیچ

عکس العمل روحی ذاتی و بدون علت نیست وی تجزیه و تحلیل روحی را تا آخرین حد ظرافت و دقت دنبال میکند و عجب تر آنکه برای اینگونه تحقیقات روانشناسی سبک بسیار رعنا ولی پیچیده و درهم (والتر پاتر) Walter Pater را بکار میبرد، مانند (والتر پاتر) وی نویسنده ای اصیل و برجسته و استادی مسلم و هنروری نابغه است و چون او هیچگاه مشتهیات ابتدائی خواننده را بیدار نمیکند مسلماً جیمز نخواسته است که محبوب عامه گردد و داستانهای هیجان انگیز بنویسد ولی بخوبی در کار خود موفق شده است عکس العملی که در برابر عادت به تن پروری و تنبلی عامه نشان میدهد آنست که داستانهای غم انگیز و پر حادثه مینویسد از آنجا که (جیمز) هنروری است که برای هنر زنده است زندگی خود را وقف نویسنده گی کرده از اینرو آثار وی بسیار فراوان است از قبیل حکایات و داستانها و تحقیقات انتقادی، خاطرات، مکاتبات که از نظر احساسات و عاطفه همه پسندیده و مؤثرند بخواننده ای که بخواهد آثار (جیمز) را بخواند اندرز میدهیم که قرائت خود را آغاز کند با حکایاتی از قبیل: (دیزی میلر) Daisy Miller (دباشن برپا) یا (میدان واشنگتن) The pension Beaurepos یا Washington Square سپس بداستانهای پردازد از قبیل (ردریک هودسن) Roderick hudson و (چهره یك بانو) و پیش از آنکه به وجود ایمان و اشتیاقی کافی در خود مطمئن نباشد از خواندن کتابهای (سفرا) (کاسه زرین) (بالهای کیوتر) خودداری کنند چه ممکن است کافر و ظالم گردد (جیمز) خود نیز بتدریج به رویه نهائی خویش که تجزیه دقیق (از نظر روانشناسی و فلسفی) باشد رسیده است وی هنگامیکه بنگارش آن

قسمت از آنارش میبرد و دزد که روشن و ساده نوشته شده اند از این روش صادقانه پیروی میکند مخصوصاً در حکایات خود چرا که در طرح و نگارش حکایت است که نبوغ وی بهتر از هر جای دیگر میتواند تجلی کند (۱) داستانهای او نیز بطریقه حکایاتش نوشته شده ، یعنی دسته‌ای محدود از بازیگران و يك وضع مشابه ، وقایع داستان را تشکیل میدهند با این تفاوت که بجای آنکه منظور خود را در نود یا صد صفحه بگوید در پانصد یا هفتصد صفحه میگوید .

شعر در پایان قرن نوزدهم

شعر امریکائی در پایان قرن نوزدهم دچار وقفه‌ای میگرد و شعرای خاور همه را بتقلید کور کورانه و خام از استادان انگلیسی می پردازند و پیوسته گفته‌های « کیتز » (۲) و « سوین برن » (۳) و « تنی سن » را واگو میکنند و شعرای باختر را خوار و ناچیز می گیرند . این شاعران نیز بدنبال « ویت من » عناصری تازه در شعر و ادب می آورند (و بهمین علت است که ما درباره آنان بحث خواهیم کرد) با آنکه در پایان کار بر شاعران انگلستان جدید که بنوبه خود آنانرا بعلت تقلید از شعرای انگلستان تحقیر می کنند برتری مییابند

« جو کیوم میلر » Joaquim Miller (۱۸۴-۱۹۱۳) شاعر نهضتی

۱- بدوستانان داستانهای خیالی داستان « پیچ میخ » را توصیه میکنم که در نوع خود بمشابه شاهکار است .

۲- « John keats » شاعر انگلیسی متولد در « فین سبری » (۱۸۲۱-۱۸۹۵) سراینده آثاری بسیاری دلکش « اندی من ین » ، قصائد و غیره .

۳- Charles Swinburn شاعر انگلیسی و متولد در لندن (۱۹۰۹-۱۷۳۶) سراینده « اشعار و قصائد » و « سرودهای سحری » .

است که از خاور و باختر پیش می‌رود در عصر خود از سرزمین انگلستان شور و غوغائی در امریکا می‌افکند آثارش را در کشور خود نمیتواند بچاپ رساند ولی «اشعار اقیانوس آرام» که در سال ۱۸۷۱ در لندن انتشار می‌یابد سبب میشود که مردم انگلیس او را یکی از نوابغ زمان جدید و بهترین شاعر امریکائی بدانند وی مناظر عظیم «روچز» Rocheuses و دشتهای بارور و خرم «کالیفرنیا» را با لحنی حماسی برشته نظم میکشد ولی با سبکی مطمئن ! از «ویت من» جز روانی سبک و بدبینی را فرا نگرفته است تناسب و هم آهنگی را هیچگاه مراعات نمیکند بنظر اروپائیان وی چنانکه باید «امریکائی» نیست و بعقیده ساکنان ماوراء اقیانوس اطلس، مقلد مسخره آمیز اروپاست

در همین سال یعنی در ۱۸۷۱ در «سان فرانسیسکو» کتاب «قصائد

کنت نشین پایک» Pike county ballads تألیف «جان هی» John Hay و کتاب «اشعار خاور و باختر» تألیف «برت هارت» Bret harte منتشر میشوند این دو شاعر توانسته‌اند یکی از آرزوهای «امرسن» جاسه هستی بپوشاند یعنی بکار بردن زبان و اصطلاحات میکده‌ها و خرابات یا لا اقل نقل این اصطلاحات بزبان و تعبیرات خویش، در اشعار خود و لگردان و قماربازان را چنانکه عادت و شیوه آنانست، بشکلم و امیدارند و حکایاتی از زندگی کارگری و شرابخواری و قماربازی آنان نقل میکنند از نظر فن شعر، هیچ ابتکار و تازگی در این اشعار دیده نمیشود ولی مانند سبک نویسندگان کلاسیک جملاتی موزون و خوش آهنگ در آنها میتوان یافت وقایع منقول در این اشعار دلپسند و غالباً سرگرم کننده است ولی بزودی یکنواخت و ملال انگیز میشود حتی اگر بتوان لغت شعر را بکاربرد آیا

میشود که این اشعار را برجسته و غرادانیم؛ ولی آنچه اهمیت دارد از یکسو تهوری است که مایه شگفتی انجمن های ادبی شهر «بستان» میشود و از سوی دیگر موفقیت آنی «برت هارت» است، راز بزرگی و اهمیت این دو واقعه بدین امر بستگی دارد که این دو شاعر، حس آزادی را در نهاد شاعران جوان بیدار کرده اند. از این پس شعرا می توانند رشته سنن و عادات را از هم بگسلانند نه تنها که حفظ این سنن بسیار مشگل و گران است بلکه با اینکار ثروتی نیز بدست می آورند چرا که کشور های متحد امریکا سرزمینی شده است که شعر در اینجا خریدارانی فراوان دارد

«هارت» و «هی» پیروانی فراوان داشته اند ولی همه برای اینکه به این دو استاد تشبیه جویند فقط بتعویض لهجه های محلی و اصطلاحات عامیانه پرداخته اند تا آنجا که زبان سیاه پوستان را نیز بکار برده اند هنگامیکه لطف و زیبایی آئین نورنگ کهنگی بخود میگیرد ادبا بدین نکته واقف می شوند که نخستین تجلی استقلال و آزادی واقعاً برای شعر راه ورسمی تازه نیاورده است و این نوع شعر رفته رفته بر اثر بی اعتنائی شاعران از میان می رود و بسیاری از شاعران براهی باز می گردند که گذشتگان آن را پیموده اند.

در این باره چهار تن را میتوان نام برد که استثنائی برجسته هستند از اینقرار «ویلیام وان» William Van، «مودی» Moody، «ادوین مارکام» Edwin Markham، «استفن کرین» و «کمی بعد» ای، ا، رابنسن» E.A. Robinson در این جمع وارد میشود این چهار از پیروان مکتب طبیعت پردازی هستند که در همان وقت رمان امریکائی را بوجود می آورند و تازگی و ابتکاری که دیده می شود آنست که شعر آنان

انتقادی هجو آمیز از اجتماع است «مودی» در قصائد و مخصوصاً آن قصیده‌ای که «مربوط بسربازی است که در جزائر فیلیپین بھاك افتاده» (۱۹۰۱) کشور خود را بجهانگیری متهم میکند و «مار کام» در کتاب «مرد با کج ییل» که در ۱۸۹۹ «سان فرانسیسکو» چاپ شده، بسختی بر وضع طبقه رنجبر که بر اثر ترقی صنعت بوجود آمده است حمله میکند

«کرین» و «رابسن» نیز نقادانی روشن روان و دل آگاهند و بشدت از اجتماع انتقاد میکنند ولی انتقاد آنان هیچ جنبه سیاسی ندارد و به دستورهای اخلاقی بیشتر شبیه است آنچه تازگی دارد همان فن و روش آنانست بجای آنکه اصطلاحات شعری متداول یا الفاظی منطقی را بکار برند چنانکه هر روز سخن میگویند اشعار خود را می‌سرایند و بدین طریق با شاعران خاور و باختر مخالفت میکنند و بغایر دلبستگی که با صور خالص شعری و ظرافت و مخصوصاً غفت قلم دارند از مکتب «ویت من» کناره میگیرند راز اختراع و ابداع افکار نوراب مردم می‌آموزند و استهزای ظریف را جانشین لاف و خودستایی میکنند

«رابسن» (۱) بغایر علاقه‌ای که بموضوع های عادی و زندگی اشخاص، معمولی دارد و همچنین از نظر وزن و هم آهنگی شعر کوشش هائی را بیاد می‌آورد که (وردسورت) (۲) برای رهاندن شعر از تکلف

(۱) کتاب «شهر پائین رودخانه» ۱۹۱۰، و کتاب «بشرد را جنک با خدا» ۱۹۱۶
(۲) William wordsworth شاعر انگلیسی متولد در «کو کو»

ماوٹ» (۱۸۵۰-۱۷۷۰) رئیس مکتب «لاکیست» Lakiste

Lakiste - به شاعرانی انگلیسی گفته میشود که مهمترین آنان عبارتند از: «وردسورت» «کالریج» «ساوتی» Southey این شاعران در ناحیه دریایچه واقع در شمال غربی انگلستان ساکن بوده یا بدانجا می‌رفته‌اند و وجه امتیاز آنان با شعرای دیگر اینست که به توصیف طبیعت و زندگی خانوادگی اشتیاقی فراوان دارند.

و تصنع بکار برده است ولی شعرش بجای آنکه مانند شعر (وردسورت) احساساتی باشد تلخ و غم انگیز است « استفن کرین » بیش از هجوسرا است (خوانندگان سیاه، ۱۸۹۵ جنک خوب است ۱۸۹۹) شعرا و برادر زندگی و تشبیهاتی که دارد پیش در آمد اشعار شعرای (مستعار) Imagiste و شعرای جدید بشمار میرود

باینهمه شعر (کرین) از لطف و ربیائی عاری است خود شاعر نیز از نظر شعر به افتخاری نرسیده است که برابر باشد با افتخار پیشرو بزرگ شعرای (مستعار) (امیلی دیکنسن) Emily Dickinson (۱۸۸۶ - ۱۸۳۰) که اشعار وی چند سال پس از مرگ و پیش از شهرتش بچاپ میرسد آوازه وی مخصوصاً پس از جنک اول جهانی در جهان بلند میگردد یعنی هنگامیکه شعرای «مستعار» او را از خود میدانند

این شاعره که در خانواده ای «پورتن» بدنیا آمده و نشو و نما یافته است تقریباً همه عمر را با کتاب های مرجع خویش که آثار (کیتز) و (شکسپیر) باشد بسر می برد مانند سایر شاعران امتیاز و مدیریت روزنامه را می گیرد و احساسات خود را بصورت اشعاری ساده و شیوا و مؤثر بیان میکند بی آنکه تابع و مقید صورتی از شعر باشد نبوع ذاتی و آتش دل یگانه راهنمای اوست بدین طریق در حدود صد قطعه شعر کوچک میسرآید که از نظر تأثیر روانی و لطف و دقت احساسات کم نظیر است موضوع اشعار تازه و نو در آمد نیست ولی در بیان آنها چنان صداقت و ظرافت و هجو گویی را بکار می برد که با همه کهنگی، صورتی نو و تازه بخود میگیرند شعری طولانی و غرا نیست و همین امر سبب میشود که شاعران دوره (۱۹۲۰-۱۹۱۵) او را پیشرو سبکی جدید شناسند چرا که این شاعران از اشعار طولانی که ناقل واقعه

باشند بیزارند ولی بالینهمه برائر انتخات لغات زیبا واستعارات دلپسند و دقت توصیفی یا روانشناسی وتلقین افکار بلند، گاهی بعمق مطلب دست مییابد بسیاری از اشعار کوچکش بصورتی ناتمام مانده اند ولی فراوانند اشعار کوچک او که چون گوهری درخشانند ولطف و شدت هیجان آنها بنسبت عکس شماره ایات است

فصل پنجم

نویسندگان معاصر

۱- (ادیت وارتن) (۱۸۶۲-۱۹۳۷) Edith Wharton

خانم (وارتن) شاگرد جیمس و از زمره آن نویسندگان تقریباً نادری است که برای اعاشه بپول کتابهای خود نیاز نداشته اند و آنچه از ظواهر برمی آید اینست که از جهان جز برگزیدگان اجتماع را نشناخته است وی در محیط اشرافی انگلستان جدید بدنیا آمده و هیچگاه از آن خارج نشده است اگر بدین امر این نکته را بیفزاییم که در همین اجتماع توانگرانی تازه بمیان آمده و در نتیجه بفکر طبقه زنجیر افتاده اند و هم چنین اگر انقلاباتی را یاد آور شویم که بر اثر جنگها روی داده است در نخستین وهله موضوع داستانهای این نویسنده کهنه و منسوخ بنظر می رسد اگر در این داستانها جز اشخاصی را نه بینیم که شام و ناهار میدهند و تنها در بند آند که بدانند (چه میشود) و فقط به ماجرای احساساتی خود می اندیشند از خواندن سرگذشت آنان چشم می پوشیم ولی در داستانهای (وارتن) بیش از این یافته میشود نخست آنکه طرح آنها بسیار زیبا و دلایز است و بسبکی روشن و ابتکاری نوشته شده اند که تمام قدرت زنانه در آن بکار

رفته از آن گذشته این داستانها ناقوس مرك جهانی را می نوازند که به (جهان اشراف) معروف است ابهام و وهم و پندار را در آنها راه نیست و قهرمانان داستانها نیز امیدی در زندگی ندارند شورشیان طبقه رنجبر از خیل (نوریس) و (پتن سینکلر) امید داشته اند که توزیع مساوی ثروت مایه خوشبختی افراد گردد ولی وی توانگراست و از زندگی اشرافی و توانگری بستوه آمده و چون زن است اشتیاقی سوزان بداستانهای عشقی دارد ولی از آنجا که واقع بینی را پیشه کرده میداند که عشق جز خواب و خیالی بیش نیست: زنان کتابهای وی چشم براه مردی هستند که جز گردن بند مروارید و اطاقهای حمام هدیه ای دیگر برای آنان بیاورد ولی شوهران جز آنچه با پول میتوان خرید چیزی را برای ارمغان ندارند برای جیمز هر يك از آثارش مسئله ای مشغول کننده و موضوعی است که بر حسب استعداد و ظرفیت وی در خور تجزیه و تحلیل اند و وی نیز با شور و اشتیاق يك استاد آزمایشگاه بتجزیه و تحلیل آن می پردازد آنچه (ادیت وارمن) مینویسد در واقع داستان شکنجه های روحی خود اوست.

از این رو وی نخستین نویسنده غم انگیز بدبینان جدید است که آثار «دس پاس» و (فلکنر) را خوانده وی از جهتی دیگر نیز بدین نویسندگان شباهت دارد و آن طغیان وی علیه عادات و عقاید پورتن هاست اگر واقعا وی از فقدان طبقه ای می نالد که برای فرا گرفتن علم و ادب و توسعه فکر و ذوق و بحث و مکالمه و قرائت کتب فراغت داشته است و یاهنوز اگر از عالم تجارت و پول و مطالعات مربوط بیواری میجوید. باز میداند که آداب و رسوم و مقررات طبقه اجتماعی او را بخاموشی محکوم میکند اگر ما در جهانی بسر میبردیم که در آن اشخاص مانند لعبتگان جز سر و لباسی نمیداشتند محملی نداشت که زنان داستانهای (جیمس) و زنان

داستان‌های (هاولز) و (هریک) و (مارک توان) و دیگران را تغییر دهیم چرا که وقایع غم انگیز فقط در فکر آنان روی میدهد و زبان ترجمان فکر میشود و حال آنکه زنان کتابهای (ادیت وارتن) در زیر جامه خود بطور محسوس پیکر و اندامی نیز دارند که با آن پاره از تصمیمات و افکار خود را اجرا میکنند مسلماً نباید انتظار داشت که این زنان اندام خود را برهنه کنند یا با صداقت (درایزر) سخن گویند و یا چون (کلدول) بی حیا باشند و یا مانید (فاریک) خشمکین و پرده در. این زنان بتمام معنی زن هستند و در برابر افکار بلند و قهرمانی خود تمایلاتی شهوی نیز دارند تقوی و عفت آنان که به تقوی و عفت دخترانی تربیت یافته ماند چنان نیست که آنان را بگوشه گیری و انزوا وادارد بلکه بصورت حادثه غم انگیز است که بهترین نمونه آن در کتاب (اتان فرم) *Ethan frome* جلوه گرفته، این کتاب شاهکاری است که هیچ انقلاب اجتماعی نمیتواند غبار فراموشی بر آن افشاند شاید در باره کتاب (تابستان) *Summer* نیز میتوان همین ادعا را کرد بیم آن میرود که داستانهای که مخصوصاً وقف توصیف محافل اعیانی امریکا گردیده است از قبیل (خانه مرت) *The house of the Mirth* (میوه درخت) *The fruit of the tree* (عادت ناحیه) *The custom of the country* بصورت مدرکی تاریخی در آیند کتاب (عصر عصمت) *The age of inno-cence* هم تاریخ است و هم حکایت.

« **تئودر درایزر** » *Théodore Dreiser* (۱۸۷۱ - ۱۹۴۵)

در جهان ادب امریکا (ویت من) و (درایزر) اصیل ترین و توانا ترین نویسندگان بشمار می آیند هیچ نویسنده ای بیش از (درایزر) شهرت و نفوذ نداشته است ولی آنچه بنظر میرسد آنست که نقش پذیر نفوذ کسی نشده

(درایزر) بعلمت تنهائی و بی مونسى هرچه دردل داشته باز گفته است و امروز آثار او بر دوره جدید ادب فرماندهى میکند که با ظهور (هاولز) آغاز شده و شاید هنوز هم پایان نرسیده باشد وى پدر ادبیات سیاه است ولى فرزند کسى نیست .

- (درایزر) و مسئله اجتماعى - (درایزر) پدر ادبیات سیاه است ولى نه بدین ادبیات تعلق دارد و نه میتوان او را با ادبیات (خوش بینی - انقلابی) متعلق دانست زیرا چون در نویسندگى پیرو سبك طبیعت پردازی است نه بآینده و حال امید دارد و نه نو مید است تنها هنر او اینست که قضایا و وقایع را بخوبى ادراك میکند و از آنجا که میتواند علت کارها را بیان کند بر جنایات توانگران و جرائم فقیران قلم عفو میکشد اگر جهان به عرصه جنگى ماند که در آن ضعفا چون خاك راه پایمال جفا میگردد این قضیه بنظروى باکرویت زمین تفاوتى ندارد و نباید کسى را بشورش و قیام وا دارد، (درایزر) بر آن نیست که وجود اجتماع را از زشتى و ناپاکی برهاند اجتماع همین است که هست و همیشه با خود در حال مبارزه است و علت این مبارزه آنست که احساسات و عواطف فرد با مقتضیات اجتماع مغایرت دارد قانون طبیعت چنین میخواهد و (درایزر) نیز بی جنك و پر خاش این قانون را می پذیرد در کتاب (پول پرست) و در (غول) (۱۹۱۴-۱۹۲۱) که دوداستان بزرگ اجتماعى او هستند، وى خود را تواناترین عیجوى رشوه و فساد نشان میدهد ولى احساساتى انتقام آمیز ندارد اگر از نظر اخلاق موروئى بخواهیم پول پرست وى که (فرانك کوپر وود Frank cowperwood باشد کلاه بردارى بى وجدان و راهزنى بیباک است از آن گذشته رفتار او را (زیرا «درایزر» وضع زندگى او را با نیروی

تخیل نساخته بلکه از وقایع مختلف و حادثه‌های ننگین که همه می‌شناخته‌اند آنرا ساخته است) همه زشت و ناپسند میدانند و از آن بیزاری می‌جویند ولی (درایزر) هیچ‌کینه و خشمی نسبت بوی ندارد چگونه می‌تواند بوی کینه و رزد و حال آنکه او را مسئول کارهای خود نمی‌داند اعمال وی بنظر (درایزر) نتیجه اخلاق و مزاج و اوضاع و احوال است کلیه اسرار زندگی به معادلاتی جبری تبدیل میشوند که از یکسو تمایلات و حوائج طبیعی بشر و از سوی دیگر شرایطی مفروض است که تصادف یا وضع اجتماعی یکی از افراد بشر را در آن قرار داده است باقی کارها همه از این عوامل سرچشمه می‌گیرد.

از اخلاق و تمایلات خویش رنج می‌بریم و حال آنکه خود آنها را نساخته‌ایم.

ضعف و حوائج ما که باراده و عمل ما هیچ بستگی ندارد مایه مشقت ماست)

نویسنده‌ای که از طبقه رنجبر برخاسته است آرزو میکند که گردن (کوپروود) سرمایه دار حریص را درهم بشکند و خانمی محترم چون (ادیت وارتن) باندازه‌ای ازو نفرت دارد که راضی نمیشود بصورتش تف کند ولی (درایزر) (غول) خود را از اینکه در کارهایی بدین بزرگی موفقیت می‌یابد می‌ستاید.

نویسنده خبرنگار - هیچ چیز بیش از مقایسه (درایزر) با (جیمس) و خانم (وارتن) اختلافی را نشان نمیدهد که میان نویسندگان جدید و قدیم وجود دارد (جیمس) و (وارتن) بخانواده‌ای قدیم و توانگر از انگلستان جدید تعلق دارند و (درایزر) فرزند مهاجری آلمانی است که

تازه در (اندیانا) سروسامانی یافته است و به هیچ اصل و سنتی اعتقاد ندارد (جیمس) و (وارتن) با سختی و احتیاج روبرو نشده و بکسی رشک نبرده اند ولی (درایزر) تهیدست و ندار است و از همان کودکی از خوااهش و نیاز رنج میبرد (جیمس) و (وارتن) در کنار میز بتروییج و توسعه هنر پرداخته اند تعلیم و تربیت آنان و محافلی را که بدان گام میگذارند و سائل کسب کمال و تهذیب نفس را برای آنان فراهم میکنند و ناشران کتب نیز از همان وهله نخست بخوشروئی آنان را میپذیرند و بر اثر روابطی که با دانشمندان دارند از همان آغاز کار نویسنده و ادیب شناخته شده اند ولی (درایزر) باید با کار و کوشش جای خود را باز کند مطالعه و تحقیق او در خبرنگاری و وقایع مهم و فساد اجتماع است از شهری بشهری میروود و آنجا که میتواند راز درون را بزبان قلم جاری میسازد و برای آنکه قلمش روان شود باید با فروش آن کار خود را آغاز کند.

بالاخره در ۱۹۰۰ نخستین کتاب خود «خواهر کاری» Sister Carrie را بچاپ می‌رساند امروز فراوانند کسانی که این کتاب را محترم می‌شناسند بنام آنکه تاریخی جدید را با ظهور خود آغاز کرده و یاپیدایش ادبیاتی را نوید داده است که ترجمان احساسات ملی باشد این کتاب در عصر خود با حقارت یا غفلت معاصران روبرو شد، عده کسانی که آنرا میفهمیدند بسیار کم بود.

طبیعت برداز - قضیه از چه قرار است؟ - هیچ تنها برای نخستین بار است که يك نویسنده همه چیز را میگوید این موضوع امروز بنظر ماساده و پیش پا افتاده می‌نماید کسی که اکنون کتاب «درایزر» را میخواند تعجب میکند که چگونه وی توانسته است درسی یا چهل سال پیش بدین بی‌پردگی

سخن گوید ولی اگر امروز بدان عادت کرده ایم که کتابهای ما از همه چیز سخن گویند باید بیاد آوریم که همیشه چنین نبوده است و می بایست کسی بدینکار همت گمارد. در امریکا آن کس «تودر درایزر» میشود و قرعه فال بنام او می زنند در آن عصر لازمه اینکار همت و شهامت است. برخی از موضوعات کتابهای وی به ادبیات مستهجن و «نشریاتی» تعلق دارند که بنام «مخصوص» معروف است و خریدار در پستوی دکان کتابفروشی آنها را برای مقاصدی میخرد که اعاده ذکر آن جایز نیست «درایزر» می تواند بدین ادبیات و نشریات حق دهد که در ادبیات رایج وارد شوند و علناً در پشت شیشه کتابفروشی جاگیرند منظور وی آن نیست که از این کار لذتی ناشایسته برد و یا عفت عمومی را جریحه دار کند بلکه چون این ادبیات و نشریات جزء زندگی است می خواهد زندگی را چنانکه هست بنماید «هاولز» پیشوای مکتب «واقع بینی» چنان محتاط و عفیف است که جز از جنبه های معقول «واقعیت عزیز» سخن نمیگوید «نوریس» و «سینکлер» فقط به جنبه های اجتماعی این واقعیت توجه دارند و «جیمس» مسائل روانشناسی را مطرح میکند و «ادیت وارتن» بر مقررات و آداب و رسوم می شورد ولی نیروی عادت او را باطاعت از این مقررات و امیدارد «درایزر» از این امور کاملاً غافل است در زندگی برای او فقط يك نکته اهمیت دارد و آن اینست که بهیچ بهانه ای کوچکترین عنصر و علامت معادله جبری خود را نادیده نگیرد این دقت که درخور يك استاد بزرگ ریاضی است آن عیب را دارد که داستان را بسیار طولانی میکند ولی در عوض صراحت و وضوح و قدرت منطقی بدان میدهد که درخور ستایش است «در کتاب (يك غمنامه امریکایی) «۱۹۲۵» که آنرا در زمان

ورزیدگی فکر و قریحه نوشته است و نمونه‌ای از کتاب‌های او به شمار می‌آید قضایا در آن چنان بخوبی ودقت ثابت شده که وی می‌تواند با اعتقاد باطنی بما بگوید که قهرمان داستان یعنی «کلیدگری فیتس» Clyde Griffiths قاتل (که مانند «ژولین سرل» قهرمان داستان استندال واقعیت دارد) واقعاً گناهکار نیست و حال آنکه قاتل در برابر چشم ما نقشه جنایت را طرح می‌کند و بارتکاب آن می‌پردازد! درایزر او را مهربان و خوش طینت معرفی می‌کند وی مردی ساده و خودخواه و لافزن و ترسنده و منفور است که جز زیبایی اندام حسنی ندارد ولی نه چندانکه حس ترحم مارا برانگیزد «درایزر» از آن نویسندگان نوع پروری نیست که بر محکومین باعدام رحمت و شفقت آرد و از سرنوشت آنان دلش بدرد آید ولی ثابت می‌کند که ما نمیتوانیم درباره «دیگری» قضاوت کنیم چرا که نمیتوانیم خود را بجای آن «دیگری» قرار دهیم و شگفت ایتجاست که این موضوع را بما بخوبی می‌فهماند در حالیکه ما را بجای «گری فیتس» می‌گذارد که موفق می‌شویم مصائب او را در صحنه‌های آخر ادراک کنیم (بشرطیکه تا آنجا کتاب را بخوانیم) آنجا که وی پی می‌برد که در جهان تنها و بی‌کس است و مادرش که زنی مهربان و با تقوی است نمیتواند افکار او را بفهمد

«حتی حالا در همین اوقات آخر عمر، هنگامیکه وی در دل نیازی آتشین بمحبت و شفقت احساس میکند بلکه بیش از محبت بدان نیاز دارد که کسی افکار او را بفهمد. آری حتی حالا و با وجود تمام محبتی که مادر نسبت بفرزند دارد و می‌خواهد باتمام قوا چنانکه رویه اوست بازهد و فداکاری او را یوری دهد باز فرزند نمیتواند و بسوی مادر کند و بدو بگوید چگونه این وقایع روی داده است گویی بر اثر عدم تفهیم و تفاهیم دیواری

بلند یاسدی نا گذشتنی میان آن دو پدید آمده چرا که مادر هیچگاه احتیاج سوزان فرزندان را به آسایش و تجمل و زیبائی و عشق ادراک نخواهد کرد - عشقی از نوعی خاص همراه بالذت و ثروت و مقام و آرزوها و تمایلات شدید و «تغییر ناپذیر» آری مادر این چیزها را نمیتواند بفهمد

زیر صفت «تغییر ناپذیر» و حوائجی خط کشیدم که «گری فیتس» را به ارتکاب جنایت واداشته اند این صفات و حوائج بعقیده نویسنده در همه کس یافته میشود. بعلت آنکه اولاً بشر در برابر تمایلات خود ناتوان و زبون است آن جبر تعلیلی که «درایزر» هواخواه آنست منکر اراده نیست ولی اراده فقط برای آن بکار می افتد که این تمایلات تقدیری و محتوم ارضاء شوند ثانیاً موضوع این تمایلات در «پاکارد» Packard نشستن و بتماشاخانه و مهمانخانه رفتن و مورد احترام بودن است بخاطر همین امر است که «گری فیتس» آدم میکشد و «کوپر وود» دزدی میکند قهرمانان «درایزر» ابداً آن فکر را ندارند که ممکن است تمایلاتی دیگر غیر از آن تمایلاتی که ارضاء آنها با پول میسر است برای بشر وجود داشته باشد استثنائی هست و آن خود «درایزر» است که بنام قهرمان داستان «نابغه» (۱۹۱۵) کیفیات نفسانی خود را شرح میدهد قهرمان کتاب نابغه نقاشی است که زندگی خود را وقف هنر کرده در این کتاب «درایزر» تمایلات دوران بلوغ خود را بکلیه اشخاص نسبت میدهد دوران بلوغ او وقت نیست که خوار و بدبخت بوده و آرزو داشته که با تجمل زندگی کند و مقامی در اجتماع بدست آورد نمیتوان کسی را یافت که موحش تر از او از تمدن امریکا انتقاد کرده باشد

معایب ادبی - «درایزر» اگر فقط راه و رسم نوشتن را می دانست

مسلماً یکی از نویسندگان بزرگ میشد مانند «استندال» یا «داستایوسکی» (آنان نیز معایب و نواقصی داشته اند) از نظر داستان نویسی حس ترحم و قوه ادراکی دارد که می تواند شاهکارهایی پدید آورد و همچنین از تخیلی برخوردار است که اجازه میدهد از هیچ، داستانی طرح کند از آن گذشته چون روانشناسی ماهر است میتواند صفاتی را که وجود آنها در اشخاص محتمل می نماید بخوبی تعریف کند و پلاینهمه خواندن داستانهای طولانی او مانند «غول» «نابغه» «یک غمنامه امریکائی» «بامداد» چه صبر و شجاعتی لازم دارد! نه تنها جمله ها بسیار دراز و پیچیده و حتی تاریکند بعلاوه استعمال لغات نامأنوس و اغلاط دستوری که چندان اهمیتی ندارد بلکه در مورد او محال است که عدم مهارت را بجای شهامت گیریم و غلط نحوی را بجای جمله های ظریف و شیوا چرا که مکررات و علامات تعجب و ازاین پس ها و پس ها و دراین هنگام ها و حالا ها باندازه ای فراوانند که تکرار آنها خواننده را عصبانی میکند مناظر پیوسته تکرار میشوند و یکنوع احساسات در هر فصلی از نو تجزیه و تحلیل میگردند، این ترکیبات و تکرارها گاهی چنان تحمل ناپذیر و خسته کننده اند که خواننده تعجب نمیکند از اینکه «درایزر» کتابهای خود را دوباره نخوانده باشد!

چون دو داستان اولی او «خواهر کاری» و «جنی جرهارت» Jenni Gerhardt از لحاظ تناسب، معمولی و بسبکی پسندیده نوشته شده اند. برخی چنین می پندارند که اگر «درایزر» میخواست بجای آنکه از بد به بدتر پردازد میتوانست روش نویسندگی خود را اصلاح کند فقدان حسن ظرافت او دلیل عدم قدرت و لیاقت نیست بلکه بی اعتنائی علنی و عمدی نسبت به ظرافتی است که آداب و رسوم آن هیچ رنگ

امریکائی ندارد در پیش دیده‌ایم که «نوریس» مینویسد: «چه کسی در بند سبکی زیباست؟» و اگر نیک بنگریم میبینم که نویسندگان امریکا چون سر آن دارند که خود را از قید قواعد و آداب و رسوم بیگانه آزاد کنند توانسته‌اند بقول آقای «آلفرد کازین» Aefred Kasin مورخ ادبیات کشور امریکا «مسائل هنری را خوار دارند» نه آنکه از آنها غافل باشند همین امر سبب پیدایش عکس‌العملی در «همینگوی» و «فلکنر» میگردد نفوذ - مسلم است که رویه «درایزر» سبب شده که نویسندگان پس از جنگ از قیل «لوئیس» و «فارل» و غیره مسائل هنری را خوار دارند ولی این موضوع نمونه‌ای کوچک از نفوذ اوست نه تنها داستان نویسانی چون «فارل» و «ریچارد رایت» Richardwright سیاه پوست (که دفاع‌نامه نژادی او «پسر مین» (۱۹۰۴) تقلیدی از «یک غمناخه امریکائی» است) پیروان وفادار او هستند (ولی نبوغ و قدرت ادراک او را ندارند) بلکه آن نویسندگانی نیز که مستقیماً از او تقلید نمیکنند از درهائی که گشوده استفاده می‌برند و از آنها که بسته در عذابند، در واقع اگر حسن قبول و صداقت او نبود که هر کس را این درجه از ذکاء و نبوغ دست ندهد، مفهومی مادی و ریاضی که از جهان دارد بسیار شوم میشد از همین مفهوم «ادبیات سیاه» سرچشمه گرفته است و کوشش و ارسته از غرض یا کوشش برای کوشش که «همینگوی» آنرا توصیه میکند و اکنشی است در برابر این جهان عاری از دل‌آوری و فداکاری.

۳- فیلسوف و اهل تتبع

فیلسوف صاحب نظر آمریکاکم است در این مورد باز هم اثر تعلیم و تربیت از تاثیر خون و نژاد قوی تر میشود و امریکائی از انگلستان

فقدان ذوق و استعداد خود را برای بحث در مجردات بارث می برد
تا امروز چنین مینماید که این موضوع بیش از دو استثناء نداشته
است که آندو عبارتند از « ویلیام جمیز » William James (۱۹۱۰)
(۱۸۴۲) و « جرج سان تایانا » George santaynna (متولد ۱۸۶۳)
ولی باز هم این فیلسوف اخیر اصلاً اسپانیائی است « از آن گذشته نمی
توان دو فرضیه را در نظر گرفت که بیش از فرضیه این دو با هم اختلاف
داشته باشد « جیمس » فیلسوفی عملی است pragmatisme و « سان تایانا
فیلسوفی تصویری Idealisme

سبک اولی روشن و ظریف است و از دومی مطمئن و پر ابهام و
اندکی تاریک که سبک « پل والری » را بیاد می آورد
جای آن نیست که در جزئیات فلسفه ایندو وارد شویم ولی فلسفه
« ویلیام جیمس » بطور غیر مستقیم نفوذی مسلم در زندگی و در نتیجه در
ادبیات امریکا داشته است « لا اقل این راهم باید گفت که هم میهنان وی
ظاهراً عقاید او را بدرستی تفسیر نکرده اند اگر اندکی دقت کنیم می
بینیم که فلسفه عملی وی از این عقیده ناشی شده است که فلسفه نباید
منحصر بافکار مجرد باشد بلکه باید در زندگی نیز مصداق یابد و نه تنها
فرضیه باید از محاکم آزمایش و تجربه بگذرد بلکه خود تجربه نیز باید
تحت نظارت فکر باشد و فکر آنرا عالی و ارجمند بشناسد در پرتو این
روشنائی است که باید عقیده او را تفسیر کنیم که میگوید « موقعیت مایه
ارزش است » :

« اگر این زندگی (زندگی بشر متفکر) جنگی واقعی نباشد
که در آن دائماً چیزی بر اثر موقعیت نصیب جهان گردد بیش از بازمی

نیست که در صحنه نمایش بمیان آمیداز زندگی قترسید، ایمان داشته باشید که زندگی به رنج زیستن می‌ارزد و همین ایمان شما را در راه آفریدن سعی و عمل یآوری می‌دهد»

ولی بازرگانان امریکائی این فرضیه را دلیل موفقیت های خود دانند و بدینی «جیمس» را نسبت به امور مجرد برهانی برای بی‌اعتنائی امریکائی نسبت به زندگی عقلی بشمار آورند از همین روست که «ویلیام جیمز» ندانسته به ترویج فقدان احساسات و عاطفه مدد کرده است و نویسندگان معاصر نیز بسختی بر این موضوع شوریده اند «سان تایانا» مستقیماً بر این فقدان احساسات می‌شورد و از همان سال ۱۹۰۶ نتایج آنرا از پیش می‌گوید و با فلسفه مادی معاصر بعثت آنکه افراد را به هرج و مرج و نو میدی راهنماست مبارزه می‌کنند وی زنده مانده تا به بیند که پیش‌بینی هایش جامه هستی می‌پوشد ولی کسی بدانها گوش نمی‌دهد

کتابی دیگر که در همان سال ۱۹۰۶ نوشته شده و حاکی از نظیر همان بیم و امیدهاست باجوش و خروش بسیار مورد استقبال عامه قرار می‌گیرد در است است که این کتاب در سال ۱۹۱۸ منتشر می‌شود ولی حقایقی در آن ذکر شده که جنک بزرگ صحت آنها را نشان می‌دهد اکنون خوب است درباره «تعلیم و تربیت» هنری آدامس «Henry Adams» بحث کنیم. «هنری آدامس» مورخی است که «تاریخ کشورهای متحد امریکای او در زمان «جفرسن» (۱) و «مادیزن» (۲) از نظر سندیت معتبر است

(۱) Thomas Jefferson سومین رئیس جمهور کشورهای متحد امریکا متولد در «شارول» (۱۸۲۲-۱۷۵۴) وی یکی از موسسان حزب دمکرات بود.
(۲) Madison یکی از شهرهای کشور های متحد امریکا پایتخت «ویسکنسن» ۵۷۹۰۰ نفر جمعیت و نام یکی از روسای جمهور آن کشور.

و کتاب «من سن میشل و فرمان‌ها» Alont saint michel and chartres
وضع قرون وسطی را بخوبی روشن میکند

ولی بالاینهمه «آدامس» در پایان عمر احساس میکرده که حق
مطلب را بجای نیاورده است و برای آنکه علت آنرا در یابد بخاطرات خود
رجوع میکند کتاب «تعلیم و تربیت» سرگذشتی از سراسر زندگی اوست
و باتذکار آن زندگی جمهوری امریکارا از نو بخاطر می آورد وی چون از
خانواده‌ای برخاسته که به امریکای جمهوری دو رئیس جمهور و چندین
وزیر اهداء کرده است

بارو باطنی که با مقامات سیاسی دارد و با تجربیات شخصی به تحقیق
در سیاست این کشور می پردازد همچنانکه با مطالعات خود به نگارش تاریخ
آن همت می‌گمارد از اینرو کتابهای او انتقادی از تمدن امریکا میگردوی
ثابت میکند که این تمدن از نظر معنوی و اخلاقی از کار بازمانده و نور مذهب
خاموش شده و طبیعت از یادها رفته است.

«مسلك پورتیان اهالی بستان کلیه مشکلات جهانرا چنان بدرستی
گشوده بود که اجتماع دیگر نیاز نداشت بفکر گذشته و آینده پردازد و
قانع شده بود که کلیه مسائلی که از آغاز تاریخ بشریت فکر بشری رامیآزردند
بدان نمی ارزند که درباره آنها بحثی بمیان آید»

امریکا معنای شعر و عشق را فراموش کرده

«احساس و عاطفه که بمنزله گناه است در اعصار قبل بفکر بشرفوت
و قدرت می بخشیده هنر امریکائی مانند زبان امریکائی و مانند تعلیم و تربیت
امریکائی تقریباً تعلق به جنسی خاص زن یا مرد ندارد»
خوانندگان «فلکنر» و «کالدول» راهی را میتوانند اندازه گیرند که

در طی بیست سال پیموده شده

دوره‌اعلی «تعلیم و تربیت» فصلی است که درباره «باکره و قوه»
Dynamo نوشته شده (باکره) نشانه قدرت معنوی و شهوی است که تمدن
باختر را روح و زندگی بخشیده و قوه نماینده قدرتی که امریکارا بکار و
کوشش و امید دارد از این رو «کلیه بخارهای جهان نمیتوانند مانند (باکره) قانون
اساسی را بوجود آورند»

با آنکه کتاب «تعلیم و تربیت» تجزیه و تحلیلی صحیح از قضایاست
و هر چه کمتر از افکار بیپوده و توهمات بهره دارد ولی علت محبوبیت و موفقیت
آن جز این نیست که سختی‌ها و رفع شبهه‌های مؤلف ۷۰ ساله آن با سختی‌ها
و رفع شبهه‌های جوانان دل آگاه و روشن روان سال ۱۹۲۰ کاملاً مطابقت
داشته است و گرنه خواندن این کتاب چندان آسان نمینماید سبک «آدامس»
ظریف ولی خشک و تصنعی است وی جهانی دیگر و اجتماعی دیگر را منعکس
میکند آن اجتماعی که در زمان تسلط پورنرها و ملکه ویکتوریا وجود
داشته است و او آنرا با قلم خود در برابر چشم خواننده میگذارد

۴- رمان خاکستری

اگر کسانیرا داستان نویس «سیاه» نامند که پس از جنگ نخستین
جهانی در آسمان ادب درخشیدن آغاز کرده اند اسلاف بلا فصل آنان لا اقل
حق دارند که داستان نویسان «خاکستری» نامیده شوند درست است که
در میان آنان چند نویسنده تصویری Idealiste وجود دارد ولی همین
نویسندگان نیز بیرازی و تنفر از اجتماع زشت و پلید را بخوانندگان خود
اندرز میدهند و افراد برجسته آنان یا مانند «جیمس برانچ کابل»

James Branch cabell است که کتاب « جرجن » Jurgen (۱۹۱۹) در میان بیست و پنج جلد کتابش در نشان دادن مناظر خیالی و رؤیا از همه مشهورتر است یا چون «جرف هر گس هر» JosefH ergesheimer است که همیشه بباد گذشته است و یا آنکه میخواهد زیبایی را کشف کند که در عشقی یا صحنه‌ای یا حرکتی نهفته است

دو نویسنده زن آن افتخار را دارند که از نظر ادبی قرن ۱۹ را به قرن ۲۰ پیوسته‌اند از این دو یکی «الن گلاسگو» Ellenglasgo هجوسراست دیگری «ویلا کاتر» Willa cather است که در نوشتن داستانهای غم انگیز مهارت دارد.

«الن گلاسگو» (۱۸۷۴-۱۹۴۵) نخستین داستان خود را در ۱۸۹۷ منتشر میکند ولی در سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۴۰ هنگامیکه ادبیات سیاه رونق میگیرد مشهور میشود وی تقریباً مبدین ادبیات تعلقی دارد و از آنجا که مانند «کالدول» و «فلکنر» از جنوب برخاسته است مانند آند و افسوس میخورد از اینکه این تمدن از اوج سر بلندی بخاک پستی افتاده و راه فساد پیش گرفته است، از نظر سبک و طرز بیان معنی از عادات و رسوم قدیم پیروی میکند و بی آنکه بخود رنج و زحمتی هموار دارد باخوش طبعی و ظرافت وقایع را توضیح میدهد و فقط معنای نهفته و عمیق آثار او غم انگیز است داستان «زندگی مصون» Sheltered life زندگی مصون اشراف جنوب را شرح میدهد زندگی که بر اثر فراوانی ثروت از دستبرد مصون مانده مردمی که چنین زندگی کنند از وسائل آسایش و تعلیم و تربیت بهره‌ای وافر دارند و سنن و عادات را محترم شمرند و لسی با اییهمه قهرمانان این داستان البته بنحوی مختلف به اندازه بدبختانی رنج برند که تن را با کارهای

سخت و جانگاہ فرسوده میکنند و در کلبه‌هایی متعفن روزگار می‌گذرانند این قهرمانان چون از حادثات دهر در پناهند باز بچه افکار بر آزار خود گردیده و همه را در بند آنند که چگونه حس غرور و خود پرستی خویش را ارضاء کنند افکار زمان فراغت آنان بسیار خسته کننده و شکنجه آور است. درست است که زندگی این اشخاص از مصائب مادی بر کنار است ولی آنان این زندگی را با افکار شوم خود ب صحنه‌ای غم انگیز تبدیل میکنند

«ویلا کاتر» (۱۹۴۸-۱۸۷۶) در نخستین آثار خود «ای کار گر!»

(۱۹۱۳) و «آنتونیای من» My Antonia (۱۹۱۸) ستاینده غم انگیز باختر است در عین آنکه می‌خواهد از تعینات روی برتابد و بنوعی وحدت وجود دست یابد و خود را در طبیعت مستهلك کند نا گفته نگذریم که ستایش از باختر خاص شاعران دوره‌ای دیگر بوده است. «ویلا کاتر» پس از اینکار بر تلخی و بدبینی اش می افزاید غمگین و افسرده میشود کتاب «بانوی گمشده» Alost lady (۱۹۲۳) سرگذشت ملت امریکاست که بصورت این زنی مجسم شده است که هنوز از زیبایی بهره‌ای دارد ولی در گذشته پاک و نجیب واصل بوده است این زن رفته رفته وقار و تشخص خود را ازدست میدهد و پس از مرگ شوهر زنی معمولی میشود و خود را در آغوش فاجرانی می افکند که دامن غف او را آلوده میکنند (۱) شوهر این زن ثروت‌هایی فراهم آورده که اکنون بدست جمعی شیاذ افتاده است «بدون او این زن به قایقی مانند بود که لنگر و بادبان نداشت و دستخوش

۱- نظیر همین کنایه را در کتاب «لوسی گافارو» میتوان دید که قهرمان زن آن مردد است در انتخاب لطف و جاذبه هنر که بوسیله یک موسیقی دان اروپائی تجسم یافته است و لطف و جاذبه یک زندگی تنها که بوسیله مرد ساده و سودا پیشه امریکا مجسم شده است.

بادهای هوسباز میگردید. چنین مینماید که وی قوه تشخیص و قدرتی را از دست داده است که با آن میتواند به آسانی و لطف هر کس را بجای خود نشانده

بدون او.... امریکای واقعی امریکای پیشروان و رهبران و امریکایی بود که مرز آن همیشه بجلومیرفت اکنون که مرز بسته شده و رهبران و پیشروان ناپدید گردیده اند امریکا عقل معاش خود را از دست داده و سرزمین فسق و فجور و اغتشاش گردیده است! در پایان عمر «ویلاکاتر» کاتولیک میشود از نظر هنری وی با مکتب طبیعت پردازی و بی قیدی هنری معاصران خود مخالف است سبکش بسیار دقیق و موجز و موزون است یگانه عیش آنهم در کتابهای خیلی قطور اینست که نسبت و تناسب را چندان مراعات نمیکند و این همان عیبی است که از لطف کتاب شیرین «آنتونی من» میکاهد و آنرا بنظر خواننده عجیب نشان میدهد و هم چنین کتاب «خانه استاد» (۱۹۲۵) عاری از ابهام نیست و بهمین دلیل است که شاهکارهای اوداستانهای کوچکست از قبیل «بانوی گم شده» و «دشمن خونی من» My mortal enemy (۱۹۲۶) در این داستان کوچک «ویلاکاتر» کاملاً اندازه و تناسب را رعایت میکند احتیاط و حساسیت زنانه وی آنروح غمگینی را به قهرمان داستان میبخشد که مایه کمال لطف و جاذبه شاعرانه است



در بین سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۵ بر اثر درخشیدن ستاره اقبال «شرور اندرسن» Sherwood Anderson و «سینکلر لویی» (متولد بسال ۱۸۸۵) در آسمان ادب نام «درایزر» ظاهراً از خاطرها محو میگردد تا

آن زمان این نویسنده استاد مکتب واقع بینی در آمریکا بشمار می آمده است «سینکلر لوئیس» جایزه نوبل را می برد و این افتخاری است که تا آنوقت نصیب هیچک از هم میهنانش نشده است این دو نویسنده متفقاً بر خشکی و یکنواختی زندگی آمریکا می شورند چرا که این زندگی بر اثر مقررات اجتماعی و قدرت صنعتی و محدودیت اخلاق پوریتینی، خسته کننده گردیده است «اندرسن» میکوشد به اختلالاتی پی برد که این زندگی یکنواخت و خسته کننده در «زیر سطح» و در اعماق قلب اشخاص بوجود می آورد «لوئیس» نیز زشتی و حقارت صحنه های اجتماعی را نشان میدهد.

کتاب «خیابان اصلی» main street (۱۹۲۰) و «بایت» (۱۹۲۲) babbitt شهرتی جهانی دارند در کتاب نخست نویسنده غمناکی و خشکی مغنوی شهرنامی کوچک باختر را نقاشی میکند درباره این کتاب می توان گفت که قهرمان زن آن «اما بو آری» (۱) امریکا بوده است «بایت»

(۱) Emma Bovary نام قهرمان کتاب «خانم بواری» گوستاو

فلو براست .

Gustave Flaubert داستان نویسنده فرانسوی متولد در «روئن»

نویسنده کتاب «خانم بواری» .

وی شاهی واقع بین و نویسنده ای بدیع است و سبکی بسیار دقیق

و هنری دارد (۱۸۸۰-۱۸۲۱)

کتاب «خانم بواری» ۱۸۵۷ سرگذشت زنی جوان و هوسباز است که بر اثر خواندن ادبیات گمراه میشود و فساد اخلاق مسایه تهدستی و خودکشی او میگردد خانم بواری که زن یکی از اطباء کوچک روستاست چون آرزو مند زندگی پر تجمل و عاشقانه است از ایفای وظایف خود بازمی ایستد و با استقبال آن زندگی میشتابد که پراز ننگ و مخارج گزاف است روزی که مأمور اجراء برای توقیف اموال منقول بخانه او می آید خانم بواری چون سخت از این امر آزرده و اندوهگین میشود با اسم الفار خود را مسموم میکند .

را میتوان آقای «ژردن» (۱) و «تارتارن» (۲) امریکا دانست شیفتگی اش را به ثروت و مال اندوزی و غرورش را از وسایل آسایش خویش و هم چنین جنبه غلو در احساسات و خستگی و فرسودگی او را نویسنده بخوبی نشان میدهد «لوئیس» در آثار بعدی خود مخصوصاً در کتاب (المرگاتری) Elmer Gantry (۱۹۲۷) با سرزنش و بیغاره به ریاکاری مذهبی حمله میکند و پس از چندی از نو با شدت و حرارتی بیشتر بدین حمله دست میزنند و چنان خشمگین میشود که آن عواطف و شوخ طبعی را که یکی از صفات برجسته اوست از دست میدهد از آن گذشته غالباً گفته را تکرار میکند و فقدان تخیل او را و امیدارد که از نو همان صفات و کیفیات را توضیح دهد و بخوبی میتواند داستانی از خود بسازد و قهرمانان آنرا حقیقی جلوه دهد و آنانرا درست مانند اشخاصی بسخن گفتن و کار کردن وادارد که این قهرمانان میخواهند از آنان تقلید کنند ولی آن قدرت تاثیر و نفوذ را ندارد که براز دلپایی برد و دردها را بشناسد و بدون این قدرت هم بهترین آثار ادبی ساختگی و ناچیز میشوند.

۱ - Jourdain قهرمان اصلی نمایشنامه «نجیب سرمایه دار» «مولیر» Molière (۱۶۷۳-۱۶۲۲) شاعر مشهور فرانسوی است وی بازرگانی نوکیسه است که برای آنکه شیوه و رفتار مردی نجیب را فرا گیرد درس آداب معاشرت را می آموزد «آقای ژردن» خیلی تعجب میکند وقتی از استاد فلسفه خود می شنود که مدت چهل سال که او سخن میگفته «کلام منشور می ساخته است بی آنکه خود آنرا بداند»

۲ - Tartarin قهرمان داستان «الفنوس دوده» Alphonse Daudet (۱۸۳۷-۱۹۲۱) نویسنده مشهور فرانسه است کتاب «تارتارن» اخلاق لافزن ولی ساده مردم جنوب فرانسه را بخوبی نقاشی میکند و اصطلاحاً هر جانا نام «تارتارن» بمیان آید منظور شخص لافزن و ساده ای است.

«لوئیس» بدون دقت و مواظبت چیز مینویسد سبکش که بسیار معمولی و یکنواخت است از سبک روزنامه نگاری تجاوز نمیکند که روان و آسان چیز مینویسد و حال آنکه «شرود آندرسن» (۱۸۲۶-۱۹۴۱) با جملات ساده و صریح خود ذوق و استعداد خویش را ثابت میکند و ظهور «همینگری» را نوید میدهد ولی با اینهمه وی نویسنده ای خوب و ماهر نیست و موفقیت او از آنجهت است که در نویسندگی از افکار «فروید» پیروی میکند و روش تجزیه و تحلیل روحی «فروید» در آن عصر همه را بو حشت میاندازد ولی بنظر ما اشتها بدین صفت کافی نیست و هیچ چیز در کتاب او خستگی و کسالتی را تلافی نمیکند که از خواندن آن بشخص دست میدهد کتاب «واینسورک اهیو» Winesburg, Ohio (۱۹۱۹) او شور و غوغائی پیا می کند این کتاب تجسم مناظر شهری کوچک است که با نقاشی تقریباً بیست حالت روحی، آثار شوم تضییقات اجتماعی و اخلاقی را در روح اشخاص نشان میدهد «آندرسن» با چیزی مخالف است که میتوان آنرا (سلطه افکار غیر) نامید سلطه عادت، مقررات و افکاری که همه آنها را پذیرفته اند خلاصه با آنچه میگویند و میکنند سر مخالفت دارد نصیحت او به طبقه جوان اینست که «آنچه آموخته اید فراموش کنید بخیال کردن شروع کنید» آرزوی وی آنست که بشر زمام اختیار را بدست تمایلات و «تخیلات تاریک» خود دهد ولی این تخیلات در واقع چنان تاریکند که انسان بخوبی نمیفهمد که وی از چه میخواهد سخن

۴- Sigmund Freud طبیب روحی اطریشی است متولد در «فرای برک» (۱۸۷۳-۱۹۳۹) که بر اثر روش تجزیه و تحلیل روحی خود بسیاری از اعمال بشری را بوسیله نفوذ روحی امیال جنسی تفسیر میکرد.

بگوید «آندرسن» چون شخصی که در تاریکی گمشده‌ای را بیابد در جستجوی آن تمایلات نهفته است که بزنگی معنی و مفهومی می‌بخشد ولی سرانجام وی بکشف این تمایلات موفق نمیشود قهرمانان کتابش را تمایلاتی مبهم راهنما و محرك است تمایلاتی که برای آنان مبهم است همچنانکه برای خود نویسنده تمایلات قهرمانان کتاب (آندرسن) مانند تمایلات قهرمانان کتاب «درایزر» و یا «کلدول» (که جز جوامع ضروری نمیشناسند) امیال یا حوائجی ضروری و طبیعی نیستند بلکه تمایلاتی هستند نامعین و مبهم که معلوم نیست از کجا آمده‌اند و هدف آنها چیست و چه کسی دارنده آنهاست «آندرسن» همیشه کم و بیش بکسی ماند که خود نیز نمیداند از چه سخن میگوید کتاب «خنده‌های مرموز» (۱۹۲۵) را که اثری بزرگ و شاعرانه دانسته‌اند داستانی بدون‌انچیز است که در آن افکار «فروید» بصورتی هرچه ساختگی تر و حکمت اشراق بنحوی پر استعاره نقل شده‌است.

۵ « شعر جدید »

شعر جدید با ظهور مجله « شعر جنگی از اشعار » Poetry . a Magazine of verse در صحنه ادبیات وارد میشود شماره اول این مجله در سال ۱۹۱۲ بچاپ میرسد این مجله بزودی مشهور میگردد و بخاطر آنکه صفحات خود را برای کلیه شاعرانی باز گذاشته است که از حیث تمایل و افکار و نژاد باهم اختلاف دارند بترویج و توسعه شعر امریکا خدمت میکند مجله (شعر. جنگی از اشعار) بدسته‌ای خاص تعلق ندارد ولی از آنجا که اسمش با مسمی کاملاً مطابق است خود را در اختیار شاعران میگذارد بی آنکه بفکر ترجیح مکتبی بر مکتب دیگر باشد.

در طی چهار سال یعنی از ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۶ بی در پی مهمترین شاعران دوره جدید پا بعرصه ظهور مهگذارند این شاعران عبارتند از «و. ای لئونارد» W. E. Leonard «وچل لیندسی» Vachel Lindsay «گارل سند بورك» Carl sandburg «جیمز اپن هایم» James oppenheim «پا اوند» Round «آمی لول» Amy Lwell «و شاعران مستعار» «ربرت فرست» Rbert Frost «ادگار لی مسترز» Edgardlee masters «جی. ج. فلچر» J. G. Eletcher و غیره ...

این شاعران را که همه با یکدیگر اختلاف دارند بیش از يك وجه مشترك بهم نزديك نمیکند و آن اینست که همه زبان «شعر» و لغاتی مانند آسمان لاجوردین و هزارستان و سوسن و پنجره و غیره را از عرصه شاعری بدور افکنده اند.

همه این شاعران در جستجوی اشکال تازه ای از شعر هستند ولی در هر نوع شعری که باشد «ماسترز» استعاره را مانند عادات و سنن شعری ناپسند و زشت میدانند و شعرای مستعار آنرا اصل شعر و شاعری میشناسند برخی نیز مانند «کنراد ئیکن» Conrad Aiken موسیقی لغات و وزن آنها را می پسندند که عده ای بوحشت از آن دوری میجویند پاره غزل سرا و احساساتی هستند مانند «لیندسی» و «ساند بورك» و حال آنکه عده ای دیگر خشك و بی عاطفه اند مانند «ماسترز» یا احتیاط پیشه و عقیف اند چون «فرست» همچنین از نظر موضوع شعر «الیوت» Eliote یا «ماک لیش» Mac Leish در ماوراء الطبیعه بحث میکند و شعر (اج. دی) D. H. خاتم کاری و تصویرنگاری و شعر «لیندسی» در امور اجتماعی و پیش بینی آینده و شعر «ساند بورك» در صنعت و شعر فرست در امور کشاورزی

خلاصه شعر امریکا در هر موضوعی که باشد بحث میکند و هیچ چیز بنظر آن بیگانه نیست .

این شاعران همه را در دنبال آنند که بدانند شعر از چه ساخته میشود و مانند همیشه آنرا در جایی میجویند که وجود ندارد هنگامیکه بی میبرند که شعر در نظم و هماهنگی نیست «ساندبورك» اشعاری بدون وزن و قافیه میسازد پس از چندی بدین واقف میشوند که شعر در عدم وزن و قافیه نیست و دوباره دست بدامن نظم و وزن و قافیه میزنند و هنوز چون می بینند که شعر در عشق بطبیعت نهفته نیست «ساندبورك» در ستایش ماشین و کارخانه ذوب آهن و کوره های پر دود شعر می سراید و چون شعر را در فکر و تعقل می یابند شاعران مستعار هنر خود را وقف توصیف مناظر كوچك میکنند .

«لیندسی» بحکمت اشراق سطحی میپردازد ولی این کار برای آن است که با «پاوند» و «الیوت» همداستان گردد و بحث در حکمت مشایی را آغاز کند .

«ماسترز» و «لیندسی» دو شاعری هستند که بیش از همه در راه ترویج شعر در میان عامه مردم کوشیده اند انتشار کتاب قطعات منتخبه Spoon River Anthologie تألیف «اگارلی ماسترز» در ۱۹۱۵ غوغائی حقیقی در جهان ادب بوجود می آورد و آن اینست که از مکتب طبیعت پردازى شاعری برخاسته است ! این کتاب مجموعه ایست از دو بیست قطعه شعر كوچك هجو آمیز که بدون وزن و قافیه سروده شده اند سبك نگارش آن روان و طعنه آمیز است و بسختی و تلخی زندگی مردم یکی از شهرهای كوچك «باختر میانه» را انتقاد میکند نویسنده در این کتاب

فقط حقایق را از نظریك واقع بین مینویسد و با وهم و ریاکاری مبارزه میکند و بر شعری ریشخند میزند که از روی احساسات تند آتشین ساخته شده باشد.

«واچل لیندسی» برخلاف دیگران میخواهد شاعر توده باشد و برای ترغیب مردم به «هنر اجتماعی» در سراسر قاره امریکا سفر میکند سروده‌های او که از تصانیف سیاه بوستان و اشعار قدیم که بسبک کتاب مقدس سروده شده الهام یافته. پسند دلها میشود ولی محافل ادبی توانگران بیش از عامه مردم از این اشعار استقبال میکنند منظور «لیندسی» آفریدن هنریست که زبان حال توده‌ها گردد ولی از این نکته غافلست که اینگونه هنر آفریده نمیشود و ملت یا توده آنرا ایجاد میکند. از آن گذشته وی عقل سلیم و ذوق خود را برای ایجاد اشعار مؤثر و هیجان انگیز و تصانیف بکار برده است «جیمز اوپن‌هایم» را میتوان به عنوان شاعری پیشگوبدو تشبیه کرد

«رابرت فرست» (متولد در ۱۸۷۵) شاعر کشاورز «ماساچوست» و «ویژیل امریکا» و محققا راستگو ترین شاعر عصر خویش است و مانند معاصران از اشعار احساساتی و مکتب رمانتیسم بپرازی میجوید ولی این بیزاری در وی عکس العملی ساده و خیالی نیست که با آن بخواهد از نظر ادبی در جستجوی موضوعی تازه باشد بلکه ناشی از آنست که وی بزیبائی عشقی سوزان دارد واقع بینی او از آن جهت است که واقعاً با اشیاء و قضایای طبیعت تماس دارد و بعقیده او توهمین بطبیعت است اگر کسی بخواهد این اشیاء یا قضایا را تعبیر و تفسیر کند و یا آنها را بسخن گفتن وادارد «آنچه بیش از حقیقت باشد خیلی کم بنظر میرسد»

وی در آفتاب صدای داس خود را می‌شنود که ساقه‌های گندم و جورا
میدرود داس چه می‌گوید؟ هیچ، و هنوز صدای پرندگان را می‌شنود که
بر فراز ویرانه‌های یک قلعه آواز می‌خوانند
« باید از احوال زمین آگاه باشیم تا باور نکنیم که پرندگان
می‌گریستند »

« ماسترز » که در « شیکاگو » وکیل دعاوی است زندگی روزانه را
مسخره می‌کند ولی « فراست » که کشاورز است خود را در این زندگی
سهم میداند

در عوض اگر وی واقع بین است پیرو مکتب طبیعت پردازی نیست
(« فراست » می‌گوید : وی بسیب زمینی قناعت میکند که خوب
پاک شده است نیازی نیست که این سیب زمینی پراز گل و خاک باشد تا وجود
واقعی آن ثابت گردد. بنظر من آنچه هنر برای زندگی میکند آنست که حتی
صورت ظاهری آن را هم بدور افکند)

وی بیطرفانه اشعاری موزون با قافیه یابی قافیه میسر اید تخیل و هیجان
او حقیقی و قوی است ولی همیشه از اظهار آنها تاحدی خودداری میکند و
اشارات فلسفی و یا اخلاقی را در خال آنها می‌گنجانند با اینهمه اشعار کوتاه
و موزون او بیش از همه در ما اثر میکند اشعار نقلی و مکالمات او که عمداً
آنها را عامیانه و بایانی نارسا سروده است مسلماً از نظر شعر شاهکار پستی
هستند چرا که منظور او هم همین بوده است ولی اگر در باره آنها
بیطرفانه قضاوت کنیم و نخواهیم با مکتب « رماتیک » مخالف باشیم مشکوک
می‌نماید که این صفات مخصوصاً برای ابداع شاعرانه مساعد باشند « ویلیام
الری لئونارد » William Ellery با آنکه از نظر ادبی ارزشش از

«فراست» کمتر است (چرا که شعرش به شعر قرن ۱۹ انگلیس بشهر شباهت دارد) اشعار گیرا و هیجان انگیز میسر آید اگر وی با اشعار خود شعرای بزرگ را بیاد میآورد بخاطر آنست که خود نیز یکی از آنانست و شباهت هائیرا که بآنان دارد ناچیز و حقیر می‌شمرد از آن گذشته وی کاملاً بعصر و دوره خود تعلق دارد نه از لحاظ لفاظی و عبارت پردازی بلکه از اینرو که در عصر و دوره خود زندگی میکند و در پی آن نیست که کاخی از عاج در عالم خیال بسازد و در آن بسر بردی در مصائب و سختی‌های مردم معاصر سهیم است و به مسائل خاص عصر می‌اندیشید و بجای آنکه فکر خود را تا سطح این مسائل پائین آورد می‌تواند موضوع‌های روز را از حیث عظمت پیاپی بلندترین اشعار برساند.

شعراى مستعار - شعراى مستعار را نخست «اذراپاوند» Ezra در انجمنی گرد می‌آورد و در سال ۱۹۱۴ در کتابی مقداری از پر مغزترین اشعار آنانرا درج میکند سپس خود از جمع این شاعران کناره می‌گیرد و «آمی‌لاول» که در آنوقت در انگلستانست مدیر این انجمن میشود که در آن سه شاعر انگلیسی و سه شاعر امریکائی نیز وجود دارد از اینقرار : «ا. ج. دی» (هیلدا دولی تل) Hilda Doolittle «جان گود فلچر» John Gould و خود او، انجمن این شاعران آناری منتخب تحت عنوان، «چند شاعر مستعار» در ۱۹۱۵ و ۱۹۱۷ منتشر میکند بیانیه آنان شامل شش نکته است

- ۱- بکار بردن زبان مکالمه جاری ولی همیشه بجای لغاتی که جنبه ترفین دارند باید لغت صحیح را بکار برد
- ۲- اختراع بحور و اوزان تازه‌والی نه شعر آزاد (شعر بدون

وزن و قافیه

۳- اختیار کامل در انتخاب موضوع

۴- تجسم يك استعاره، شعر نباید بصورت کلیاتی مبهم باشد حتی اگر

این کلیات زیبا و دلایز باشند

۵- سرودن شعری که سلیس و واضح باشد نه شعر مبهم و مظنن

۶- «تمرکز فکر» جوهر و ذات شعر است

این اصول که باندازه کافی معقول و پسندیده اند بسختی مورد حمله

مخالفان قرار میگیرند و در نتیجه موفقیت نصیب شاعران مستعار میشود

در واقع «اج. دی» بدین اصول کاملاً معتقد است و از آنها پیروی

میکند اشعارش مانند عباراتی که بر مجسمه های شهر «تاناکرا» (Tanagra)

(یکی از شهر یونان که در آن مجسمه هایی فراوان بدست آورده اند) نوشته

شده، کوتاه و پرمعنی و صریح و با اصطلاح پر نقش و نگار است. خواندن

چند خط خاطرات گذشته را در دل خواننده بیدار میکند و هیجان و تائری

دراو پدید می آورد که شاعر تا حدی از اظهار کامل آنها خود داری کرده

است «آمی لاول» طبع خود را در کلیه انواع شعر می آزماید از قطعات شعری

قدیم گرفته تا نثری که الفاظ کثیر الصوت را بکار می برد. بر اثر تجربیات خود

که همیشه با موفقیت همراه بوده است وی بیشتر با استاد موسیقی شبیه است

تا بشاعری خلاق و صاحب نظر، «جی. ج. فلچر» نیز به تألیف آثاری

موفق میشود که با اصول مکتب شعرای مستعار کاملاً مخالفت دارند و او را

بیشتر پیروان مکتب «ویت من» نزدیک میکنند یعنی به «ساند بورگ»

و «لیندسی»

فصل ششم

ادبیات سیاه

چون ادبیات سیاه چندین سالست که رایج گردیده بسیاری از کسان همت خود را مقصور یافتن علل پیدایش آن کرده اند این علل پیچیده و تاریک برای محقق ادبیات امریکا باندازه کافی روشن و صریح اند بطور کلی نومیذی نصیب کسانی میشود که تخیلات و اوهامی بزرگ در سر داشته اند و چنانکه میدانیم امریکا سرزمین امیدهای بزرگ بوده است از زمان پورتین ها که میخواستند در این زمین بکر سلطنت فضائل را برقرار دارند تا دوره علمائی که خیره ترقی و سعادت باور نکردنی شده بودند همه این امید را داشتند که ترقی مادی، خوشبختی و کامروائی را به همراه خود می آورد ملت بزرگ امریکا که ترقیاتی شگرف نصیبش شده بود این ترقیات را نتیجه مهارت و خردمندی خویش میدانست و چنین می پنداشت که می تواند جهانی نو بسازد که در آن همه امیدها و فکرها جامه هستی پوشند. این ملت چون در حال آسایش و ترقی بود خود را از دستبرد مصائب در پناه می دانست و چون توانگر بود گمان میکرد که دانا و خردمند نیز هست

ولی ملت آمریکا چون به آخرین حد افزایش رسید و تمام قاره امریکا بتصرفش در آمد و منابع آنرا استخراج کرد پی برد که بجای تحمل و شفقت کینه نژادهای مختلف را در دل گرفته است (مسئله سیاه بوستان فقط در امریکا مطرح شده است) احزاب به یکدیگر کینه می ورزند جنوب با شمال و مشرق با مغرب سرچنگ دارد بجای حکومت عامه استبداد پول

و بجای تعاون استشمار فقیران بوسیله توانگران بمیان آمده است و هنوز ملت آمریکایی بی برد که مانند گذشته مردم از زندگی خسته میشوند و رنج میبرند. چنانکه می بینیم ادبیات سیاه نمودی ناگهانی نیست بلکه مرحله نهایی ادبیات انتقادی است که در پایان قرن ۱۹ ناظر پیدایش آن بوده ایم ادبیات انتقادی پایان قرن ۱۹ عکس العملی در برابر حس خوش بینی بآثار ملی و سنن قدیم بوده است واقع بینی ترسناک ادبیات سیاه را در آثار «درایزر» می یابیم و علاقه و ذوق آنرا به زور و قدرت در آثار «لندن» و تمایل آنرا به موضوع های وحشت انگیز در آثار «یرس» و اینکه این ادبیات به تلخی و غم انگیزی وقایع جهان و قضایای طبیعت را تعبیر می کند بخاطر آنست که «استفان کرین» در گذشته این درس را بدو داده است این صفاتی را که شرح دادیم نویسندگان جدید بصورت اصول و قواعدی تدوین میکنند و در پیرامون هر يك از آنها بحث میپردازند تا واضح تر و برجسته تر گردند.

در این هنگام آتش جنگ ۱۸ - ۱۴ برافروخت و احساس اغتشاش و فساد اجتماع امریکا را در دلها پدید آورد برای فرانسویان جنگ حادثه ای طبیعی بود چرا که فرانسه تهدید شده، از خود دفاع میکرد و اینکار مشکلی پیش نمی آورد ولی در امریکا چون توده مردم مستقیمأ خطر را احساس نکرده بودند بزودی این مسئله بمیان آمد که جنگ برای چیست؟ و همینکه جوش و خروش دلاوری آغاز کار در گلهای سنگرها سرد شد همه چنین احساس کردند که برای دیگران جنگ میکنند و جنگ کرده اند و این جنگ هم بیهوده بود چرا که میتوانستند از آن دوری جویند.

«در هر جنگی که باشد دولتی بینوا چون بلژیک یافته میشود و معمولاً

نیز هر يك ازدو طرف متخاصم در جلو خود دولتی چون بلژيك دارند که باید آنرا تصرف کند

این سخن یکی از قهرمانان کتاب «الن گلاسگو» است و «توماس ولف» می نویسد «..... ملت امریکا که از بندهذیان ها و افکار واهی نخستین خود رهایی یافته بود شروع کرد که دستگاههای جنگ را بکار اندازد دستگاههایی که برای ساختن و پرداختن کینه و دروغ هستند ، دستگاههایی که برای افزودن حجم افتخار ساخته شده اند دستگاههایی که برای زنجیر کردن و اعدام مخالفان بکار میروند و دستگاههایی که افراد را بصورت فوج و سپاه بیرون می آورند و آنرا بجان یکدیگر میاندازند»

مردم روشن روان و دل آگاه امریکا بار دیگر پی بردند که ریاکاری و دروغزنی در کشور فرماندهی می کند آیا «ویلسن ۱» رئیس جمهور بیش از همه طرفدار جدی صلح نبود ؟

جریان وقایع و قضایا پرده پندار و اشتباه را پاره میکند پنجاه سال است که برای حذف شرکتهای بزرگ قانون پشت سر قانون میگذرانند ولی این شرکتهای هیچگاه بدین درجه از قدرت نرسیده اند و بعزت دین داری و تقوی زمامداران امریکا آشامیدن مشروبات الکلی را منع میکنند ولی اینکار گرمی بازار دزدی را سبب میشود و الکل چنان قدر و اعتمادی مییابد که تاریخ هیچگاه نظیر آنرا نشان نداده است مست بودن هر روزه معمول و متداول میگردد یعنی نشانه وقار و تشخص میشود که هر کس باید خود را بدان بیاراید حقارت کینه آمیزی که مردم نسبت به

Thomas woodrow wilson استاد دانشگاه و مورخ امریکائی

متولدد «استانتن» از ولايات «ویرژینی» وی در ۱۹۱۲ بریاست جمهوری کشورهای متحد امریکا انتخاب گردید و امریکارا در نخستین جنگ جهانی وارد کرد (۱۹۲۴-۱۸۵۶)

سیاهان دارند و با افزایش مینهد چنانکه داستانهای «تی. اس استریبلینگ» T. S. Stribling شاهد این مدعاست مردم امریکا بر سیاهان کینه میورزند از آنرو که می بینند آنان در راه تعلیم و تربیت خود میکوشند و جائزه های دانشگاه ها را میبرند و کتاب مینویسند و مردم را بنیکو-کاری اندرز میدهند سفید پوستان امریکا به آرزو میخوانند که همه سیاهان را بکشند ولی موسیقی آنرا تقلید میکنند.

پول یگانه قانونگذار و پادشاه فرمانده است مذهب از میان این اجتماع رخت بر بسته و اصلاحات ظاهری دین مسیح که به سنت و عادت و اصل و قاعده و مرجعی اتکاء ندارد حالت رکود بخود میگیرد و در برابر تحقیقات علمی بنیایش فرو میریزد در این اجتماع دیگر اخلاقی وجود ندارد و آن صورت ظاهری دین «پورتین» که پرده هائی بر سر آرها و سود پرستی ها و زور گوئی ها میپوشد بر اثر پیشرفت فلسفه «فروید» از میان میرود و اجتماعی که زبان حالش ادبیات سیاه است دیگر بقدرت و اعتبار خویش ایمان ندارد از این جنگ چه سودی برده است؟ فایده داشتن بزرگترین ساختمان ها چیست؟ و از داشتن بزرگترین توانگران جهان چه حاصل؟

این اجتماع دیگر به عشق و محبت معتقد نیست چون سخنان پیروان مکتب رمانتیک پایان رسیده و از آن گذشته صحت این سخنانرا هیچ آزمایشگاهی تایید نکرده است ازدواج نر و ماده بصورت يك احتیاج ساده و طبیعی بیرون میآید راست است که این احتیاج فرح بخش و نشاط انگیز است (قهرمانان کتاب « پاسس » پس از آنکه شبی را دو نفری (زن و مرد) باهم بسر برده اند میگویند خوب خوش گذراندیم) ولی لذت آن هیچگاه پیاپی جام باده نرسد همه کس باور دارد که زن شیئی

جالب و دلرباست ولی مشکل پسند و پر حرف و خانه بر انداز نیز هست چند دقیقه عشرت و کامرانی برای شخص آن خطر را دارد که سالها به نزاع خانگی و ایفاء تعهداتی گرفتار آید و حال آنکه جام باده بنحوی لذت بخش خاموش و بی غوغا است.

در این اجتماع کلیه ارزش های معنوی مقام خود را از دست داده اند و این احساس در دلها پدید آمده که زندگی بیهوده و ناچیز است نومیدی بر روانها چیره گشته و مادیت صرف از نظر علمی نیز راهنمای کسانی شده است که چشمانی باز و دلپائی حساس دارند ولی اشخاصی مانند «برگسن» و «پگی» و حتی «گارل» در میان آنان وجود ندارند تا بنحوی حقیقی و

۱- (Henri Bergson) فیلسوف فرانسوی متولد در پاریس (۱۸۵۹-۱۹۴۱) منظومه فلسفی او متکی است به لدنی بودن معلومات وجدان. این معلومات بنظر برگسن از مفهوم فضا عاری هستند آثار مهم او اوعبارتند از (تبعی در باره معلومات لدنی وجدان ماده و حافظه. تحول خلاق) وی عضو فرهنگستان فرانسه بود «پلن وال» در تاریخ ادبیات فرانسه در باره «برگسن» مینویسد (برگسن که از قید فلسفه تحقیقی خود را آزاد کرده است میکوشد در منظومه ای از فلسفه ماورالطبیعه که بر پایه الهام و اشراق استوار است پیچیده ترین مفاهیم را که به زمان و مکان و زندگی تعلق دارند باهم تلفیق کند)

۲- (Charles Péguy) نویسنده فرانسوی متولد در اورلئان (۱۸۷۳-۱۹۱۴) وی پیرو فلسفه اشراق و مردی وطن پرست بود.

۳- در تاریخ علم و ادب فرانسه دو تن بنام «گارل» نامبرده شده اند که یکی (Alexis Carrel) کالبد شناس فرانسوی و صاحب کشفیاتی است در باره پیوند بافته و بقا آنها در خارج از بدن وی در ۱۹۱۳ جایزه نوبل را میبرد (۱۸۷۳-۱۹۴۵) و دیگری Armand carrel روزنامه نگار فرانسوی متولد در «روئن» است که روزنامه (ملت) را در ۱۸۳۰ تاسیس کرد و با حکومت مشروطه ژوئیه از در مخالفت در آمد و در جنگ تن به تن بدست «امیل دو ژیرارون» Emile de girardin کشته شده گویا منظور نویسنده از گارل همین شخص اخیر باشد.

مردانه ارزش‌های معنوی و غیر مادی را از نو رونق و اعتبار بخشند

۱ - رمان

«لوئی برمفیلد» Louis Bromfield نویسنده کتاب «بادهای موسمی اقیانوس هند» باندازه «فلکنر» یا «همینگوی» مشهور است موفقیت‌هایی شکفت انگیز که رمانهای تاریخی مانند «آنتی آدورس» Anthony Adverse نوشته «هروی‌الن» Hervey Allen (۱۹۳۳) و «بربادرفته نوشته «مارگت میچل» Margaret Mitchell (۱۹۳۷) و اخبار افسانه آسای خانم «پرل بک» Pearl Buck درباره کشور چین از نظر فروش بدست آورده اند نشان میدهند که داستانهای عاشقانه و تخیلی تا چه اندازه در عامه مردم تاثیر دارد ولی این امر کاملاً عادی است این نویسندگان «کرنن» Cronin و «پیرنوا» کشورهای متحده امریکا هستند که خوانندگان خود را با وسائلی هرچه معمولی‌تر مجذوب آثار خویش می‌کنند از همه عجیبتر آنست که کتابهای «فارل» و «پاسس» و «فلکنر» نیز بفروش میرسند چرا که خواندن این کتابها مشکل است نگهداشتن خواننده در حال انتظار بوسیله پیچیده و مرموز کردن مطالب و ترتیب وقایع ناگهانی کاری است که این نویسنده‌گان همه از آن بیزارند مخصوصاً در کتابهای آنان هیچگاه تغییراتی غیر مترقب روی نمیدهد و از آنجا که دقیقاً واقع بینند چون شاهدی قضایا را نقل میکنند و اجتناب دارند که از خود شرح و تفسیری بر آنها بیافزایند زشتی‌ها و پستی‌های جامعه را چنان بروشنی و درستی نقاشی میکنند که خواننده بتنهائی میتواند آنها را تفسیر کند بی

۱ - Pierrebenoit داستان نویسنده فرانسوی متولد در «آلی»

سال ۱۸۸۶ نویسنده «کونیکسمارک» «اتلانتید» و غیره، عضو فرهنگستان فرانسه.

آنکه نیازی براهنمایی نویسنده باشد از همین روی وجه مشترك كتب این نویسندگان یکنواختی آرام و نمایش آخرین حد سببیت اخلاق و اشخاصی است که آنانرا توصیف میکنند مطابق این توصیف امریکا سر زمینی است که مشتی اوباش و فاحشه و رند باده خوار و پول پرست نابکار و آدم کش گمراه و امثال «تارتوف» و جمال پرستانی از نوع «منت پارنو» Mantparno در آن بسر میبرند علت این موضوع را «هانری کلوآر» Henry clouard بنحوی ماهرانه در مورد «ژید» بیان میکند (که تعلیم و تربیت پورترین ها در نهاد کلیه کسانی که از بند این تعلیم و تربیت آزاد میشوند کینه ای نسبت به آنچه فضیلت مینامند پدید می آورد ولی مشروط به آنکه کاملاً به (آنچه که فضیلت مینامند) دقت شود چرا که فضیلت نیست که این نویسندگان بدان کینه دارند بلکه ریاکاری

۱- Tartuffe نام نمایشنامه ای بشعر در پنج پرده که «مولیر»

شاعر قرن ۱۷ فرانسوی در سال ۱۶۶۷ آنرا نوشته است این نمایشنامه یکی از شاهکارهای مضحك صحنه نمایش فرانسه بشمار می آید «تارتوف» آدمی ریا کار است که در خانه «ارگن» نجیب و توانگر راه می یابد و میکوشد که با دخترش ازدواج کند و زنش را بفریبد و دارائی صاحب خانه را از چنگش بدر آورد. بسیاری از عبارات این نمایشنامه مشهور بصورت ضرب المثل در آمده اند - از این قبیل .

هیچکس در اینجا بکسی احترام نمیکند همه بلند حرف میزنند
گوئی در بار بلخ است بستم شما احمقید و احمق هم بیش از چهار حرف ندارد
و من مادر بزرگ شما هستم این حرف را بشما می زنم.

آه شما عابدید و خشمگین میشوید!

با خدا میشود کنار آمد .

۲- André gide نویسنده فرانسه متولد در پاریس سال ۱۸۶۹.

مصنف «مائه های زمینی» «رذل» «در تنك» « جا علان سكه » یکی از
مفاخر این نویسنده بردن جائزه نوبل است .

است و چون بر اثر قانون جاودانی عمل و عکس العمل شعر همیشه در حال افراط و تفریط است قرنی که در طی آن مردم آداب و رسوم دین پورترین را آموخته اند قرنی را بوجود آورده که گستاخی و بیشرمی پیشه همه کس گردیده و ادبیات مستهجن رواجی یافته است مسلک پورترین ها چون برخی موضوعات را از صحنه ادبیات بدور افکنده و قهرمانان خود را بصورت دیوی درآورده است که از نظر اندام و پیکر جز سرودلی ندارند در عوض ادبیات جدید غولانی را مجسم میکند که جز حلق و شهوت نمیشناسند زبان آنرا نیز از یاد نمی برد چرا که بهمان اندازه باده می نوشند که بر حرفی میکنند یعنی بدون توقف حرف میزنند هنوز باید گفت که عمداً من لغت ادبیات مستهجن را بجای شهوت پرستی بکار میبرم در واقع این نویسندگان در حالیکه آن گستاخی و هتاکی را بمتمهاده درجه میرسانند که از (درایزر) بارث برده اند نه کتاب (خدای پیکرها) و نه کتاب (عاشق خانم چاترلی) را بیاد نمی آورند که در آنها (رمنز) Romaine و (لرنس) Lawrence که میخواهند پاکی و نشاط عشق شهوی را نشان دهند میکوشند از نویکر و اندام آدمی رازبیا و شریف جلوه دهند چرا که این اندام بنحوی نفرت انگیز مورد افترا و تهمت قرار گرفته است ولی از آنجا که این دو قهرمان خوی و منش امریکائی را از دست نداده اند نمیتوانند خود را از تعلیمات غم انگیز پورترین ها آزاد کنند از اینروست که همیشه در دل از جهان بیزارند و یا خنده ای مکارانه بر لب دارند کتاب (جوانی استدرس لونی گان) Studs Lonigan (۱۹۳۴) نمونه بارز این نوع ادبیات است که در آن (جیمز تی. فارل) James . T در چهار صد صفحه یکنواخت ولی منظم سقوط جوانی را نقاشی میکند بعلاوه صحنه

از عیش و بدمستی که بالاجبار به هتك عفتی منفور و خونین خاتمه
مییابد و با اینهمه^۲ (استدس) هوس دارد که مردی توانا و ستوده
گردد آری وی از نظر پیکر و اندام توانا و قهرمان (بیس بال) است ولی
از نظر اخلاق بر اثر فقدان شخصیت پست و نادان و سست عنصر و خونخواور
است از تعلیم و تربیت و ظرافت بهره‌ای ندارد مسلماً جهان از اشخاصی
چون او مملو است ولی باید در کتاب نیز با آنان روبرو شویم با ظهور
(فارل) در عرصه داستان نویسی کتاب خواندن دیگر پناهگاهی نیست که
در آن خوانند لحظه‌ای از غم ایام فارغ گردد و در عالم خیال پیرواز آید
بلکه خواننده بر اثر خواندن کتاب بیشتر باحوال اجتماع و مردم آشنائی
مییابد و از آنچه می‌گریزد گرفتارش میشود (استدس) جز مزخرف و لاطل
نمی‌گوید و فکر نمی‌کند و نصف بیشتر کتاب نقل مکالماتی است که وی با
امثال خود در کافه بمیان مینهد که چگونه سخنانی شرم‌آور و دلفریب با
فلان دختر گفته و با ترس بدن خود را بجامه او سائیده و لاس زده است
و چگونه در کوچه‌ها و خیابانها و لگردی کرده و در این مدت همه را تنها
بوده و اشتیاقی سوزان داشته است چیزی جز خود بیابد پس از اتمام سر
گذشت طولانی (استدس) (فارل) بنگارش ترجمه احوالی از خود بصورت
داستان می‌پردازد که نام جلد اول محتوی آنرا بیان میکند (جهانی که
من نساخته‌ام) A world I never made (۱۹۳۶) این جهانی است که
وی در آن بسر برده جهانی است که صحنه‌ها و مناظری مشترك دارد و
یکنواختی و ناچیزی آن نوید کننده است و هنوز چون واقعیت دارد همان
مکالمات مکرر و همان نزاعها و همان ناله‌ها و فریادهاست که پی در پی
در آن تجدید میشود (فارل) که دیگر پادشاه سبك واقع بینی است کتاب

هائی را بدین سبک مینویسد که هر کدام بانصد صفحه دارند همه این کتابها از واقعیت تقلید کرده اند و بهمین علت هم از لطف و زیبایی بهره ای ندارند و سراسر آنها چون واقعیت یکنواخت و خسته کننده است از خود میتوان پرسید که چگونه خواننده ای همه این کتابها را میخواند که بر اثر وجدان هنری مجبور به مطالعه کلیه آثار نویسندگان نیست.

«توماس ولف» Thomas wolfe معاصر وی جالب تر می نویسد چرا که اگر روش «فارل» را میتوان به شطی تشبیه کرد آرام و یکنواخت که گل آلود یا کف کنان و نعره زنان بر شن ها فروزید سبک «توماس ولف» برودی ماند غالباً سرکش که در نشیب هائی بسیار تند پرتاب شود و از نوبه آهستگی و ظرافت بالاجهد و یا برنگ پرتو ستارگان در آید که در دل شب در آسمان آبی فلک جا گرفته اند برخلاف «فارل» داستانهای وی طولانیست نه بخاطر آنکه بخواهد هیچیک از پستی ها و زشتی های فراوان و بیشمار بشری را ننوشته نگذارد بلکه برعکس هر یک از قهرمانانش را موجودی استثنائی میداند همه چیز بنظر او جالب و هیجان انگیز می نماید و چون طبعی آتشین دارد میتواند پدری مست و یا مادری خسیس و یا خواهری بد خوی و برادری الکن را بصورت دلآوری جانباز نمایش دهد از همین روی حس همدردی و مهربانی او که بتمسخر یا تلخی آمیخته است گاهی داستانهای غنائی و شیوا پدید می آورد که میتوانند حد زیبایی و سخندانی باشند ولی از آنجا که مانند «درایزر» آن وسوسه را دارد که همه چیز را بگوید برای گفتار خود هیچ حدی قائل نیست کتابهای او پس از آنکه ناشر مقداری از مطالب آنها را حذف کرده است هر کدام ششصد یا نهصد ورق بزرگ دارند که باحروف ریز چاپ شده است مرگی ناپهنگام در ۳۸

سالگی یعنی در سنه ۱۹۳۹ لازم است که این سیل کتاب را از سر چشمه خشك كند

موضوع این کتاب‌ها! خود او یا کشور امریکا هستند در کتاب « به خانه بنگر » Laok Homeward Angel (۱۹۲۹) و در کتاب « زمان ورود خانه » Of Time and the river (۱۹۳۵) و همچنین در آثاری که پس از مرگ از وی بچاپ رسید . آنچه می‌نگارد زندگی خود اوست که همیشه در این باره نکته‌ای گفتنی دارد ولی اگر بخاطر واقع بینانی و انتقاد از اجتماعی که آنرا تجربه و تحلیل میکند بتوان او را بعصر و دوره خود متعلق دانست شخصیت استثنائی و بنوع نویسنده‌گی او را از دیگران ممتاز میکند سبك او غنائی ترین و عالیت‌ترین سبکی است که ادبیات امریکا تاکنون بوجود آورده این سبك ساده و روان و پرهیجان و شاعرانه است و نامرحله عالی پیش میرود

« شعبده باور نکردنی درختان گل‌دار هلو در ماه آوریل ، بوی رودخانه‌ها پس از آمدن باران ، عظمت آسمان و نخستین سبزی نهالی نورسته که در بامداد ماه مه در یکی از خیابانهای شهر دیده شود . آواز پرندگان که در روشنایی صبح یکبار دیگر در هوا طنین افکند ، يك فریاد ، يك برگ عبورابر در آسمان این قضایا که روشن اند باندازه ماهی‌هایی که در آب رخشان شنا کنند و حقیقی اند باندازه پیچ‌هایی که برای کوبیدن بازمانده دروغی در دیوار بکار روند و مانند آوریل و هر شعبده دیگر حقیقت دارند دوباره در روشنایی شدید حافظه برانگیخته و آرام نشدنی اومی آمد اومی دانست که برای پایش زمینی بود و برای گرسنگی اش غذائی و برای تشنگی اش مشروبی و برای هیجان وحشیانه این اعتقاد

و این میل، سرعت دوار انگیز و جد و نشاط را به همراه داشت و قسم میخورد که از پای ننشیند تا سرانجام شاهد مقصود را در آغوش گیرد» (ارکتاب زمان و رودخانه) وی احساسی از زیبایی دارد که معاصرانش از آن غافلند چرا که معاصران اوزندانی قیود و فشار اجتماع گردیده‌اند از نظر آنان طبیعت یا کاملاً غایب است و یا به پرده‌ای سخت و غم انگیز ماند که در پیرامون مصائب بشری پیچیده شده است ولی برای او طبیعت واقعی زنده و پرهیجان است و هنوز وجه امتیاز وی از معاصران آن است که بنقل حکایت اکتفا نمیکند و دائماً در جریان آن برای قضاوت و اظهار نظر وارد میشود و افکاری از زبان قلم جاری میکند که افقی دلربا و زیبا دارند و این بدان علت است که وی تنها امور اجتماعی را ناچیز و بی‌هوده نمیداند بلکه اندیشه‌هایش درباره ناچیزی فلسفه ماوراء الطبیعه چنانست که پیروان فلسفه اصالت وجود ما (Enistentialiste) مسلماً آنها را انکار نمیکنند



از آن رو «فارل» و «ولف» را در نخستین مرحله ذکر کردیم که روش یا (فقدان روش؟) آنان مستقیماً آنانرا به «درایزر» مربوط میکند ولی از نظر تقدم زمانی و هم چنین از لحاظ اهمیت پیشوایان حقیقی این نسل نویسندگان جدید (که «گرتروداشتین» Gertrud stein عنوان آنانرا معین میکند هنگامیکه «همینگوی» مینویسد «شما همگی نسلی ساقط هستید») «فینر جرالذ» Fitzgerald و «دس پاسس» و «همینگوی» هستند بر این جمع «تی. تی. کمینگز» (E.E. Cummings) را نیز میتوان افزود که کتاب هجو آمیز و هتاک او یعنی کتاب «اطاق بزرگ» (۱۹۲۲) که با انشامی عمداً خشن و زننده و ناهناسب علیه جنگ نوشته

شده است معاصر است با کتاب « این طرف بهشت » (۱۹۲۰) فیزرالد و کتاب « سه سرباز » دس پاسس (۱۹۲۱) و همان اثر را بوجود می آورد ولی این یگانه داستان « کمینگز » است که در آن بی‌زاری خود را از جهان اظهار میدارد. و پس از آن از نثر چشم میپوشد و نومیدی و دلشکستگی غرور آمیز خویش را بزبان شعر بیان میکند

آنچه مایه امتیاز این نویسندگان میشود بیش از وقوف آنان بدین نکته که بنسلی ساقط تعلق دارند (و این امر هم مولود جنگ است) و برای آن عقل و ادراک یافته اند که « اثری از خدایان زنده در جهان به بینند و همه جنگ‌ها را تمام شده و ایمان‌ها را بردباد رفته یابند » - مایه امتیاز آنان همان وجدان هنری است اگر هیچ‌ایمان ندارند لااقل ادبیات و هنر و تجلی مفهوم و سبک را پرستنده اند فن نگارش که از زمان « نوریس » تا « درایزر » از یادها رفته است با ظهور آنان زنده میشود و جلالت و تازگی بخود میگیرد افتخار آنان اینست که هنر نویسندگی امریکائی را آفریده اند و از همین نظر است که با « ویلاکاتر » و « الن گلاسگو » یا با « کی بل » باندازه ای اختلاف دارند که با « درایزر » یا « لوئیس » چه نویسندگان اخیر سبکی نداشته اند و سبک آن نویسندگان نیز مانند سبک استادان قدیم عالی بوده است سبک اینان عالی است و ای مسبق بسابقه نیست مخصوصاً این نویسندگان موفق شده اند زبانی را بکار برند که هر روز روستائیان و کارگران و بازرگانان یا اراذل و اوباش با آن حرف میزنند و درست است که این زبان عباراتی عامیانه دارد ولی زیباییهای حقیقی ادبی را نیز در آن میتوان یافت

« اف ، اسکات ، فیزرالد » E. Scott (۱۸۹۶-۱۹۴۰) جنگ

نکرده است ولی مانند «پروست ۱» از عواقب وخیم آن در جهان بعد آگاه است از همین روی آثار او حتی آنهاییکه ارزش ادبی را فاقدند. مدارکی گرانبها درباره موضوعی را تشکیل میدهند که آنرا (دوره نوازندگی «Jazzgy» مینامد یعنی درباره نسل جوان دوره ده ساله ۱۹۳۰ تا ۱۹۲۰ که میخواهد باغوغای مشغله ورقص شهوت انگیز سیاهان و مخصوصاً با آشامیدن مشروبات الکلی امیدها و آرزوهائی را از یاد برد که باناکامی و تلخی همراه گردیده است نامهای نخستین داستانهای او چنین است «این طرف بهشت» رحمت شدگان و ملعونان» (۱۹۲۱) «کلیه جوانان غمگین» (۱۹۲۶) چنانکه این نامها گواهی میدهند وی از همان آغاز بر از غم انگیز اجتماع جدید پی برده است چرا که اجتماع جدید رشته وابستگی به عادات و سنن اجتماع قدیم را از هم گسیخته و اکنون بلا تکلیف و معلق مانده است «آمری» Amory قهرمان کتاب «این طرف بهشت» «رلا» «Rolla» می جدید وفاجر و نومید است که برای او هر تجربه تازه از عشق یا جوابی. فریب و اغوائی تازه را بردارد در پایان

«آموری تنهاست - از زندانی کوچک گریخته و بسیاه چالی بزرگ فرو افتاده است؛

احساسی که این دوره درما به وجود می آورد این است که جهان بسیاه چالی بزرگ مانند است و ادبیاتی که انعکاس این دوره است این نکته را بیشتر تأیید میکند.

ولی بالاینهمه «فیزرالد» حرارت انتقام جویانه نوکیسگانرا ندارد

۱- Marcel proust داستان نویس فرانسوی متولد درباریس (۱۹۲۲ تا ۱۸۷۱) وی روانشناسی صاحب نظراست و از آثار مهم او «در جستجوی زمان های گم شده» را میتوان نام برد.

وی که هیچگاه بشرح و توضیح قضایا نمی‌پردازد شخصاً خلاصه و عصاره‌ای از این اجتماع فاسد است از کسی عیب نمی‌گیرد در چگونگی قضایا و وقایع به تحقیق می‌پردازد و در آنها شرکت میکند با لبخندی غم انگیز و با تمسخری ظریف و غالباً نامرئی به تحقیق می‌پردازد بی آنکه کینه‌ای در دل داشته باشد.

«هیچیک از مادران و یکتوری نمیتوانست تصور کند که باچه زرنگی و چالاکی دختران آنان پی‌درپی بوسه میدادند»

هنگامی که وی درس‌ن چهل و چهار سالگی می‌میرد الکل بدنش را فرسوده کرده است و احساس بدبخت بودن در او پدید آمده. این «کودک بدبخت قرن» اثری ناتمام از خود بیادگار میگذارد بنام «آخرین غول» *The last Tycon* که داستانی است درباره زندگی «هالیود» *Hollywood* این داستان زندگی معمولی ساکنان «هالیود» را شرح میدهد و نویسنده آن نیز بدین زندگی بخوبی آشناست و دیگر از آثار «فینرالد» شاهکار است بنام «گاتسبی بزرگ» *The great Gatsgy* (۱۹۲۵) که تجزیه و تحلیلی دقیق و صحیح از عالم «ملیونر» هاست «فینرالد» همیشه مسئله قدرت جهانسوز و جهان‌ساز پول و ثروت را در نظر داشته است «اموری» باتلخی و اندوه میگوید «از فقیران گریزانم شاید فقر در گذشته خوب بوده است ولی اکنون زننده و نفرت‌انگیز است و از آن بدتر در جهان نیست اساساً فساد و توانگری از بیگناهی و فقر بهتر است»

در کتاب «گاتسبی» وی خشکی و فقدان عاطفه جهان‌توانگران را توصیف میکند و فقط در این جهان يك تن را نشان میدهد که عشقی پاك و بی‌آلایش دارد و او ماجراجویی نوکیسه است! و با اینهمه «فینرالد»

این جهان را توصیف میکند بی آنکه ظاهراً غمگین شود و علت آنست که این جهان برای او جهانیست که در آن بسر برده ، همچنانکه برای « ادیت وارتن » از همین روی برای روشن کردن قضایا و فناندن مطالب روش و مقیاسی را بکار میبرد که این کتاب را بصورت شاهد صادق و منحصر بفرد بیرون میآورد در عین آنکه نوعی داستان غم انگیز نیز هست سبک آن چنان ظریف است و جمله بندی اش باندازه ای ماهرانه که شخص گمان میکند يك داستان ساده و منحصرأ سر گرم کننده پلیسی را میخواند و سپس پی میبرد که در قلب جهانی واقعی راه یافته و باریا و فساد و شثامت این قلب قسی آشنا گردیده است

بنظر آقای « ژ. پ. سارتر ۱ » « جان داس پاسس » John (متولد ۱۸۹۶) « مهمتر بن نویسنده زمان است » و میدانیم که در واقع « سارتر » در کتاب « راههای آزادی » خود از روش و فنی الهام یافته که « پاسس » در کتات « یو. اس. ا. » U.S.A. (کشورهای متحد امریکا) بکار برده و آن عبارت است از نقل توأم چندین حادثه

کتاب « یو. اس. ا. » شامل سه جلد است که از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۶

۱- Jean Paul sartre - نویسنده و فیلسوف فرانسوی متولد در پاریس بسال ۱۹۰۵ وی از نظر فلسفی موسس فلسفه اصالت وجود است «خدا وجود ندارد و بشر وجود دارد و در اعمال خود آزاد است» از نظر اجتماعی معتقد است که هر کس مسئول اعمال خویش است و با عمل خود اجتماع را نیز بدنبال میکشاند. از نظر روانشناسی میگوید بشر بیشتر میکوشد که از تنهایی رهایی یابد و برای اینکار به تظاهر و ریا کاری متوسل میشود. وی این افکار را در ادبیات بصورت کتابهایی داستان مانند منتشر کرده است آثار مهم او عبارتند از «تئوع» «راههای آزادی» «کاراز کار گذشت»

بچاپ رسیده از اینقرار کتاب «مقایسه چهل و دوم» و کتاب «۱۹۱۹» «نان بزرگ» کتاب اخیر اثر مهم «جان داس پاسس» است

هر يك از این مجلدات چهارصد تا پانصد صفحه دارند ولی این حجم زیاد از اطاله شرح و بسط موضوع ناشی نشده چنانکه در آثار (فارل) یا (ولف) مشهود است بلکه هر کتاب او در حدود ده داستان است که هر کدام یکدیگر بستگی دارند نویسنده چون میخواهد که پرده ای از زندگی را در امریکا نقاشی کند قهرمانان خود را از طبقات مختلف اجتماع و مناطق گوناگون برمیگزیند و در احوال روحی آنان متناوباً به تحقیق و مطالعه می پردازد و گاهی از یکی منصرف میشود تا بهتر بتواند دیگری را معرفی کند پیش از آنکه قهرمان ثالثی را در عرصه داستان آورد دوباره به اولی می پردازد و قس علیهذا، پاره ای از این قهرمانان ممکن است دوباره آشکار شوند و خواننده در طی همان فصول بآنان برخورد در حالیکه برخی دیگر در شام تاریك فراموشی فرو میروند و قهرمانی تازه ظهور میکنند نویسنده در آنجا درست بکار گری ماند که کارگاه بافندگی را سوار هم کند از آن گذشته برای آنکه پیوستگی این زندگی ها را با جریان وقایع تاریخی نشان دهد در میان فصلهای کتاب نکاتی را میافزاید که خود آنها را (قرقره های زمان حاضر) می نامد این قرقره ها مباحث یا مقالات یا تصنیف هایی عامیانه هستند که از روزنامه های روز اقتباس شده است و یا آنکه وی با سبکی محکم طرحی از زندگی يك شخص مشهور می کشد این طرح ها قطعاتی ماهرانه هستند که بر اثر همان ایجاز و اختصار غالباً تأثیری شکفت ابگیز دارند و شاهکار فن نگارش ترجمه رجال دردآموزه المعارف بشمار می آیند بالاخره جای جای کتاب وی تحت عنوان (زیر

ذره بین « قطعاتی از نثر شعری بدون مراعات نقطه گذاری و حروف بزرگ میافزاید که تفسیر و توجیه آنها بسیار مشکل است چون سبك « پاسس » روان و جالب است این اشعار مبهم شاید بمنزله فداکاری باشد که نسبت به رسم ادبی زمان خود روا میدارد

با وجود قدرت و زیبایی فکر نویسنده ، این اثر مهم ، نومیدکننده است دو نث این کتاب درباره جنگ و عواقب آن بحث میکند و میکوشد که آنرا عاری از اهمیت و عظمت نشان دهد آتش جنگ برای آن افروخته شده که وام‌های « مرگان » Morgan سرمایه دار معروف از خطر رهایی یابند و بازار سوداگران توپ گرم شود . جنگ بیهوده است چرا که حالا نیز مانند گذشته نزاع بخاطر پول است که از نو آغاز میشود و بدبختی و بیچارگی مستمید گانرا در این کشور توانگر بوجود میآورد پلپس بارفتاری وحشیانه از اقداماتی جلو میگیرد که بمنظور تعرض و شکایت است و اعتصابات بر اثر خود پرستی سرمایه داران بی نتیجه می ماند خلاصه هنگام جنگ از مشاهده این قضایا احساس بیهودگی این زندگی ها در شخص پدید میآید حتی آن زندگی هایی که در حال ترقی است بی آنکه شخص بفهمد که این زندگی ها چه مزیتی بر هم دارند بر روی هم جنگ قمار است که هدف افروزدگان آن دست یابی بمنبع دلار است نویسنده پستی و پلیدی اجتماع سرمایه داری را فاش میکند ولی نه امید دارد که این اجتماع اصلاح گردد و نه چیزی بهتر در امریکا جانشین آن شود هیچ چیز شرط هیچ چیز نیست چه « ویلسن » یا « هاروینگ » در امریکا باشد و چه « تزار » یا

۱- Warren Harding سانس امریکائی (۱۸۶۵-۱۹۲۳) وی

دو سال ۱۹۲۰ رئیس جمهور امریکا گردید .

۲- Tsar عنوانی است که در سابق به شاهان روسیه میدادند و

آخرین آنان بر اثر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ کشته شد.

« بلشویسم ۱ » در روسیه و چه جمهوری در فرانسه و چه « جرج ۲ » در انگلستان باز همان آش است و همان کاسه ،

در هر فصل کتاب همان وصف مجالس باده نوشی آمده است که در « شیکاگو » و « دترویت » Detroit یا « نیویورک » و « پاریس » و « رم » یا « ژن » Genève برپا میشود و این مجالس از بسکه شبیه بیکدیگرند خسته کننده می گردند

« پاس » حرکات توده و صحبت را با آواز مستان و باده خواران نشان میدهد و چون شاهی که فقط ظاهر را ببیند از تفسیر قضایا و تحلیل حالات روحی جمعیت خودداری میکند مثلاً وی از متار که جنگ در پاریس منظره ما شینی را بخاطر سپرده که در میان ازدحام جمعیت و از گون شده مانند صخره ای که در وسط مرداب افتد و قهوه خانه ای را که پر از اشخاص مست بوده است هم چنین از شهر « نیویورک » که کتاب « حمل و نقل مانتان » Maanhttan (۱۹۲۵) که در آن میتوان به نخستین طرح سبک توحیدی ۳ نویسنده پی برد) بناست طرح و کرته ای از آن باشد وی جز مهمانخانه ها و ورقاص خانه ها و میکده هائی را وصف نمیکند که پر است از جمال پرستان و بازیگران و خبر نگاران و دزدان زبردست چنانکه گوئی اشخاصی که خانه و زندگی دارند برای نویسنده اصلاً در جهان وجود نداشته اند همچنانکه

۱- Bolchêvisme حکومت و استبداد کارگری را گویند که اکنون

در روسیه استقرار یافته است.

۲- George مقصود جرج ششم پادشاه سابق انگلستان است که در

سال ۱۸۹۵ در ساندرینگهام « بدینیا آمده است.

۳- unanimité که آنرا به سبک توحیدی ترجمه کرده ایم مکتبی

است ادبی که میخواهد بنحوی کلی و واحد احساسات مختلف و عواطف جماعات بزرگ بشری را توجیه و تغییر کند.

طبقه کارگر برای «استندال» و «فلویر»

این نوامیدی اجتماعی بشر را بصورتی عجیب و جلوه میدهد شبیه به موجودی «که بسردی بگذشت وقایع و قضایا مینگرد» موجودی که اگر بتوان گفت در زندگی خود هیچ سهمی ندارد (تنها دختران جوان ظاهراً در زندگی خود دخالتی دارند: لااقل شوهران خویش را انتخاب میکنند) بر روی هم چنانکه «سارتر» میگوید موجودی «ممتنع» نه آزادونه مقید. از آنرو آزاد نیست که جز تحمل پیش آمده ها کاری نمیکند و از آنرو مقید نیست که زنجیر و قانونی وجود ندارد ولی این فکر بیش از آنچه بیان مفهومی فلسفی و ماور الطبیعه باشد از روش خاص «پاس» ناشی میشود چرا که «پاس» بر اثر پیروی از این روش از هر گونه شرح و تفسیر خود داری میکند و بیش از آنچه دیده میشود نمیگوید. و درست مانند آئینه است یا چنانکه خود میگوید به «عدسی یکدستگاه عکاسی» شباهت دارد از اینرو آئینه جز وضع و منظره را منعکس نمیکند و عدسی نیز از درون وجدان عکس بر نمیدارد و بر اثر همین امر قهرمانان کتب «پاس» به آدمک‌هایی شباهت دارند عاری از جوش و خروش و وجد و نشاط و حتی درد و عذاب، وی چون واقع بین است بوجود مشقت و رنج در همه جا پی میبرد و چون پیرو فلسفه تحقیقی است از تفسیر و توجیه آن خودداری می کند.

«پاس» از نظر فکر و سبک نویسنده گی، راه تکامل را می پیماید. این پیرو مکتب آزادی فرد، چون بسختی از کمونیست‌هایی ییزار شده که در اسپانیا شناخته (کتاب «حوادث زندگی يك مرد جوان» ۱۹۳۳) و هم چنین چون از «فاشیست» ها خشمگین گردیده نسبت بمبانی میهن

پرستی و دموکراسی ایمانی از نو در دلش پدید می‌آید (کتاب « سرزمینی که مادر آن بسر میریم » ۱۹۴۲ صفحه ۱۲۳) در کتاب « نمره يك » (۱۹۴۳) و در کتاب « حوادث زندگی يك مرد جوان » وی از نوعی داستان نویسی پیروی میکند که تمام وقایع و قضایای داستانرا در پیرامون حیات یک پسرمان تمرکز میدهد در کتاب « نقشه بزرگ » (۱۹۴۹) همان روشی را تکرار میکند که در کتاب « یو. اس. ا. » بکار برده است اگر وی محبتی غیر مترقب نسبت بجانواده یافته است و هنوز اگر پارانزمرز واقع بینی بیرون گذاشته و عقاید و افکار خود را اظهار داشته است همیشه از سیاست و مردم بیزار و گریزان بوده (لاقلاً از مردم زنده زیرا درستایش مردگان مهارت دارد) وی همواره همان معترضی است که در کتاب « سه سر باز » از شرکت در جنگ امتناع میکند و هنگامیکه حکومت طرفدار محافظه کاری است او انقلابی میشود و در برابر طرح‌های اصلاحی شهر « نیویورک » خود را مرتجع نشان میدهد تناقضی اساسی که در اثر اوست یش از پیش هویدا میشود چرا که در یکجا توصیه میکند که جز به خود امید و اطمینان نداشته باشید و در عین حال هیچ فردی را نشان نمیدهد که دارای شخصیت و زندگی درونی ... باشد .

باظهور « ویلیام فلکنر » (متولد بسال ۱۸۹۷) ما سیاه‌ترین قسمت ادبیات سیاه میرسیم امتیازوی از دیگران آنست که واقع بین نیست و جهان او ویران‌تر و آشفته‌تر است از جهان نویسندگان شمال چرا که بآن طبقه اشراف جنوب تعلق دارد که بر اثر هجوم سوداگرانی چون « یانکسی »

yankee ۱ و روح تاجرپیشه آنان، جزافرادی فاسد از آن بجانمانده است از کتاب « سارتریس » Sartoris بپعد (۱۹۲۹) که تقریباً پرده‌ای از طرز زندگی خانواده خود اوست، آثاروی سلسله‌ای از وقایع وحشت‌انگیز و خونین را نقل میکنند تا کیفیت و مظاهرا این فساد را تجلی دهند علت وجودی این فساد را باید در کتاب « شکست نخورده » (۱۹۳۸) و یاد ر اخبار جنگ داخلی جستجو کرد که از نظر ادبی بسیار زیبا و دل‌آویز است و بسبکی شاعرانه نوشته شده از خلال عبارات این کتاب دلتنگی نویسنده برای میهن خود یعنی جنوب دلیر پرور و آزاده احساس میشود عبارتی دیگر آنچه « الن گلاسکو » بنحوی هجو آمیز بیان میکند فلکنر آنرا با رویا و خیال شرح میدهد جهانی که داستانهای وی در آن روی میدهد جهانیست که دیودو پری در آن راه دارند و بر روی هم جهانیست که وجود آن «ممتنع» تراست از جهان « پاسس » چرا که در آن جز و دیوانه و نادان و مجنون شهوی بسر نمیبرند

بالینهمه این نویسنده بدین نه «پوئه» را بیاد می‌آورد و نه « آمبرز بیرس » را چرا که در کتاب‌های خود کاملاً حقایق روانشناسی را با سبکی بسیار جالب شرح میدهد وی در واقع افسونگر کلمات است و الفاظ را درست بموقع بکار میبرد و کلمات و عباراتی می‌آورد که موزون و هم‌آهنگ‌اند و گذشته را بیاد خواننده می‌آورند از زیر قلم او توصیف يك كلاه ، يك تکه کهنه ، یک دست کثیف ، بصورت شعری دلکش خارج میشود ولی این

نرموزون و پرمایه خالی از مشکلاتی نیست گویی «فلکتر» لذت میبرد که خواننده را گمراه کند چرا که خواننده دائماً خود را بحالت شخصی میبیند که چشم بسته او را در محلی ناشناس در میان اشخاصی گذاشته اند که هیچ يك از آنان نامی شناسد، در میان صحنه‌هایی آشفته و پرغوغا که وی از آغاز و علت آنها بی‌خبر است. نه تنها ابتدای داستانها بلکه ابتدای هر فصل و حتی ابتدای هر قسمتی از يك فصل بصورت معمائی است. خواننده همه جا می‌رسد اکنون بکجا رسیده است؟ که سخن میگوید؟ موضوع بحث چیست؟ «فلکتر» هیچگاه مشکلی را شرح نمیدهد تنها خواننده خود باید بیاری قیاس و استنتاج مشکل را بگشاید و اینکار هم آسان نیست چرا که یکی از روش عزیز نویسنده آنست که يك اسم را باشخاص مختلف میدهد و چندین اسم را بشخص واحد! و خواننده هیچگاه نمیداند با که سروکار دارد.

عجیب‌ترین داستانهای «فلکتر» داستان «آواز و خشم» (۱۹۳۰) است قسمت نخست افکار احمقی را شرح میدهد که ذهن وی خاطرات گذشته را با واقعیت حاضر مخلوط و مشتبه میکند هیچ دلیلی نیست که خواننده بیاری آن بتواند اینرا از آن تشخیص دهد قسمت دوم که ۱۸ سال زودتر از قسمت اول روی میدهد. افکار جوانی را بیان میکند که عاشق خواهر خویش است و میخواهد خود کشی کند سبک نگارش این کتاب عمداً پیچیده و مبهم است و صفحاتی پشت سر هم دارد که نقطه گذاری و استعمال حروف بزرگ در آنها مراعات نشده تا خواننده بیشتر دچار وسوسه شود. قسمت سوم است که بر تاریکی‌های قسمت اول تا اندازه روشنی میافکند این قسمت نیز مکالمه‌ایست که قهرمان داستان با خود میکند ولی این مکالمه

از آدمی طبیعی وعادی است مشروط بر آنکه آدم عادی بدین درجه از حرص و کینه و خونخواری برسد. بالاخره فصلی که چهارمین روزنام دارد بیش از نقل داستانی نیست و نویسنده هم این نکته را قبول دارد با این کتاب ما در جهانی واقعی راه میاییم و بنوعی داستان نویسی آشنا میشویم که عادات و سنن قدیم را مراعات میکند، یکشنبه اول عید پاک است و سیاهان به کلیسای میروند و سفید پوستان نیز یکدیگر را میدردند و کتاب بیایان میرسد بی آنکه داستان را پایانی باشد آیا «جازن» Jason خواهرزاده اش را خواهد یافت؟

آیا واقعاً آرنز پولی را ازورده است که او بقلب ازوی گرفته بود، خواننده که رفته رفته علاقه بداستان پیدا میکند بخاطر آنکه آنرا میفهمد، از این قضایا بی خبر خواهد ماند.

ولی خواندن آثار «فلکنر» (حتی آنها هم که نویسنده هتک عفتی را که از روی جنون شهوی صورت گرفته شرح میدهد و یا مانند «کتاب حرم مقدس» (۱۹۳۱) که يك داستان پلیسی پیش پا افتاده ای را بصورت موضوعی خارق العاده بیرون میآورد) احساسی از زیبایی و شعر دلپسند ولی کمی مغشوش، در خواننده بوجود میآورد که در مقام مثل بکتابی ماند زیبا و نفیس با جلد زرکوب که در روی آن علامت اخذ جائزه بدرخشد ولی در روی کتابی قرار گرفته باشد که بیش از ده شاهی نیززد.

در آثار «ارنست همینگوی» (متولد در سال ۱۸۹۸) تحولی دائم دیده میشود که او را از معاصرانش که «نسل ساقط» باشند جدا میکند معاصران او همه از اصلاح اجتماع و طبیعت بشری کاملاً نومید بوده اند راست است که وی برای نگارش آثار خود از ادینات سیاه مایه میگیرد ولی

فکرش چنان قوی است که از افق این ادبیات بالاتر می‌رود و بر آن مسلط می‌شود و همین امر سبب اشتباه بسیاری از منتقدان گردیده است.

در کتاب «خورشید نیز طلوع میکند» (۱۹۲۷) همینگوی که در جبهه ایتالی جنگ کرده و سپس از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۷ در فرانسه بسر برده و چند بار با سپانیای رفته است رویه «هانری جیمز» را دنبال می‌کند و زندگی آمریکاییانی را مینگارد که با اروپا مهاجرت کرده‌اند قهرمان داستان وی که بر اثر جنگ مردی خود را از دست داده است نماینده ناتوانی نسل معاصر خویش است آنچه در نخستین وهله بیش از همه در این کتاب نظر را جلب می‌کند بیهودگی قهرمانان و بی‌کاری و بی مصرفی آنان و مقدار زیاد مشروبی است که می‌آشامند خود کتاب نیز به سبکی مهمل و بی قید نوشته شده است از «گرترود اشتین» که زنی مهاجر است و با حد اقل کلمات، تحقیقات خود را درباره روانشناسی در کتاب «سه زندگی» مینویسد با لحنی ساده و کودکانه که نویسندگان کتاب کودکان مجبورند برای خوانندگان جوان خود آنرا بکار برند «همینگوی» یاد می‌کرد که اصطلاحات خود را محدود کند و عبارات را بصورت طرحی در آورد که جز فعل و فاعل و مفعول در آن نباشد از این رویه سبکی پدید می‌آید که اساساً یکنواخت است و مکالمات آن که گاه‌لا از گفتگوهای جاری تقلید شده است اگر بر روی صحنه نمایش نقل شوند بازیگر و تماشاگر از خستگی شنیدن این مکالمات مشرف بموت می‌گردند با اینهمه کتاب «خورشید نیز طلوع میکند» با موفقیتی بزرگ روبرو می‌شود نه تنها موضوع این کتاب دل‌ورانه است «عشقه‌های بدون امید یک عنین» بلکه در عصری که پیشرفت ادبیات محال مینماید و ادبیات از دست نشت‌آلود

های ادبی رهایی یافته و گرفتار سهل انگاری های طبیعت پردازان گردیده است این وارستگی ارادی چون معجزه ای رهایی بخش جلوه میکند نویسنده در همه جای کتاب از راز هنر و پیشه خود کاملاً آگاه است در کتاب «وداع اسلحه» (۱۹۲۹) خستگی و فقدان عاطفه به دقت و صراحت مبدل میشود و میلی که نویسنده بفراموشی قضایا و امتناع از توجیه و تفسیر دارد بصفحه های پر حادثه قدرتی خاطره انگیز و به صفحه های تائری نیروی عاطفی میبخشد که کاملاً درخور ستایش است کتاب «برای که ناقوس میزند» (۱۹۴۰) که یگانه عیب آن طولانی بودن نطق هاست راهی را نشان میدهد که این نویسنده بزرگ پیموده است ناگفته نگذاریم که اگر این نطقها طولانی هستند حساسیت و صراحت و خلاصه تخیلاتی شیرین و شاعرانه در بر دارند که کاملاً طولانی بودن را تلافی میکند.

با اینهمه تکمیل فن نویسنده یگانه تحول این نویسنده نیست کتاب «وداع اسلحه» داستانی نیمه جنگی (ماجرای عقب نشینی «کاپرتو» Caporetts قطعه ای ادبی و زیباست که از آن پس متداول گردیده است) و نیمه عشقی است قهرمان این داستان بازیچه سر نوشتی بی معناست سستی و بی قیدی و عدم لیاقت مردمان او را مانع شده است که در مبارزه و نزاع علت زندگی را بیابد چنگال مرگ نیز بدون علت زنی را میر باید که او دوست داشته است تنها مشروب بجا میماند ولی هنر این قهرمان آنست که لااقل کسی را دوست داشته است منتقدان عصر این نکته را علی-المعمول ندیده گرفته اند و بر اثر این امر در پیرامون زندگی و نظرز فکر «همینگوی» افسانه ای پدید آمده است این افسانه «همینگوی» را سنگین دل و بیشرم نشان میدهد و او را نماینده نسلی یبحیا و کلیبی مسلک میداند

نویسنده کتاب «وداع اسلحه» نیز با این افسانه همداستان است و برای دفاع از آن میگوید حالا که تصمیم گرفته ساده ترین قضایا را بنویسد ساده تر از همه مرك ناگهانی است و او هم بدین کار همت گماشته است در سال ۱۹۳۲ وی کتابی طولانی درباره مسابقه گاویشان منتشر میکند بنام «مرك در بعد از ظهر» مدت چند سال بحفظ مقامی میپردازد که در عالم نویسندگی بدست آورده است کتاب «دارا و ندار» (۱۹۳۷) نماینده تغییری در عقیده و افکار اوست این کتاب داستانی تلخ و غم افزاست با وجود وقایعی شورانگیز که در ضمن شکار روی میدهد و علت آنست که نویسنده در برابر راهی تازه مردد مانده است صفحه خیال وی از خاطرات شنیع و باده خواری و صحنه های شدید که دیگر جنبه عادی بخود گرفته مملو است ولی عشق از نو در عرصه دل وی جلوه گری آغاز میکند (با این خصوصیت عجیب در ادبیات سیاه که يك زن و شوهر شرعی کاملاً یکدیگر رادوست دارند) با موضوع سراسر جدید یعنی فداکاری: قهرمان داستان خود را در راه خانواده فدا میکند وزن بر پیکر بیجان او میگریزد بالاخره در کتاب «برای که ناقوس میزند» که واقعه هائی از جنگ اسپانیاست این دو موضوع که عشق و فعالیت باشد دائماً و باطنی یکدیگر آمیخته اند زندگی دیگر مفهومی یافته است و آن مفهوم مبارزه و فداکاری است و از این مفهوم صمیمیتی بشری ناشی میشود مانند آبی زلال که از چشمه ای تابناک جھیدن کند در میان این سربازان یا این راهزنان انسان از جمع ییکاران کتاب «خورشید نیز طلوع میکند» بدور است و از آن نومیثدی ییگانه است که در کتاب «وداع اسلحه» در برابر هر اقدامی میگوید چه فایده دارد؟ این قهرمان چون از جنگ بیهوده دلزده شده همه کوشش خود را

برای فرار بکار میبرد در اینجا برعکس قهرمان داستان با آنکه همیشه چشمها را برای دیدن صحنه‌های وحشت انگیز و غم‌افزا باز کرده است همه نیرو و قدرت خود را بکار میبندد تا جنك كنان در این صحنه جان سپارد از آن گذشته در عشقی شهوی که نسبت به «ماریا» Maria دارد که از حیث پاکی بمرتبه عشق «دافنیس ۱» و «کلوته ۲» میرسد مفهوم سعادت و صلح آمیز را یافته و با امکان زندگی خوشبخت و آرام و دوفری‌بی برده است اختلافی که بحث در این موضوع با بحثی دارد که راجع به همین موضوع در کتاب «وداع اسلامه» میان می‌آید اختلافی اساسی است زن است که در این داستان بمرگی محتوم، بدون جهت میمیرد این مرگ نیز مانند مرگها بیخود و بی جهت است و شوهر را دوباره در جهانی میگذارد خالی از آشنا و دوست که فقط مستی میتواند این تنهایی و بیکی را از یاد او ببرد و حال آنکه در اینجا مانند در کتاب «داروندار» مرد است که میمیرد ولی در راه اجرای ماموریتی جان میسپارد که خود به اختیار و ارادت آنرا برگزیده است وی دیگر بازیچه سرنوشتی بیهوده نیست بلکه مبارزی است که در تعیین سرنوشت خود سهمی بزرگ دارد.



در بعضی مواقع در فرانسه «ارسکین کالدول» Erskine Caldwell

۱ و ۲ - Chloé و Daphnis داستان روستایی و عاشقانه «لنگوس»

Longus داستان نویس مشهور قرن چهارم بعد از میلاد یونان است این داستان بسیار لطیف و دلکش است و شاعر افکار ساده و الهامات خود را آزادانه باز گفته «آمیو» Amyot و «پل لویی کوریه» louis courier Peul این داستان را بفرانسه ترجمه کرده اند. «دافنیس» چوپانی از اهالی سیسیل ایتالیاست که طبق روایات افسانه‌ای خدای شعر شناخته شده است.

(متولد بسال ۱۹۰۳) را بسیار برگزیده دانسته اند تفسیر کتاب راه تو باکو (Tobacco) اوبصورت نمایشنامه موفقیته عظیم بدست آورده عامه مردم از خواندن این کتاب لرزشی احساس میکند شبیه بهمان لرزشی که هنگام نزدیکی بمیوه ممنوع در بهشت سراپای آدم را فر گرفته. چرا که همه قضایا در این کتاب زنده و مغایر عادات است ولی این نکته را نیز باید گفت که مبالغه و غلو هیچگاه نتوانسته اند شاهکاری پدید آورند در واقع این کتاب تقلیدی مضحك از ادبیات سیاه است که تمام مشخصات این ادبیات بنحوی مبالغه آسا در آن ذکر شده ، و لحظه ای پیش می آید که حتی ادبیات مستهجن نیز بر اثر استعمال زیاد رویه و عادت تقلیدی نویسنده میشود آغاز کتاب (خدای جریب کوچک زمین) (۱۹۳۳) سرگرم کننده و فرخ بخش است ولی لحن شوخ نویسنده در پایان ناپدید میگردد قهرمانان این کتاب مانند قهرمانان کتاب (ترویلوس و کرسیدا) Troilus و Cressida (شکسپیر) سخنانی میگویند و برخلاف آنها رفتار میکنند بر و اعظان کلیسا ریشخند میزنند ولی خود پیوسته وعظ میکنند و غلبه احساسات و عواطف را بر عقل خواستار میشوند و میگویند تضییقات اخلاق پورترینها (در قرن بیستم !) فقط مخالف با توازن و هم آهنگی است ولی کسانی که آشنا به بیج تصنیفی نیستند از هم آهنگی و توازن نیز بیگانه اند برادران یکدیگر را میکشند با وجود نطق های جذاب پدر در باره غریزه خانوادگی و غیره مردان همه خشن و تتراشیده اند و باخام و حیوان صفت ، (کالدول) هنر نویسندگان مضحك را دارد و هر بار که خواسته مطابق معمول به موضوع های شدید و پر آشوب پردازد کتابش بدو ناچیز شده است در واقع وی در نگارش حکایات كوچك دستی دارد این نوع ادبی در کشورهای متحد امریکا بسیار رائج است و

آثار (کالدول) بهترین نمونه و نماینده آن بشمار می آیند فن و رویه این نوع از آغاز قرن بیستم تغییر یافته است نویسندگان دیگر بصورت حکایت تاریخی را نقل نمیکنند که شامل نمایش مناظر و نشو و نمای قهرمانان و شرح مصائب باشد بلکه به پیروی از رویه (کترین منس فیلد) Katherine mansfield نویسنده انگلیسی در حکایت پرده ای کوچک یا جزئی از زندگی را نقاشی میکنند سه یا چهار صفحه برای حکایت کافست و غالباً نیز در این حکایت هیچ واقعه ای روی نمیدهد ولی (کالدول) میتواند این صحنه های کوچک را که باظرافت و دقت نوشته شده اند بشوخی یا ترحم نسبت به ضعف و یا وحشت از خونخواری بیاراید .



« جان اشتین بك » (متولد بسال ۱۹۰۲) تنها از نظر تاریخی به ادبیات سیاه تعلق دارد چرا که در واقع نویسنده ای خوش بین و احساساتی است مسلماً با کتاب « در جنگ دو بیس » In Dabious battle (۱۹۳۶) وی بهترین داستان کارگری خود را بجامعه تقدیم میکند بحث در زندگی کارگران در آنوقت معمول روز بوده است و داستان يك اعتصاب که یوسيله قوای مسلح از آن جلو گرفته میشود با آنکه وقایع آن در زیر آفتاب دلپذیر کالیفرنی انجام میگردد داستانی شوخ و نشاط انگیز است مهمترین اثر او که « خوشه های خشم » نام دارد The grapes of wrath (۱۹۳۹) کتابی است در ششصد صفحه و مملو از اخبار که بسیاری از آنها دلکش و شیرین است این کتاب شاهدهی مخوف علیه اجتماعی است که رفتار خود را عادلانه و برادرانه میداند ، و بمنزله حکم محکومیت آن

آزادی است که بخواهدسر نوشت و طالع هر کس را با احترام حق مالکیت تأمین کند و حال آنکه در این اجتماع انسان کشاورزانی را می بیند که بدون مدد معاش و دفع غرامت از زمینی رانده شده اند که خود آنرا بدست آورده و کاشته اند و سپس بر اثر اعلانات فریبنده به « کالیفرنی » آمده اند تا در آنجا آنرا مانند بردگان بکارهای سخت گیرند ولی یا آنکه این دو داستان که بسبکی واقع بین و دلاویز نوشته شده اند توالی مصائب را نقاشی میکنند و در بحبوحه مصیبت پایان می رسند مانند کلمه آثار این نویسنده روح حساسیت و اعتماد به آن مردی در آنها دمیده شده است که از میان توده برخاسته و یگانه کسی است که بمفهوم تعاون و برادری آشنایی دارد مسلماً این طرز فکر از کسی است که میخواهد همه چیز را ساده و روشن جلوه دهد ولی بالاینهمه خوش بین و امیدوار است « اشتین بك » حتی میخواهد باور کند که جوانان بد از لطف و خوبی نیز بهره ای دارند و این عقیده را در کتاب بسیار جالب خود که بنام « تورتیلا فلات » Tortilla flat (۱۹۳۵) است، ابراز میدارد این کتاب بنظر اشخاص بزرگ مجموعه ای از حکایات خیالی و لذت بخش است کتاب « موش ها و آدم ها » (۱۹۳۸) شاهکاری کوچک است اولاً از نظر سبك و صحت و ایجاز مطالب و نکات و طرز بیان و ثانیاً از نظر تناسب و تجانس تشبیهات و خلاصه از نظر مهندسی داستان نویسی بسبك قدیم این داستان كوچك از يك حادثه واحد تشكيل می یابد كه در يك محل واحد میان دو صحنه مشابه بوقوع میرسد كه در يك عرصه نمایش قرار گرفته اند، از نگارش این داستان پی میبریم كه « اشتین بك » میتواند در انواع مختلف داستان نویسی باموفقیت طبع آزمایی کند از آن پس درجه هنر و طبع وی بسیار تنزل کرده است داستان خبری

او درباره اشغال « نروژ » بدست آلمانها که « ماه افول کرده است »
 (۱۹۴۲) نام دارد از لطف و جذابیت عاری نیست ولی کتاب « گانری رو »
 Cannery Row (۱۹۴۵) تکرار کتاب « ترتیلا فلات » است و کتاب
 « وی واروبس » (۱۹۴۸) The Wayward Bus بدترین داستانیست که
 بصورت پاورقی منتشر کرده است .



تمایلات کنونی

در سال ۱۹۴۰ دوران عمر ادبیات سیاه در کشورهای متحد آمریکا
 سپری میگردد مردم امریکا دیگر میتوانند درباره سخن « سارویان »
 Saroyan چندان اهمیتی قائل نشوند که گفته است « ایمان ، بهره
 باشد » چرا که این گفته از احساساتی مبالغه آمیز ناشی شده است ولی
 مجبورند که تمایلات جدید « داس پاسس » و « همینگوی » را محترم دارند
 و « اشتین بك » و « گلن وی وسکت » Glenw – ay Wes – cott و
 « رابرت پن وارن » Robert Penn W – arren را ندیده نگیرند
 مهم ترین داستان این نویسنده اخیر (که وی نیز عبارت پردازی بسیار ماهر
 است) با خاطراتی تلخ و گستاخانه و بدبین آغاز میکند و بایمان بزندگی
 و عشق و فضیلت و خدا پایان می پذیرد این کتاب « تمام سربازان شاه »
 (۱۴۹۱) نام دارد بسیار مشکل است که از هم اکنون صفات مشخص داستان
 نویسی جدید را تعریف کنیم با ظهور « گلن وی » (که کتاب « خانه ای در آتن »
 او تحقیقی شایان توجه درباره تصرف یونان بدست آلمانهاست) و « خانم
 جان استافرد » Jean Stafford (کتاب « وقایع بستان » ۱۹۴۴ و کتاب
 « کوهستان لیون » ۱۹۴۷) و « ویلیام ماکسول » William Maxwell

(کتاب «برك تا شده» ۱۹۴۵ و کتاب «زمان پرده فراموشی بر آن خواهد افکند» ۱۹۴۹) چنین می نماید که داستان نویسی جدید بازگشتی به تحقیق در روحیه اشخاص معمولی کرده است و با ظهور «ترومن کاپت» Truman capote که بشیوه «فلکتر» چیز می نویسد داستان نویسی بشرح و توضیح محیط اجتماعی از نو توجه میکند کتاب مشهور این نویسنده عبارتست از «صداهای دیگر اطاق های دیگر» (۱۹۴۸) ولی جنگ چون در ادبیات از نو مبارزانی وارد کرده است که در عرصه زندگی و فکر فریب خورده اند، معترضانی سرسخت را پدید آورده است که درست منتقدان سال ۱۹۲۰ را بیاد می آورند این معترضان ظاهراً «نرمان مایلر» Norman mailer (کتاب «برهنه و مرگ» ۱۹۴۸ علیه توهمات مربوط بجنك) و «مرل میلر» Merle Miller (کتاب «زمستان» علیه توهمات مربوط بصلح) هستند ولی رمان امریکایی کنونی هر رویه و روشی که بخود گیرد آنچه در مورد کلیه این نویسندگان جوان قابل ملاحظه است اینست که همه آنان در انواع مختلف داستان نویسی، از همان کتابهای اول ماهرانه و استادانه چیز مینویسند

۴- شعر «متجددین»

«اذرا پالوند» (متولد بسال ۱۸۸۵) هم بدوره پیش از جنگ نخست تعلق دارد و هم بدوره شعر کنونی و بر اثر نفوذ وسیع خودیکی از شعرای مهم عصر حاضر بشمار می آید هموست که برای اولین بار بابکار بردن الفاظی زیبا و خوش آهنگ و مفاهیمی عمداً مبهم، صورتی تازه بشعر داده است شعرا می چون «ماسترز» و «فراست» و «میتعاران» میخواهند اشعاری بخواننده عرضه دارند که بدون کتاب لغت خواندن آنها میسر

باشد برای فهم اشعار (پاوند) و شاکردانش که بر از کنایات و خاطرات است. کتاب لغت بدرد نمیخورد بلکه يك کتابخانه ادبی و تاریخی و جغرافیائی و فلسفی لازم است غالب اشعار او تحت عنوان (آواز) Cantos جمع آوری شده اند (۱۹۴۸ که هنوز هم (آواز) هائی تازه بچاپ رسیده است) ولی لغت آواز در ذهن او معنای عادی ندارد بنظر وی لغات قدرتی مسح آمیز دارند نه بخاطر طرز تلفظ و صوت و ترتیب بلکه بعلت معنی و تداعی که در آنها نهفته است از آنجا که وی دشمن هر نوع سنت و قرارداد است حتی آنهاییکه خود آفریده، پیوسته در شعر افکار و عقاید خود را تازه و مبهم میکند و بهمین جهت شاعرانی میتوانند خود را تابع افکار او دانند که از لحاظ عقیده و نظر بایکدیگر کاملاً اختلاف دادند (پاوند) چون با ایمان بعقیده واصلی جزمی مخالف است تصمیم او اینست که از هیچ چیز طرفداری نکند و بهمین جهت شعر جدید را در وجود خود تجسم میدهد که با وضعی ناپایدار همه را در جستجوی ابداع و تازگی است و سرانجام از خود و همه چیز نومید میگردد.

پس از عکس العملی که بمنظور بازگشت بساده نویسی بظهور میرسد از آغاز قرن، نسل پس از جنک پیروی از (پاوند) و (الیو) ۱ بساده نویسی مخالفت میکنند شعر دیگر کار فکر و مغز میشود بعلت آنکه بر اثر جریان وقایع با مسائل ازلی روح بشری روبرو گردیده و از آن

(۱) - «تی اس. الیو» که در ۱۹۴۸ جایزه نوبل را برده از نظر فکر منطقی تراست و شعر را بصورتی ثابت تر و روشن تر در می آورد که ابهام آن از شعر استادش «پاوند» کمتر است ولی چون از ۱۹۱۳ در انگلستان اقامت گزیده و دین کاتولیک را پذیرفته به تابعیت بریتانیای کبیر درآمده است خوبست آثار او را جزادیات انگلستان دانیم چنانکه ادبیات انگلیس نیز او را از خود میداند.

نیز نومید است که موضوع اشعار «شکسپیر» و «بایرن و (شلی ۱) را تجدید کند شعرا نیز در راه پیچیدگی و ابهام این مسائل میکوشند هدف شعر دیگر آن نیست که جانشین داستان یا موسیقی شود بلکه میخواهد معلم و فلسفه دست یابد و سادگی و روشنی لفظ و عبارت را جانشین هم آهنگی و استعاره کند باغم و تلخی یا کینه و خشم شعرا میخواهند زبان و بیان را وادارند که بزندگی معنی و مفهومی بخشد اگرچه این معنی بیان بیهودگی و ناچیزی آن باشد و بر اثر ترسی که از موضوعات یکنواخت و پیش پا افتاده و احساساتی دارند کلماتی را پهلوی هم میگذارند که نزدیکی آنها کاملاً برخلاف انتظار است و صفاتی را بکار می‌برند که هر اندازه با موصوف اختلاف دارد بنظر آنان بهتر می‌نماید. آیا فقط میل بمخالفت راهنمای این شاعران است؟ نه ولی مخالفت با موافقان ادبیات انگلیس کار را بدینجا میکشاند امریکاییان از بسکه در گذشته از آثار (تنی سن) و (سوین برن) تقلید کرده‌اند از اینکه بنظر خود مقلد انگلیسیان آیند چنان ترس دارند که بتجرباتی دور از عقل و فهم دست می‌زنند و حتی زبانی غیر مصطلح و اصطلاحاتی عجیب را بکار می‌برند

از این آزمایشهای گوناگون و افکار پراکنده احساسی از هرج و مرج درد لها بدید می‌آید آنچه برای قومی آرمان شعری را تشکیل میدهد برای قومی دیگر زشت و ناپسند است خلاصه شعر از نوعی تکلف و تصنع رهایی می‌یابد و بنوعی دیگر گرفتار میشود و بشر از یک نوع کار خسته

۱- Percy Bysshe Shelley شاعر انگلیسی متولد در حوالی

«هرشام» Horsham که در خلیج «لا اسپزیا» La Spesia غرق میشود
وی منصف کتب «الاستور» و «گل حساس» و «چکاوک» و غیره است و
طبعی غنائی و بلند دارد (۱۸۲۲-۱۸۹۲)

کننده بکاری دیگر پناه می برد بهمین جهت ممکن نیست درباره شاعرانی
 مختلف العقیده چون (کزادئیکن) (هارت کرین) Hart crane
 « ماریان مر » Marianne Moore (الینور وایلی) Elinor wylie
 و (ماک لاش) Mac leish و (الن تیت) Allen tate و « آر. پی. وارن »
 RP Warren و « و.ئی. ویلیامز » W. C. Williams و غیره نظری کلی
 اظهار داشت چرا که یگانه وجه مشترک این شاعران ابهام در ادای مطلب
 است دورئیس این دسته شعرا که از نظر فکر در دو منتهای قرار گرفته اند
 یکی (ارجی بالدماک لاش) Archibald است و دیگری (ای. ای. امی. کمینگز)
 در شعر اولی که از همه بهتر است . معنی عمیق فکر موجد ابهام و پیچیدگی
 مطلب میشود بعلا آنکه وی در چند عبارت موجز و در چند استعاره تنایج
 تحقیقات فلسفی خود را بیان میکند و (کمینگز) نیز با وضع علامات ابهام را
 بوجود می آورد همکارانش دیگر از قواعد صرف و نحو و نقطه گذاری
 پیروی نمیکند و خود او نیز حتی لغات را جدا جدا مینویسد و غالب اشعارش
 بصورت لغزهایی حقیقی بیرون می آیند

در میان این آزمایشگاه آشفته لغات و اصطلاحات . زنی بنام (ادنا
 سنت و نیست میللی Edna saint-Vincent Millay به تنهایی راه و
 رسم شعر را تازه میکند همه بزودی او را شاعری حقیقی و بزرگ می شناسند
 سادگی و ظرافت و روانی طبع او که کاملاً طبیعی و عاری از تصنع است با
 رویه و سبک شعرای (متجدد) تباینی مطلق دارد و بالاینهمه کسی بدو حمله
 نکرده است و حتی همکارانش که شیفته لفظ و ابهام اند بدین صدای صاف
 و بی تصنع با احترام گوش میدهند از آن گذشته ، هنگامیکه غالب مبتکران
 در آغاز موقعیتی می یابند و سپس دفتر شعر را می بندند و یا گفته را تکرار

میکنند (باید «پاوند» و «الیو» را استثناء کرد) (می . و . میلی) از نخستین مجموعه شعری که در ۱۹۱۷ چاپ شده پیوسته در راه تکمیل ذوق و هنر خود کوشیده است وی درباره موضوعاتی ابدی داد سخن میدهد و از احساس و عشق و غمها و ترس مرگ و غیره بحث میکند بی آنکه زبان را از قاعده خود منحرف کند و یابدان بیندیشد که بادیگران از نظر فکرو بیان مخالف باشد ، هموست که موفق میشود این موضوعات را از نو تازه کند و هم خود باشد و هم دیگری

در آثاری که از ۱۹۴۰ منتشر شده اند تمایل این شاعر به مراعات قواعد صوری شعر واضح میگردد با آنکه این تمایل غالباً بر اثر ذوق به مواضع مبهم و زننده هنوز هم مشوش است چنانکه یکی از همین شاعران یعنی (تئودور اسپنسر) Theodore Spencer (که در ۱۸ ژانویه ۱۹۴۰ بطور ناگهانی مرده است) این معنی را چنین بیان میکند :

(در جهانی که روزنامه رادیو و سینما پیوسته سلسله ای از وقایع عاطفی و احساساتی مبتدل را نشر میدهند کاملاً بجاست که شاعر از گفتن قضایای ساده بزبانی ساده دوری جوید از بیم آنکه مبدا موضوعی احساساتی و معمولی گوید)

ضمائم

۱- تماشاخانه

نبودن نویسندگان تاتری در ادبیات امریکا امری مسلم است ولی هنگامیکه انسان می تواند گمان برد که توسعه سینما بطور قطعی هنری را از میان برمی دارد که هنوز نتوانسته است در امریکا نشو و نمایی کند بر

خلاف این گمان درست در دوره ماست که نمایش در کشور امریکا بیش از همه جا رائج گردیده است

تجدید نمایش در جریان نخستین جنگ بزرگ با ظهور دسته بازیگران « پرنس تااون » Provincetown و « تماشاخانه کوچک » شیکاگو و « میدان بازیگران واشینگتن » نیویورک آغاز میشود بر اثر کشش و کوشش این دسته‌های دانا و زیرک که پیشرو فن نمایش شده‌اند هنرمندانی ظهور میکنند که مدت تجلی نبوغ آنان کوتاه است از قبیل « سوزان گلاسپل » Susan glaspell و « المر رایس » Elmer rice و « زنا گیل » Zona gale و « مارك كنلى » Marc connelly و غیره ... تقریباً همه این نویسندگان در عرصه نمایش طغیان و نومیدی سالهای پس از جنگ را بیان میکنند که مشخص رمان امریکائی نیز هست ولی این مصنفان از نومیدی و تلخی که در آثار خود آنرا منعکس میکنند رنج نمی‌برند و آثار آنان پس از آنکه لحظه‌ای در دلها شور و غوغا پدید می‌آورند سرد و خاموش میشوند و کسی دیگر از آنها پیروی نمیکند.

غالباً بهترین نمایشنامه‌ها زاده اقتباس و تقلید یا اشتیاق داستان نویسان به نمایش آثار خود در صحنه تماشاخانه می‌باشد مانند نمایشنامه « دست کوزه گر » تالیف « تئو دردرایزر » یا « موش‌ها و آدم‌ها » تالیف « اشین بك » غیر از این آثار بسیاری از شادی نامه‌های (کمدی) جالب وجود دارد که با قلمی سحر نوشته شده‌اند و بازیگرانی ماهر و هنرمند آنها را بمعرض نمایش گذاشته‌اند ولی در این شادی نامه‌ها نه تنها آن لطف آثار « شکسپیر » دیده نمیشود بلکه از نظر عمق مطلب و کنایه به آثار

«ژیرودو» ۱ و «آنوئی» ۲ و «سارتر» هم نمی رسند تنها يك تن در این دوره ای مشهور است که میان دو جنگ قرار گرفته و او «اوژن او نیل» است Eugene Oneill (برنده جایزه نوبل در ۱۹۳۷) که چون علاقه و عشقی بوسا مل فن نمایش دارد تمام تدابیر نمایش و صحنه سازی را بکار میبرد از قبیل صحنه های شدید و بکار بردن زبان عوام و لهجه های محلی، تماشاخانه او نوعاً جدید است و چون آثارش تلخ و غم انگیز است بجرمت میتوان آنها را به ادبیات سیاه متعلق دانست موضوع های اساسی داستان های او عبارتند از ضعف و زبونی فرد در برابر دنیای چشم بسته و خونخوار، ناتوانی عقل بشری برای ادراک واقعیت یا ایجاد رابطه ای میان عقل ها و وجدان ها و بیهودگی اقدامات اصلاح طلبانه، خطرات فکر منطقی مغرضانه، تحقیر سود پرستی و قدرت طلبی

درو هله نخست ممکن است نمایشنامه های او جلوه های اجتماعی بخود گیرند ولی هیچیک از این نمایشنامه ها واقعاً اجتماعی نیستند هم چنانکه نمایشنامه

(۱) - Jean Giraudoux نویسنده فرانسوی متولد در «بلاک» (۱۸۸۲-۱۹۴۴) مصنف «زیکذید و لاموزن» «سوزان و اقیانوس آرام» و «اندین» و غیره .

(۲) - Jean anouilh نویسنده معاصر فرانسوی هدف این نویسنده آنست که موضوعات غم انگیز را با سبکی ظریف توصیف کند ولی بیان او غالباً به پایه ادعایش نمی رسد کتاب «آنتی گن» و بهترین نمایشنامه وی یعنی «مسافرت بدون اثاث» از نظر تناسب و تعادل چندان عالی نیست با اینهمه این نویسنده گاهی صحنه هایی خرم و خندان و زمانی مناظری غم انگیز و سیاه را نشان میدهد و در ضمن تجسم این مناظر طبع وحشی صفت و هرج و مرج طلبی خود را ابراز میدارد این میل به هرج و مرج در نهاد او رام شدنی نیست .

«دست‌های کثیف» «سارتر» کمونیستی نیست بنظر «اونیل» یبعدالتهی‌های اجتماعی بیش از آنچه حقیقت و واقع‌ای باشند. نشانه‌ای از وضع بشر در جهان است از اینرو «امپراتور جاز» Jones اونه تنها نمونه سیاهان حریص و خرافی است بلکه کلیه افراد را بانادانی و ترس آنان مجسم میکند که آن ترس و نادانی را در زیر پرده‌ای از عقل و احتیاط پوشانده اند کتاب «آنا کریستی» Anna christie اوتنها سرگذشت ساده فاحشه‌ای نیست که بر اثر عشق نجات می‌یابد بلکه کج طبعی و چشم بستگی غرائز و صفات را نشان میدهد و ثابت میکند که بشر هیچگاه نمیتواند از دست ماهیت و نهاد خود بگریزد «آنا» در برابر خوش بینی بیمورد پدرش که هنوز باینهمه مصائب از خواب غفلت بیدار نگردیده است فریاد می‌زند

«آخر، ترا بخدا. مگر نمی‌بینی که هر چه همیشه کرده‌ای دوباره تکرار میکنی! تصویر تو نیست. تو درست کار میکنی، آنچه تو هستی... باهن فرقی نداری» بسیاری از نمایشنامه‌ها مانند «طلا» و «ملیونهای مارکو» Marco و غیره قدرت مخرب روح مالکیت را نشان میدهند ولی نمایشنامه «روزهای بی‌پایان» Days Without End معرف روحی استدلالی و عقل است که بهترین آرزوها و امیدها را واژگون میکند قهرمان زن نمایشنامه «آهنك شكفت انگیز» Strange Interlude که مجسمه زندگی غریزی است در دست دونفر شکنجه میشود که یکی دانشمندی است که مساعی او برای تاثیر در قوای حیاتی منجر بفاجعه‌ای میگردد و دیگری مردیست پول پرست و سوداگر که مشغولیات مالی او خفه کننده و حماقت آوراست درباره نمایشنامه «سبب كرك دار» The hairy ape نباید فراموش کرد که بسیاری از صحنه‌های آن وقف شده است برای نشان دادن عدم لیاقت

مصلحان اجتماعی و واهی بودن امیدهای انقلابیون ادعای «یانک» yank
 قهرمان این نمایشنامه که از طبقه رنجبر است بیش از حد طبقه اوست و در
 واقع ادعای بشر در برابر جهانی است که همه عوامل با او سر دشمنی دارند
 «اونیل» نه تنها پرده از روی عملیات کور کوران انقلابیون و حماقت
 توانگران بر میدارد بلکه بیفایده‌گی اقدامات (آناشیت)ها و سست‌عنصری
 مردمان دانای خیالباف را گوشزد میکند و توهمات این اشخاص را درباره
 ترقی، بهبود میداند اگر همه اینها بهبوده باشند پس چه میماند؟ (یانک) در
 کوششی که برای ادراک نفهمیدنی بکار میرد میگوید
 «ولی بالاخره اینجا آمده‌ام که چه کنم؟ از کجا بدرون می‌آیم و از
 کجا بیرون می‌روم؟ کجا هستم؟»

و بالاخره هنگامی که در زندان درباره زندگی می‌اندیشد
 «میتوانم با گفتن و اندیشیدن خود را فریب‌دهم و تقریباً باور کنم که
 امیدی دارم و همین خود در راه زندگی توشه‌ایست»

۲- انتقاد

اگر نام داستان نویسان و شعرای امریکا بیش از همه در کشورهای
 یسکانه شناخته شده است نباید چنین نتیجه گرفت که آثار آنان محصول
 تکاملی جداگانه است و بادیهای خارج ارتباط ندارد بلکه برعکس نهضتی
 ادبی و انتقادی و تحقیقی این آثار را در کشور امریکا پدید آورده است و
 روزنامه نگاران و استادان دانشگاه نیز در اینکار سهمی بزرگ داشته‌اند
 امریکا حق دارد بخود ببالد که «برونیترا ۱» و «لومتر ۲» و «سودی ۳» خود را

(۱) Ferdinand Brunetiére منتقد فرانسوی متولد در «تولن»

هدف کوشش وی آنست که قواعد فرضیه تکامل را درباره ادبیات بکار

بندد (۱۸۴۹-۱۹۰۶)

بوجود آورده است شماره این منتقدان و نویسندگان باندازه‌ای فراوان است که انسان در انتخاب نام آنان برای ذکر در اینجا دچار تردید میشود ولی باینهمه در اینجا نیز «هانری جیمز» با رای روشن و استعداد قوی و قوه ادراک خود بیگمان سرآمد اقران است

در آغاز قرن «جیمز هنکر» James Huneker و «اس‌تمپ‌سن» Vance Thompson از میان نویسندگان جلب نظر میکند چه این دو



(۲) Jules Lemaitre - منتقد ادبی و نویسنده تائری فرانسه متولد در «ونسی» (۱۸۵۳-۱۹۱۴) وی نمایشنامه‌هایی مانند «کهر» «متصدی» در آمد کارگاه و غیره نوشته و بمعرض نمایش گذاشته است و کتابهایی بنام «خاطرات نمایش» و «معاصران» نوشته ژول لومتره منتقدی صاحب نظر و نویسنده‌ای نافذ و هوشیار است و سبکش در نهایت روانی و سادگی است.

(۳) Paul souday - منتقد بزرگ و معاصر فرانسوی که در دو کتاب «آنجن عقل بزرگ» و «کتب عصر» خود را مدافع فرهنگ و داور نهایی هنرها و استعدادهای تازه نشان میدهد وی ذوق فطری مشاخره قلمی را با عقاید محکم عقلی همراه کرده و پاورقی روزنامه «تان» را بصورت صححنه‌ای از مباحثات ادبی بیرون آورده و بدین طریق توانسته است جمعیتی فراوان را مشتاق مباحثات ادبی کند در این مباحثات «لووی» جانب‌نسبت را در مورد زیبایی شناسی و تاریخ هیچ فرو نمیگذارد و معتقد است که این گونه نسبت «احساس و عاطفه اصلی» است کتاب او درباره «پروست، ژید و آلری» که در ۱۹۲۷ منتشر شده است بمنزله بیانیه است که در آن اشتیاق و علاقه خود را به «عقل استدلالی» شرح میدهد مسلماً این شاگرد «ولتر» که شیفته سبک و افکار «هوگو» گردیده است عقایدی یک‌جانبه دارد ولی هیچ منتقدی بیش از او با مفهومی عالی‌تر از وقار و عظمت به ادبیات خدمت نکرده است

نویسنده باشناساندن «واگنر» ۱ و «سزان» ۲ و «هانه» ۳ و «امپرسیون نیست» ۴ ها و (ورلن) و (سمبلیست) ۵ هارا بهم میهنان خود آنانرا در فهم این نکته یاری داده‌اند که هنر عرصه گاه اشکال و صوری ثابت و ولایتغیر نیست ولی ازاین پس فراوانی منتقدان و اختلاف نظر آنان پس از جنگ بزرگ گواهی صادق بر فعالیت عقلی در کشورهای متحد امریکا است چگونه میتوان این فعالیت را توضیح داد؟ تنها کافیست که شاهدی چند از آنان ذکر کنیم.

(۱) - Richard wagner موسیقی دان آلمانی، مصنف «استادان آواز» «انگشرنیلونک» «تریستان وایزو» و غیره متولد در «لایپ تسیک» نابقه‌ایست که کمتر استادی در موسیقی بقدرت اورسیده است وی آهنگ‌های خود را بدست خویش می‌نوشته، و آنهارا غالباً از افسانه‌های قدیم آلمان اقتباس می‌کرده در مورد معنی «اپرا» تفسیری قائل بوده که ابتدا توجهی به موسیقی بمعنی احض نداشت و میخواست است شعر و موسیقی را کاملاً بهم مربوط کند و بر اثر اینکار یعنی خواندن اشعار بی وزن و نمایش صحنه‌های یکنواخت «اپرا» غالباً خسته کننده گردیده است ولی ساز و آوازی که در آن «واگنر» تعریک عاطفه تأثیری را وسیله اصلی داند، دلاویز و عالی است. و غالباً قدرت تأثیر آن درخور ستایش است (۱۸۸۳-۱۸۱۳)

(۲) - Paul Césanne نقاش «امپرسیونیست فرانسه متولد در «اکس آن پرونس» (۱۹۰۶-۱۸۳۹) وی غالباً صحنه‌های جامد طبیعت و مناظر را نقاشی کرده است.

(۳) - Edouard Manet نقاش فرانسوی متولد در پاریس (۱۸۸۳-

۱۸۳۲) یکی از استادان مکتب «طبیعت پردازی» و «امپرسیونیسم» (۴) - Impressionisme صورتی از هنر و ادبیات که عبارتست از

تعجلی و بیان احساسات بهمان صورتیکه احساس شده است.

(۵) - Symbolisme نهضت شاعرانه قرن ۱۹ که بمنظور عکس العمل

در برابر هنر شعرای «بارناس» کوشیده است که روابط مرموزی را بیان کند که میان روح ما و اشیاء وجود دارد.

« پول المرمر » Paul Elmer more و (ایورینگ راییت)
 J-vring B - abbit که صادقانه ویی پروا دم از ارتجاع می زنند با افکار
 و تمایلات جدید آزادیخواهی مخالفند این نویسندگان سر آن دارند که
 در اجتماع قوانین جنک (اصحاب کالون) را از نور و لاج دهند و در ادبیات
 اطاعت از قواعد پیشینیان را ، از اینرو بنوشته های عصر و زمان خود اعتنایی
 ندارند (هنری منکن) Henry Mencken بر عکس این دو نویسنده
 به آنچه پیش از وی نوشته شده بدیده قضاوت می نگرد هر مرجع تقلید
 و اصلی که باشد او را بفغان و خروش می آورد و مخصوصاً از قواعد دین
 (پورتن) ها بسختی بیزار است وی مروج عقاید متناقض است و کفایت
 که یک نویسنده مشهور باشد تا او را بیاد تمسخر گیرد و هنوز کفایت که
 یک نویسنده سخن زننده و متناقض نویسد تا بدفاع از او برخیزد (منکن)
 مطابق معمول سال ۱۹۲۹ بت شکنی صاحب قریحه است که همه جابا تکبر
 و غرور عقیده خود را اظهار میدارد هم میهنان خود را (کانا) می نامد این
 تمایل به تحقیر لا اقل یک اثر نیکو داشته است و آن اینست که بر اثر مساعی
 (منکن) مردم بخواندن آثار (درایزر) که تا آنوقت ناشناس بوده است رغبت
 یافته به ارزش ادبی برده اند

(وان ویک بروکس) Van Wyck Brooks در آغاز کار
 ادبیات امریکارا حتی تا زمان خود (فاقد لطف و متانت تناسب و نکاتی
 سوزناک و دلخراش) می یابد آشکار است که وی بار این گناه را بردوش
 (پورتن) ها و سوداگران میکذارد ولی آنچه در کشور (ویت من) و (توان)
 تازگی دارد اینست که استعمار طلب خشن ویی معرفت و حریص نیز در این گناه
 سهیم است همه نویسندگان حتی (توان) که وی کتابی درباره او نوشته است بنام

(مشقت عظیم مارک‌توان) با اجتماع در حال مبارزه بوده‌اند و بدست اجتماع از پای درآمده‌اند ولی برائرندهای (بروکس) آزادی پدیدار خواهد شد (وی. ال. پاریکتن V. L. Parrington به انتقاد صرفاً جنبه

سیاسی میدهد و درباره یک نویسنده از روی اهمیت اجتماعی وی و آنچه در مورد مسائل اقتصادی گفته است، داوری میکند؛ مطابق این داوری تنها نویسندگان جدید میتوانند چیزی بنویسند که حائز اهمیت باشد (لودویک لوی سن) Ludwig Lewisohn افکار (فراید) را محک انتقاد آثار نویسندگان قرار میدهد و از روی عقیده جنسی یک نویسنده درباره آثار او قضاوت میکند مطابق این قضاوت (تورو) محکوم‌بنادانی وعدم قریحه و فکر است چرا که مانند رهبانان بصری بوده است (امرسن) نیز از نظر جنسی سرد و بی‌اعتناء می‌نماید از (پوئه) نیز باید بیزاری جست چرا که بیمار و نزار بوده‌است بالینهمه باید اعتراف کرد که (لوی سن) بخوبی میتواند این افکار خام را رها کند و هنگامیکه این فرضیه‌های باطل و خشم‌انگیز را بدور می‌اندازد و درباره نویسنده‌ای از نظر ادبی قضاوت میکند این قضاوت مخصوصاً در موردی که مربوط بیک نویسنده جدید است معمولاً عمیق و عادلانه‌است و بایبانی‌شوا و ستودنی گفته شده‌است

(جی. و. . - کرچ) J. W. Kru tch و (ماکس ایستمن) Max

Eastman عقیده اصحاب ۱ نفی را در انتقاد مقیاس قضاوت خود قرار

۱- Nihilisme نفی هر عقیده و ایمانی است، و هم‌چنین فلسفه‌ایست

که در روسیه هوادارانی دارد هدف این فلسفه آنست که شرایط اجتماعی را از میان بردارد بی‌آنکه شرائطی قطعی را جانشین آنها کند. منظور از اصحاب نفی در متن کسانی هستند که با وجود نویسنده مخالفند.

میدهند (کرج) فقط بدلائلی نظر دارد که او را از آینده ادبیات امریکا نومید میکنند. مطابق این دلائل کلیه نویسندگان امریکا بی مایه و گمراهند و در جهان جدید هم جز این نمیتواند باشد چرا که این جهان دیگر جای نویسنده نیست (ایستمن) از این هم بالاتر می رود و میگوید وجود نویسنده بیهوده و عاطل است و بوصله ای ناجور ماند که تمدنی میتواند و باید آنرا بدور اندازد که مهندسان و علمای اقتصاد را بوجود آورده است در عوض بعقیده (گرن ویل هیکس) grainville Hicks که عقاید (مارکس) ۱ را در انتقاد آثار ادبی مأخذ قضاوت فرار میدهد ادبیات وجود نداشته است و وجود نخواهد داشت مگر هنگامیکه انقلاب (سوسیالیست ۲) جهان را فرا گیرد وی خود را منادی شاهکارهای آینده میداند که در آنها شرح زندگی و کیفیات نفسانی طبقه (رنجبر) نوشته شده است این قبیل آثار در سالهای ۱۹۳۶ و ۳۷ مورد علاقه مردم امریکا بوده است.

مسلم است که این عقیده واکنشی را بدنبال دارد، بنظر (جی، ئی، رانسم) J. C. ransom شاعر مسئولیت اجتماعی ندارد آثار هنری، قطع نظر از هر گونه معنی و مفهوم، در دل و جان لذت و سعادت بی بوجود میآورند که بذات خود قائمند و این نظریه ما را بشعری رهبری میکند که با زمان و مکان پیوستگی ندارد ولی انتقادی صوری را در بر دارد که چنانکه از نامش پیداست فقط بصورت و مسائلی می پردازد که صرفاً جنبه ادبی داشته باشد

۱ - Karl marx - سوسیالیست آلمانی اصلاً یهودی مصنف کتابی مشهور درباره «سرمایه» و موسس جمعیت بین المللی کارگران متولد در ترو (۱۸۱۸-۱۸۸۳)

۲ - Socialisme - فرضیه ایست اجتماعی که میخواهد با تخصیص وسائل تولید و ثروت ها به اجتماع و توزیع کار و کالاهای مصرفی در میان همه، وضع اجتماع جهانی را تغییر دهد پیروان این فرضیه را «سوسیالیست» نامند.

(پیروان این نظریه براهنمائی (الن تیت) درمورد انتقاد درست نقطه مقابل کسانی هستند که در دهه اول قرن درباره آثار ادبی انتقاد کرده اند (الن تیت) و پیروانش فقط درباره متن و محتوی کتب نویسندگان به فحص و تحقیق می پردازند و بخود نویسندگان و شرائط زندگی فکری و اجتماعی آنان کاری ندارند. وجه امتیاز (الن تیت) از دیگران آنست که وی از علوم و فلسفه تحقیقی کاملاً دوری میجوید

جهت دیگر این عکس العمل بازگشتی بمطالعه و تحقیق درباره گذشته امریکاست در برابر افکار و عقاید (فاشیست) ۱ و (کمونیست) ۲ امریکاییان ناگهان بیاد می آورند که طرز فکری امریکائی نیز وجود دارد این توجه بغرور و مغاخر ملی پس از سالها تحقیر ملت و کشور خود، چنان شکفت انگیز و تازه مینماید که (ا. ماک. لش) میتواند در این باره بسرائید (ای امریکای من - سرزمین نو ۳ و تازه ام و چه سعادت می دارم که ترا

۱ - Fascisme مرام استبدادی را گویند که از ۱۹۲۲ در ایتالیا استقرار یافته است این مرام متکی به اقتصاد ملی است و پیروان آن را فاشیست گویند .

۲ - Communisme - فرضیه ایست که میخواهد اموال و ثروت ها اشتراکی باشند و وسائل تولید و مواد مصرفی در دسترس همه قرار گیرند طبق این نظریه وسائل تولید عبارتست از زمین و هرافزاری که برای تولید کالا یا ثروت یا محصول بکار می رود و از نظر عملی با فرضیه اجتماعی یا «سوسیالیسم» فرقی ندارد و هر دو مطابق عقیده پیروان آنها وقتی در جهان عملی میشوند که کلیه دول بصورتی واحد درآمد داشته باشند یا عبارتی بهتر دولتی دو میان نباشد و راه استقرار آنها متنقضی است که میان تولید و توزیع ثروت وجود دارد چه تولید اشتراکی است و توزیع اختصاص

۳ - در متن این عبارت آمده است *neufounded land* = زمینی که تازه پیدا شده است (زمین نویافته)

کشف کرده ام !

(داس پاسس) هنر و استعداد سرشار و دقیق خود را که از نظر صراحت و دقت و صداقت به عدسی عکاسی ماند اکنون وقف آن کرده است که در کتاب (زمینی که در روی آن هستم) شخصیت های بزرگ تاریخی را نقاشی کند در میان این شخصیتها صفاتی عقیف و نجیب یافته می شود که بپهوده آن صفات را در میان داستان او جستجو میکنیم (داس پاسس) همان شكاك بزرگ مینویسد

(در اوقات تحول و خطر هنگامیکه خاك و شن باترس ولرز از قوای عقلی بشر اطاعت میکنند تصویری که از ادامه و استمرار در ذهن ما پدید می آید میتواند رشته زندگی زمان لرزان و زودگذر حال را با زندگی نسلهای گذشته پیوند دهد هیچگاه نباید از یاد ببریم که ما وارث یکی از بزرگترین افکار جهان هستیم یکی از افکاری که در جریان تاریخ از هر فکر دیگر بانجام گرفتن نزدیکتر بوده است)

وهم چنین (وان ویک بروکس) به نگارش تاریخی از ادبیات امریکا همت می گمارد که یکی از آثار مهم ادبی بشمار می آید اقدام وی برای آن نیست که خط بطلان بر زمان گذشته کشد بلکه برعکس میخواهد بتحقیق و مطالعه درباره آن پردازد در تاریخ گذشته معنی و مفهوم و وحدت و ایمانی مییابد که بعقیده او اکنون نویسندگان جدید متهمند که این معنی و وحدت و ایمان را ناچیز و تباه کرده اند

درست پیش از جنگ دوم جهانی و در آغاز آن، نگارش داستانهای تاریخی رونقی بسزا داشته است نه تنها داستانهای عشقی و جنگی چون «بربادرفته» بلکه تتبعات و تحقیقاتی مانند کتاب «فرانکلن» تالیف «کلر

ون دورن « Carl van Doren و کتاب « شرمان » Sherman تألیف
 « لوئیدلوئیس » Loyd lewis و کتاب « لینکلن » Lincoln تألیف « کارل
 ساندبورک » و کتاب « جفرسن » تألیف « کلو بامائز » Kaude Bowers و
 غیره، را مشتاقانی فراوان بوده است .

در همین زمان فن انتقاد با ظهور « رابرت پن وارن » Warren
 Robert Penn و « الفرد کازین » Alfred Kazin نضجی میگیرد این
 دو تن میتوانند سه روش روانشناسی و اجتماعی و ادبی را بنحوی معقول
 باهم تلفیق کنند که اسلاف بلا فصل آنان بطریقی خطرناک آنها را ازهم
 جدا کرده اند « الفرد کازین » مخصوصاً عادت دارد که ازهمه فرضیه های
 اسلاف خود استفاده کند بدون آنکه مجذوب و پیرو هیچیک از آنها بشود
 وی واقع بینی و استقلال کامل خود را در مورد ادراک و قضاوت هیچگاه
 از دست نمیدهد از همین روی کتاب او « در زادگاه » Onnative
 Ground با آنکه مغشوش و مشوش است ، اکنون صائب ترین تفسیری
 است که در قرن بیستم از ادبیات امریکایی شده است در این کتاب « کازین »
 نخست نشان داده است که :

« ادبیات از سیر آرام اجتماع بسمت جهان تازه کارخانه ها و شهر
 های بزرگ پدید آمده است کار شهرهای بزرگ و کارخانه ها آنست که ایمان
 های قدیم و ارزش ها و مفاهیم زمان گذشته را از میان می برند »
 وی جریان تحول پر آشوب این ادبیات را که بازگشتی به ایمان
 دموکراسی دنبال میکند .

ماه نخشب

از شاکه‌کارهای آثار استاد سعید نفیسی

چاپ دوم - با اضافات

ماه نخشب مجموعه سرگذشت‌های پهلوانان و دلیران و مردان غیور و میهن پرستی است که در طی قرن‌ها در ایران و بعشق ایران و بخاطر نگهبانی مجدد و عظمت ایران مردانه قیام کردند و هم‌کام گروه‌ها گروه از مردم رشید و ایران پرست بایک‌انگانه و بیگانه دوستان مبارزه کردند و عالیترین نشان افتخارات ابدی را برای خود و ملت ما برپیشانی تاریخ ایران نصب نمودند .

ماه نخشب در همه مطبوعات زبان فارسی یگانه و بسی نظیر است . ماه نخشب حتی در میان همه آثار استاد نفیسی شاهکار پر ارجی است که نویسنده اش بآن مباحثات میکند . ماه نخشب را همه جوانان روشنفکر و مین پرست باید بخوانند و از زیبایی سبک نگارش آن لذت ببرند و بر جلوه‌های درخشان و مردانگی و آزادگی نیاکان خود آگاهی صحیح پیدا کنند و در راه وطن پرستی و حق جوئی از این گنجینه گرانبها توشه مبارزه و شهادت بگیرند

در ۲۸۰ صفحه با کاغذ وسط و جلد شیمیزی ۶۰ ریال

فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه

تألیف : محمود بن عثمان

با مقابله و تصحیح : بکوشش آقای ایرج افشار

درس گذشت شیخ ابواسحق کازرونی عارف بزرگ قرن پنجم و از آثار نثری بسیار جالب قرن هشتم با ترجمه مقدمه آلمانی که متضمن دقایق و نکات مهم است، این کتاب باعتبار نثر فارسی و عقاید صوفیه و جغرافیای تاریخی شهرهای فارس، بخصوص کازرون و لهجه کازرونی و فوائد لغوی سودهای بسیار در بردارد با چاپ خوب و کاغذ اعلا و جلد زر کوب در ۶۰۰ صفحه ۳۰۰ ریال و با جلد مقوایی ۲۵۰ ریال .

کتابفروشی طهوری . طهران خیابان شاه آباد

بحرین

بقلم استاد سعید نفیسی

حاوی مهمترین مباحث تحقیقی مستند و مستدل در باب مالکیت هزار و هفتصد ساله ایران بر بحرین اسنادی که در این کتاب نفیس ارائه شده از مدارك گرانبهای تاریخی است و بسیاری از مطالب این کتاب تا کنون در هیچیک در مطبوعات منتشر نشده و برای عموم خوانندگان تازه تازگی دارد. هر ایرانی وطن پرست باید این کتاب را بخواند تا شبهات گمراه کننده گان و دشمنان ایران را بشناسد و بر حقانیت مالکیت ایران بر بحرین آگاهی صحیح و کامل پیدا کند در ۷۰ صفحه ۲۰ ریال

فرهنگ فارسی

مشمول بر کلیه لغات فارسی و عربی و لغات خارجی مستعمل در زبان و نوشته های فارسی و لغات معمول در زبان عامه و اعلام مهم تاریخی و جغرافیائی تألیف آقای دکتر محمد مکرری. با مقدمه دانشمند محترم آقای احمد بهمنیار این کتاب از حیث دارا بودن کلیه لغات مورد احتیاج فارسی زبانان یگانه فرهنگ کامل و دقیق و صحیحی است که دانشجویان، روزنامه نگاران شعراء و نویسندگان، و مترجمان و همه اهل مطالعه را از مراجعه بفرهنگیان مختلف و بی نیاز میسازد. با کاغذ اعلا و جلد زرکوب در ۷۰۰ صفحه ۲۰۰ ریال

کتابفروشی طهوری . طهران خیابان شاه آباد

تذکره شعرای معاصر ایران

تألیف آقای سید عبدالحمید خلخالی

شرح حال و اشعار و آثار سی و پنج تن از استادان سخن و شعرای نامی ایران در عصر حاضر در ۵۰۰ صفحه با چاپ بسیار عالی و مصور و کاغذ خوب با جلد زرکوب ۱۶۰ ریال با کاغذ وسط و جلد زرکوب ۱۲۵ ریال

چند نامه بشاعری جوان

تألیف : راینر ماریاریلکه

شاعر بزرگ آلمانی

ترجمه آقای دکتر پرویز ناتل خانلری چاپ دوم با تجدید نظر راینر ماریاریلکه از شعرای مشهور معاصر. که بیشتر آثار او بزبانهای زنده دنیا ترجمه شده شهرت و نفوذ او در ادبیات همه کشورهای اروپا و روزافزون است و از پیشوایان بزرگ طرفداران « شعر ناب » شمرده میشود : این کتاب را آقای دکتر خانلری بزبان فارسی شیرین در آورده و همه جوانان و شعر دوستان باید بخوانند و از زیبایی سبک نگارش آن لذت ببرند .

سهراب ورستم

تألیف ماتیو آرنولد . ترجمه و مقایسه با ورستم و سهراب شاهنامه فردوسی با اهتمام دیباچه و حواشی از آقای منوچهر امیری با مقدمه استاد سعید نفیسی در ۷۵ صفحه با کاغذ اعلا و جلد مقوای ۲۰ ریال

نخبه سمیع

انتخابی که مرحوم ادیب السلطنه سمعی از دیوان نظم و نثر کرده اند با اهتمام آقای حسینعلی محفوظ در ۵۰ صفحه با کاغذ اعلا و جلد مقوای ۲۵ ریال

کتابفروشی طهوری . طهران خیابان شاه آباد

